

# طلوع دوباره شور شرقی در شعر فجر

# کتابخانه



همزمان با آیین گشایش این جشنواره، ۵۶ شاعر، شخصیت‌های علمی، فرهنگی و هنری و همچنین بیش از ۴۰ خبرنگار به عنوان نمایندگان رسانه‌های مکتوب، الکترونیک، دیداری و شنیداری به منظور پوشش خبری این رخداد بزرگ فرهنگی در این مراسم حضور خواهند داشت.

چهارمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر ۹ صبح امروز سوم بهمن ماه در مجتمع فرهنگی هنری شهرستان بوشهر با حضور سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر ارشاد و جمعی از شاعران، مسوولان و شخصیت‌های فرهنگی و هنری آغاز می‌شود.

شنبه ۳ بهمن ۱۳۸۸  
۷ صفر ۱۴۳۱ زانویه ۲۰۱۰  
شماره ۲۱۷، پیاپی ۸۶۸  
صفحه ۲۰، تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴  
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir

## سرآغاز

### سینما و ادبیات

بسیاری از فیلم‌هایی که در ذهن ما مانده، برگرفته از یک کار ادبی ماندگارند. دنیای ادبیات سرشار از رمز و راز است. کار کارگردان یافتن این رمز و رازها و روشن تر کردن معناها یکی داستان است. سینمای ما در بسیاری از تولیدات امروز خود خالی از تفکر بنیادین ارزیابی می‌شود، چون بسیاری از کارگردانان خیلی اهل معنا و اندیشه نیستند.

خیلی‌ها به دنبال «لقمه» آمده‌اند و باید اعتراف کرد که گاهی خوب شعار می‌دهند. اکثر ما آدم‌هایی همه فن حریف و واردی هستیم، ولی وقتی به مرحله عمل می‌رسیم هیچ نداریم. سینمای ما گاهی برای دل خودمان است و گاهی برای دل دیگران. گاهی فقط ادا در می‌آوریم، تا شاید جایی تحویلیمان بگیرند. گاهی از جلد خودمان خارج می‌شویم و لباس دیگری می‌پوشیم و این یعنی از ماهیت هنر خیلی فاصله گرفته‌ایم شاید همین خصلت است که ترجیح می‌دهیم به جای اقتباس از آثار برتر، به ذهن و درونیات محدود خود پردازیم.

## رویش

### ادبیات داستانی ایتالیا در دل خورشید



۱۴

## حقیقت

### در عرصه پژوهش تعیین‌کننده است



۱۹

## برنامه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای دهه فجر تشریح شد

### وزیر ارشاد: شعر فجر در سراسر کشور هیجان ایجاد می‌کند

دکتر سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سه شنبه هفته گذشته طی نشست خبری که در ساختمان شورای فرهنگ عمومی برگزار شد، با تشریح برنامه‌های وزارتخانه متبوعش برای دهه فجر امسال، به ارائه توضیحاتی درباره جوایز کتاب‌سال و جشنواره شعر فجر پرداخت. وی جشنواره شعر فجر را باعث ایجاد شور و هیجان در سراسر کشور دانست.



حسینی در ابتدای این نشست گفت: «به یاری همه هنرمندان، امسال نیز گام‌های بلندی برای برنامه‌های دهه فجر برداشته‌ایم و علاوه بر توسعه کمی، افزایش کیفیت، ارائه مطلوب خدمات و حضور هنرمندان سراسر کشور را در این رویدادها پیش‌بینی کرده‌ایم.»

وی سپس با اشاره به برگزاری بیست و هفتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و همچنین هفدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال در دهه فجر امسال، افزود: «مراسم اهدای جوایز کتاب سال با حضور مسوولان کشوری برگزار می‌شود و

ادامه در صفحه ۲

۲

داوران شعر فجر در مراسم اختتامیه معرفی می‌شوند

۳

گران‌ترین جایزه شعر بریتانیا به فیلیپ گراس رسید

۴

آخرین کتاب ابوتراب خسروی از زبان خودش



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نام‌های بگورید و یک روز از پنج روز را رزرو کنید

۰۲۱-۸۴۵۱

تخفیف ویژه برای همایش  
زمان ۸ الی ۱۲ بهمن

با کتاب فروشی‌های کشور  
در همایش کتاب‌های برنامهای  
کانون فرهنگی آموزش (قلم چی)

رسم کتابخوانی را بین مردم باب کنیم؛ کاری که شنیدم اروپایی‌ها در خانه انجام می‌دهند. وقت خواب، مادر برای بچه‌اش کتاب می‌خواند. ما این رسم را اصلاً نداریم. البته در قدیم در بعضی از خانواده‌ها بود. ما در منزل پدری مان دیده بودیم که کسی می‌نشست و برای دیگری کتاب می‌خواند. سال‌ها چنین کاری می‌شد؛ هم برای کوچک‌ها، هم برای بزرگ‌ها؛ اما این کار اکنون بین مردم رایج نیست.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب، ۷۶/۸/۱۹

## پیام تسلیت محسن پرویز به مناسبت درگذشت مادر دکتر سنگری

دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، درگذشت مادر محمدرضا سنگری، شاعر و پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس را تسلیت گفت.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، در این پیام تسلیت آمده است: «خبر درگذشت والده گرامی جنابعالی که از نویسندگان و پژوهشگران متعهد حوزه دفاع مقدس هستید، دوستان شما را در عرصه ادب و فرهنگ کشور در اندوه فرو برد. از درگاه حضرت باری تعالی برای آن مرحومه رحمت واسعه و برای حضرت تعالی و دیگر بازمانگان محترم، صبر و توفیق الهی مسئلت دارم.» محمدرضا سنگری سال ۱۳۳۳ در شوش به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۶۴ موفق به دریافت مدرک کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی شد و مدرک دکترای خود را نیز در سال ۱۳۷۳ در همین رشته از دانشگاه تهران اخذ کرد.

برخی از آثار وی عبارتند از: «آینه داران آفتاب»، «رستاخیز حماسه»، «بیوند دو فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس»، «ماه در آب: ابوالفضل عباس بن علی (ع)»، «نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس: ادبیات پایداری در اسلام و ایران» و «روایت عطش و آتش».

## تشکیل دفتر شعر در وزارت ارشاد

مصطفی محدثی خراسانی، شاعر برگزیده جشنواره شعر فجر گفت: «جشنواره شعر فجر نیز مانند دیگر جشنواره‌ها برای ترویج و ارتقای شعر کشور نیازمند تشکیل دفتر شعر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.»

به گزارش روابط عمومی ستاد خبری چهارمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر، محدثی خراسانی با بیان این مطلب افزود: «جشنواره بین‌المللی شعر فجر در سه دوره قبلی خود موفق عمل کرده است.» وی ادامه داد: «هرچند این رقابت نوپایی نسبت به سایر جشنواره‌های فجر است، اما باید آن را تقویت کرد و غفلت‌ها، کمی و کاستی‌های آن را با برنامه‌ریزی جامع و کارشناسی شده با اهداف درازمدت، میان مدت و کوتاه مدت مشخص دنبال کرد.»

خالق اثر «بودن در نبود» گفت: «جشنواره شعر فجر نباید شکل و شمایل سلیقه‌ای به خود بگیرد و برگزاری آن بر اساس اصول خاص هدف‌گذاری و تدوین شود تا شاعران معاصر انقلاب و ادبیات فارسی شناخته و به جامعه مطرح شوند.»

محدثی خراسانی ایجاد دفتر شعر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ضروری دانست و اظهار داشت: «علاوه بر برگزاری جشنواره‌های شعر فجر، برای مشخص کردن جایگاه شعر که به عنوان هنر ملی ما ایرانیان به شمار می‌آید، دفتری در وزارت ارشاد با هیات قدرتمندی در زمینه شعر تشکیل شود.»

رونمایی از آثار برگزیده شاعران جوان جشنواره فجر

# داوران شعر فجر در مراسم اختتامیه معرفی می‌شوند



بین‌المللی کتاب تهران برگزار می‌شود.

شش جلد منتشر شده این آثار عبارتند از: «میخانه بی خواب» سروده مهدی فرجی، «من آسمان ندارم» سروده ابراهیم اکبری دیزگاه، «چه عشق‌ها» سروده محمدجواد شاهمرادی، «وصال» سروده حسین تولایی، «نسکافه‌های بعد از ظهر» سروده علی رضالیش و «سربازی با گلوله‌های برقی» سروده مجید سعدآبادی.

مصطفی امیدی، دبیر اجرایی چهارمین جشنواره شعر فجر، گفت: «در آیین پایانی جشنواره شعر فجر در تالار وحدت تهران، اسامی هیات داوران را منتشر خواهیم کرد. به گفته امیدی انتخاب داوران بر اساس جریان‌های مختلف فکری و ادبی برای فراگیری هر چه بیشتر جشنواره شعر فجر بوده است.»

امیدی با اعلام این خبر افزود: «با انتشار این اسامی مشخص خواهد شد که طیف‌های مختلف فکری و ادبی و سلیقه‌های گوناگونی در این هیات به کار داوری مشغول بوده‌اند.»

دبیر اجرایی جشنواره شعر فجر افزود: «آثار داوری شده به شکل کدگذاری شده در اختیار داوران قرار گرفته‌اند و ایشان اطلاعی از نام سراینده شعرهای داوری شده نداشتند.»

امیدی، همچنین از انتشار شش جلد از مجموعه کتاب‌های شاعران برگزیده سومین دوره جشنواره شعر فجر خبر داد و گفت: «پس از انتشار شش جلد دیگر از این مجموعه، این کتاب‌ها در نمایشگاه کتاب تهران رونمایی می‌شوند.»

به گفته وی انتشارات فصل پنجم با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آثار شاعران برگزیده جوان سومین دوره جشنواره شعر فجر را منتشر کرده است. هم‌اکنون، شش جلد از این مجموعه منتشر شده و شش جلد دیگر نیز به زودی منتشر خواهند شد.

مراسم رونمایی از این آثار در سرای اهل قلم بیست و سومین نمایشگاه

## پخش مراسم افتتاحیه شعر فجر از اینترنت

مدیر روابط عمومی چهارمین جشنواره شعر فجر نیز از پخش هم‌زمان آیین گشایش و اختتامیه چهارمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر از طریق اینترنت خبر داد و گفت: «همه مخاطبان شعر ایران در سراسر جهان می‌توانند به صورت زنده از رویدادهای این مراسم آگاه شوند.»

سید سعید میرمحمد صادق افزود: «مراسم افتتاحیه به صورت کامل از سوی شبکه چهارم جمهوری اسلامی ایران ضبط و با دو روز تأخیر پخش می‌شود. همچنین این مراسم از سوی برنامه‌سازان شبکه‌های تلویزیونی اعم از باغ کاغذی، شبکه ۳، ژرفا، شبکه یک، آینه جام و شبکه جهانی جام ضبط و منعکس خواهد شد.»

## ساری، میزبان نمایشگاه استانی کتاب می‌شود

استانی کتاب و ششمین نمایشگاه بزرگ کتاب در ساری است، به همت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری استانداری مازندران و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی این استان همه‌روزه از ساعت ۱۰ تا ۱۹ پذیرای علاقه‌مندان به دیدار از این نمایشگاه خواهد بود.

در این نمایشگاه نیز چون دیگر نمایشگاه‌های استانی، کتاب‌ها با ۴۰ درصد تخفیف از سوی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد و ناشران عرضه می‌شوند. یکصد و پنجاه و نهمین نمایشگاه استانی کتاب و ششمین نمایشگاه بزرگ ساری هشتم تا چهاردهم بهمن ماه ۸۸ در شهر ساری، کیلومتر ۷ جاده نگاه، جنب نمایندگی ایران خودرو از ساعت ۱۰ تا ۱۹ پذیرای علاقه‌مندان کتاب خواهد بود.



نمایشگاه استانی کتاب ساری هشتم تا چهاردهم بهمن ماه سال جاری در این شهر برگزار می‌شود. این نمایشگاه که یکصد و پنجاه و نهمین نمایشگاه

## احتمال حضور

### رییس جمهور در آیین پایانی جایزه کتاب سال

دبیر علمی بیست و هفتمین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران گفت: مراسم پایانی جایزه کتاب سال، ۱۹ بهمن در تالار وحدت تهران برگزار می‌شود. به گفته علی اوجبی، مدیران فرهنگی کشور در حال رایزنی‌های لازم برای حضور رییس جمهور در آیین پایانی و اهدای جوایز این دوره‌اند. وی با اعلام این خبر افزود: «رایزنی‌های لازم با مسوولان عالی رتبه کشوری نیز برای شرکت در مراسم اهدای جوایز کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در حال انجام است.»

امسال بیش از ۱۸ هزار عنوان کتاب به دبیرخانه ارسال شده و داوری‌ها در همه گروه‌های یازده گانه نیز که با توجه به زیرمجموعه‌های آنها به ۶۰ رشته می‌رسند، بر اساس زمان بندی قبلی انجام شده است.»

اوجبی که سرپرستی دبیرخانه بیست و هفتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را به عهده دارد، طی حکمی از سوی دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان دبیر علمی این جایزه منصوب شد.

## وزیر ارشاد: شعر فجر در سراسر کشور هیجان ایجاد می‌کند

وی در ادامه به دیگر فعالیت‌های مرتبط با کتاب در دهه فجر از جمله افتتاح ۵۵ کتابخانه عمومی در سراسر کشور و ترجمه و چاپ قانون اساسی کشورمان به ۳۰ زبان در سراسر دنیا اشاره کرد.

دکتر حسینی همچنین با اشاره به سفر اخیرش به ترکیه، به بحث مصاحبه‌های ایرانی توسط دیگر کشورها پرداخت و یادآور شد: «در یکی از شهرهای ترکیه بر سر مزار عبدالباقی گولپینارلی (شاعر پارسی‌گوی) رفته بودیم و از این که او آنجا مهاجر مانده و حتی اعضای سفارت ایران او را نمی‌شناختند، متأسف شدیم.»

وی افزود: «ما شخصیت‌هایی داریم که حتی از شهرستان خود خارج نشده‌اند و به جای دیگری مسافرت نکرده‌اند مانند حافظ که از شیراز حتی به یزد هم نرفت اما می‌بینیم که بعضی کشورها می‌خواهند این گونه مشاهیر را برای خود مصادره کنند.»

در بخش دیگری از این نشست، دکتر سید محمد حسینی در پاسخ به پیشنهاد خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران، مبنی بر برگزاری جایزه ادبی جهانی در دهه فجر در قالب جایزه جهانی کتاب سال نیز گفت: «این پیشنهاد خوبی است که جایزه جهانی کتاب سال در رشته‌های بیشتری برگزار شود و سطحی جهانی پیدا کند.» وی ادامه داد: «اگرچه آشنایی با زبان‌های مختلف و ادبیات مختلف سراسر جهان کار دشواری است، اما ما نگاهی جهانی داریم و می‌توان در این زمینه کار کرد تا نویسندگان و ناشران ایرانی نیز بهره بیشتری ببرند.»

ادامه از صفحه اول

وی با بیان این مطلب که هفدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال در دو گروه مطالعات اسلامی و ایرانی نیز برگزار می‌شود، افزود: «در این دوره ایرانیان خارج از کشور را در نظر گرفته‌ایم و مقرر شده تا در رایزنی‌های فرهنگی با سفارتخانه‌ها، از همکاری آنها بهره‌مند شویم.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین در این نشست از اقدامات موثر در حوزه کتاب در چهار ماه و نیم گذشته سخن گفت و افزود: «برگزاری هفته کتاب، نمایشگاه‌های استانی، نمایشگاه‌های یاد یار مهربان، جایزه جلال و... بخشی از این فعالیت‌ها بوده‌اند.»

وی در ادامه به تشریح فعالیت‌های جشنواره شعر فجر پرداخت و گفت: «در این دوره از جشنواره که در سه سطح استانی، ملی و بین‌المللی برگزار می‌شود، ۶۰۰ شاعر با بیش از ۱۲ هزار عنوان شعر شرکت کرده‌اند که آثار آنها در سه قالب سنتی، نمایی و کودک و نوجوان داوری خواهند شد.»

دکتر حسینی با اشاره به برگزاری آیین افتتاحیه جشنواره شعر فجر در سوم بهمن ماه در بوشهر، گفت: «این جشنواره در استان‌های مختلف کشور نیز برگزار می‌شود و در سراسر کشور شور و هیجان ایجاد می‌کند.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: «در بخش بین‌المللی از ۱۰ استاد پارسی‌گوی نیز برای شرکت در جشنواره دعوت شده تا مقدمه‌ای برای برگزاری همایش شاعران ایران و جهان در اردیبهشت ماه باشد.»



# گران ترین جایزه شعر بریتانیا به فیلیپ گراس رسید

گران ترین جایزه شعر بریتانیا به فیلیپ گراس، شاعر و نمایشنامه نویس ۵۸ ساله رسید. وی برای کتاب شعر «سفره آب های زیرزمینی» به این جایزه دست یافته است. این جایزه ۱۵ هزار پوندی، دوشنبه هفته گذشته طی مراسمی در لندن، از سوی هیات داوران جایزه تی اس الیوت به گراس اهدا شد. این جایزه که از مهم ترین جوایز ادبی جهان در زمینه شعر محسوب می شود، توسط والری الیوت، همسر تی اس الیوت، شاعر معروف انگلیسی برگزار می شود. گراس نیز عصر دوشنبه جایزه خود را از دست والری الیوت دریافت کرد.

مجموعه شعر «سفره آب های زیرزمینی» دارای اشعاری ماوراء طبیعی، سیاسی و مذهبی است که در آن، «آب» نقش مهمی دارد و به موضوعاتی مثل تغییر آب و هوا، محیط زیست و شرایط نامتعادل انسان در سیاره زمین اشاره شده است.

این ششمین مجموعه شعر این شاعر است. وی علاوه بر شعر در رمان نویسی و نمایشنامه نویسی نیز تجربیاتی دارد و تاکنون ۱۰ رمان منتشر کرده است.

به گزارش روزنامه گاردین، رییس هیات داوران جایزه ابراز امیدواری کرده است که این جایزه بتواند مردم را با صدای جدیدی در شعر معاصر آشنا کند. سیمون آرمیتیج، رییس گروه داوران این جایزه شعرهای این شاعر را که در ۶۴ صفحه به چاپ رسیده زیبا و ساده توصیف کرده است.

«خورشید ماهی» اثر ایلان نی چولیتانیا، «طبقه قاره‌ی» اثر فرد آگوار، «پایان» اثر جین درایکوت، «از پنجره میدان» اثر سیناد مورسی، «یک چیز سری» اثر شارون اولدز، «علف ها و گل های وحشی» اثر آلیس اوسوالد، «سوختن کتاب ها و دیگر شعرها» اثر جورج زیرتس، «تعدادی» اثر کریستوفر رید و «پایان غرب»



اثر هوگو ویلیامز دیگر نامزدهای دریافت این جایزه بودند.

جایزه الیوت سال گذشته به جن هادفیلد، شاعر جوان و نوظهور اهدا شده بود. پارسال مراسم اهدای این جایزه به علت درگذشت میک ایمل، شاعر انگلیسی، با انده و ناراحتی برگزار شد. ایمل که خود با مجموعه شعر «رهبر گمشده» موفق به کسب جایزه شعر فوروارده شده بود، یکی از نامزدهای جایزه تی اس الیوت نیز بود که ساعاتی پیش از برگزاری مراسم در سن ۵۲ سالگی درگذشت.

جایزه تی اس الیوت از مسابقه های مهم در زمینه شعر محسوب می شود و اخیرا مبلغ آن از ۱۰ هزار پوند به ۱۵ هزار پوند افزایش یافته است. از برندگان سال های گذشته جایزه الیوت که در



سال ۱۹۹۳ میلادی توسط انجمن کتاب شعر انگلیس راه اندازی شده است می توان به دان پترسون، تد هیوز، شون اوبراین و سیموس هینی اشاره کرد.

تی اس الیوت، شاعر انگلیسی که این جایزه ادبی به نام او نامگذاری شده، از سال ۱۸۸۸ تا سال ۱۹۶۵ زندگی کرد و در سال ۱۹۴۸ به جایزه نوبل ادبیات دست یافت. این شاعر در آمریکا متولد شد. اما از ۲۵ سالگی به انگلستان مهاجرت کرد و در ۳۹ سالگی به تابعیت این کشور درآمد.

والری الیوت، همسر این شاعر که اکنون جایزه شعر «تی اس الیوت» را برگزار می کند، در سال ۱۹۵۷ با وی ازدواج کرد. او ۳۸ سال از الیوت جوان تر بود و تا زمان مرگ الیوت، تنها هشت سال با او زندگی کرد.

## از سوی دستگاه های نظارتی اردن

### انتشار نامه های صدام حسین ممنوع شد

دستگاه های نظارتی اردن از انتشار کتاب «وصیت های قربانی؛ نامه های صدام حسین» نوشته ولید حسنی، روزنامه نگار و پژوهشگر اردنی ممانعت کردند.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نقل از القدس العربی چاپ لندن، نویسنده کتاب معتقد است توجیه مدیر مطبوعات اردن برای منع انتشار این کتاب حاکی از اعتقاد وی به اثرات منفی این کتاب بر روابط اردن با دولت های عربی برادر است.

حسنی اذعان داشت آنچه در کتاب وی آمده و موجب ممنوعیت آن شده، پیش از این در کتاب های متعدد دیگری که در اردن منتشر شده اند و اکنون در کتابخانه های این کشور موجود هستند ذکر شده بود اما آنچه بیش از هر چیز نگرانی مسوولان را برمی انگیزد موضوع این کتاب است.

حسنی طی نامه ای به مدیر مطبوعات اردن خواستار توجه قانونی به مساله ممنوعیت این کتاب به جای تمرکز سیاسی بر موضوع و تجاوز به قانون مطبوعات نشر شد و افزود: این کتاب به شکلی بی رحمانه و با نگاهی غیرعادلانه تفسیر و سپس ممنوع شده است.

کتاب ممنوع شده ولید حسنی به بررسی روند تفکرات و سیاست های آمریکایی که منجر به اشغال عراق شد پرداخته است و آن را با روند تفکرات صدام حسین بر اساس اندیشه ها و نامه هایی که او از لحظه اشغال عراق تا لحظه اعدامش منتشر کرده مقایسه می کند.

## رمانی دیگر از کورت وونه گات در ایران منتشر می شود

زهر اطراوتی با ترجمه رمان «Play Piano» به جمع مترجمان آثار وونه گات نویسنده فقید آمریکایی پیوست.

به گزارش «ایبنا»، اطراوتی که تاکنون دو سوم از ترجمه این رمان وونه گات را به انجام رسانده، هنوز بر سر ترجمه نهایی عنوان کتاب به نتیجه نرسیده است و می گوید عنوان کتاب در نگاه نخست، یک معنا به دست می دهد؛ اما پس از این که رمان را خواندی و به دقت آن را ترجمه کردی، لزوما قرار نیست همان معنایی را داشته باشد که در نگاه اول به دست می آید؛ از همین روست که ترجیح می دهد عنوان کتاب، آخرین مرحله از ترجمه آن باشد.

رمان «Play Piano» در ادامه ترجمه آثار این نویسنده ضد جنگ آمریکایی به فارسی است که به سرپرستی علی شیعیه علی انجام می شود. آثار منتشر نشده وونه گات در زبان فارسی به ۱۶ رمان می رسد. این

نویسنده اولین بار با ترجمه علی اصغر بهرامی از رمان «سلاخ خانه شماره پنج» در ایران معرفی شده و بیشتر آثار او توسط همین مترجم به فارسی ترجمه شده اند. آخرین کتاب وونه گات که در سال ۲۰۰۵ منتشر شد، مجموعه ای از مقالات شرح حال با نام «مرد بی وطن» بود. از این اثر در زبان فارسی ترجمه هایی از جمله به قلم حسین شهرابی، علی اصغر بهرامی، زیبا گنجی و پریسا سلیمان زاده منتشر شده است.

کورت وونه گات جوینور سال ۱۹۲۲ در شهر ایندیاناپولیس در ایالت ایندیانا به دنیا آمد. وی در رشته زیست شیمی تحصیل کرد و از دانشگاه کورنل فارغ التحصیل شد، سپس در ارتش نام نویسی کرد و برای نبرد در جنگ جهانی دوم به اروپا اعزام شد. این نویسنده در جنگ به دست نیروهای آلمانی اسیر و در شهر در سدن زندانی شد و همین دوره شاهد بمباران این شهر توسط

بمب افکن های متفقین بود که بیش از صد و سی و پنج هزار کشته بر جا گذاشت. این تجربه بعدها باعث خلق شاهکار ادبی او «سلاخ خانه شماره ۵» شد. وونه گات پس از پایان جنگ و بازگشت به ایالات متحده آمریکا، در دانشگاه شیکاگو به تحصیل مردم شناسی پرداخت و سپس به عنوان تبلیغات چی برای شرکت جنرال الکتریک مشغول به کار شد، تا سال ۱۹۵۱ که به نهایی شدن انتشار اولین کتابش «پیانوی خودکار»، این کار را ترک کرد و به صورت تمام وقت مشغول نویسندگی شد.

این نویسنده ۱۱ آوریل ۲۰۰۷ در سن هشتاد و چهار سالگی در منزل شخصی خود درگذشت. علت مرگ وی صدمه مغزی ناشی از سقوط اعلام شد. پس از مرگ این نویسنده اقبال بیشتری نسبت به آثار او در اکثر کشورهای جهان شکل گرفت که ایران نمونه ای از آنهاست.

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

### خاکریزهای رحیم صفوی

سید یحیی (رحیم) صفوی، فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در گفت و گوی مفصلی با «ایبنا» (بخش پرونده) درباره آثار تالیفی اش، رابطه اش با کتاب و کتابخوانی و این که اصولا چگونه شد که تصمیم به نگارش کتاب گرفت توضیح داده است.

او که در رشته زمین شناسی تحصیل کرده، درباره این که چگونه وارد فعالیت های نظامی شد، گفته است: «روحیه ام روحیه شجاعت و مبارزه علیه رژیم ستم شاهی زیر پرچم حضرت امام (ره) بود. البته آن زمان فیلم هایی که می دیدیم، فیلم های جنگی و... بود و شاید همین روحیه مبارزه در راه حق و مبارزه علیه ظلم و ستم مرا به پاسداری انقلاب اسلامی تشویق می کرد.»



فرمانده سابق سپاه که کتابش چند هفته پیش در جایزه کتاب فصل تقدیر شد، توضیح داده است که اولین کتابش همان رساله دکترایش بوده و شرح داده سایر کتاب هایش به چه موضوعاتی می پردازند. وی درباره رابطه اش با کتابخوانی و در پاسخ به این سوال که «آیا در منزل کتابخانه شخصی دارید» گفته است: «آنقدر کتاب دارم که مجبور شدم بخشی از آنها را از خانه بیرون ببرم چون همه اتاق ها پر شده بودند!»

گفت و گوی مفصل «ایبنا» با رحیم صفوی، در بخش «پرونده» وب سایت خبرگزاری کتاب، قابل دسترسی است.

### جشنواره شعر فجر و خبرهایش

گفت و گوها و مصاحبه هایی با شاعران و مدیران فرهنگی دست اندرکار برگزاری چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر در سایت خبرگزاری کتاب منتشر شده و نیز نشست مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که سه شنبه هفته گذشته برگزار شد در این خبرگزاری گزارش شده است که عکاسان «ایبنا» نیز همین نشست مطبوعاتی را به زبان تصویر گزارش کرده اند.

### نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند و گفت و گوهایی با پدیدآورندگان آثار از دیگر مطالبی است که هفته گذشته در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران منتشر شده است.

### اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار آماری انتشار کتاب در حوزه های مختلف در ایران، مهم ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه ترین کتاب های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را به گوش جهان انگلیسی زبان رساند.



## فروش بالای «زمینی نو»

«زمینی نو» اثر اکهارت تول، با ترجمه میترا معتضد از انتشارات البرز، از جمله آثار پرفروش کتابفروشی بهجت در هفته گذشته بود.

اکهارت تول که پیش از این با کتاب پرفروش خود به نام «قدرت زمان حال» میلیون‌ها خواننده را برانگیخت تا راهی و لذت زیستن در زمان حال را کشف کند، در کتاب «زمینی نو» به بررسی بیشتر این عقاید می‌پردازد تا نشان دهد خودبینی اساس خوشبختی نیست، بلکه منشاء تضادها و رنج‌ها در این جهان است.

تول توضیح می‌دهد که چگونه خودپرستی ما ایجاد اختلال‌هایی می‌کند که به خشم، حسادت و بدبختی منجر می‌شود و به خوانندگان نشان می‌دهد چگونه بیدار و آگاه شوند و با انتخاب مسیر درست به حیاتی با معنا برسند.

دیگر کتاب‌های پرفروش کتابفروشی بهجت در هفته گذشته عبارت بودند از: «اوستا مهم‌ترین گنجینه ایران باستان» و «زرتشت پیامبر ایران باستان» تألیف هاشم رضی از انتشارات بهجت، «پیام گمگشته» اثر مارلو مورگان با ترجمه فرهاد فرود از انتشارات آوند دانش، «این مردم نازنین» اثر رضا کیانیان از نشر مشکى و «مریخ و ونوس در اتاق خواب» اثر دکتر جان گری با ترجمه فاطمه بای از نشر دانژه.

مسئول فروش کتابفروشی «گفت و گو» نیز آثار پرفروش خود را در هفته گذشته به ترتیب زیر اعلام کرد: «عشق ممنوعه» اثر افشان قاندى از انتشارات حکایتی دیگر؛ «برنده تنه‌است» اثر پائولو کوئیلو از انتشارات کاروان و «وقتی آن تناور درخت خانه شکست» نوشته شهره وکیلی از نشر علم. کتابفروشی فام نیز در هفته گذشته دو کتاب «فسقلی‌ها» اثر تنی گراس با ترجمه میترا لبافی و «می‌می‌نی» مجموعه شعرهای ناصر کشاورز را از انتشارات افق در حوزه کودک و نوجوان در صدر آثار پرفروش خود داشت.

ابوتراب خسروی از ویژگی‌های «ملکان عذاب» گفت:

# آخرین داستان جذاب یک تریلوژی به پایان رسید

«رود راوی» است، نوعی تریلوژی محسوب می‌شود که فرهنگ و تاریخ ما به نوعی با آن درگیر بوده.

این داستان‌نویس با اشاره به موضوع هر یک از رمان‌های قبلی خود خاطر نشان کرد: «موضوع «رود راوی» قداست است و «اسفار کاتبان» درباره فرقه‌گرایی است و داستان «ملکان عذاب» به خرافه می‌پردازد. در واقع این موضوع رانمی توان به دور از یکدیگر تصور کرد.»

خسروی با اشاره به وجوه دیگری از رمان تازه اش اضافه کرد: «ملکان عذاب»، مضمونی تاریخی دارد.

البته ادبیات فقط شهادت می‌دهد بر وضعیتی که خواننده هم‌در آن بانویسنده وجوه مشترکی را پیدا کند. به گفته خسروی، این رمان حدود ۳۴۰ صفحه است و برای انتشار به نشر ثالث سپرده خواهد شد. خسروی همچنین از انتشار کتاب «حاشیه‌ای بر داستان‌نویسی» که دربرگیرنده مباحث نویی در حیطه داستان‌نویسی امروز است از سوی نشر ثالث خبر داد.

ابوتراب خسروی متولد یکم فروردین ۱۳۳۵ فسا در استان فارس و از داستان‌نویسان معاصر ایرانی است.



سخن گفت و توضیح داد: سال‌ها روی این رمان کار کردم. این رمان برای جذب مخاطب عام نوشته نشده، ولی به گونه‌ای است که از خواندن آن مخاطب عام و متوسط به پایین نیز لذت می‌برد.

وی افزود: این کتاب مضامینی خوشایند، جذاب و طنزگونه دارد و در نوشتن آن از روابط بینامتنی استفاده شده است.

نویسنده «اسفار کاتبان» همچنین این رمان را مکمل دو رمان قبلی خود دانست و گفت: «این رمان که در واقع ادامه و مکمل دو رمان «اسفار کاتبان» و

همزمان با انتشار کتاب «حاشیه‌ای بر داستان‌نویسی» ابوتراب خسروی از سوی نشر ثالث و انتشار «کتاب ویران» این نویسنده تا چند هفته آینده، این نویسنده از به پایان بردن بازنویسی رمان «ملکان عذاب» سخن گفت و آن را داستانی جذاب از جنس فرهنگ و باورهای ایرانی دانست.

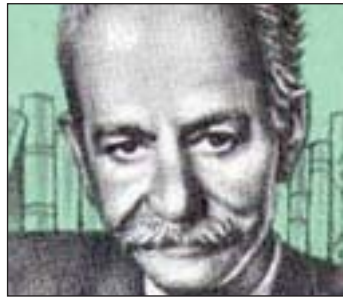
به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، برخی از داستان‌های مجموعه «کتاب ویران» خسروی در چند سال اخیر برخی نشریات به چاپ رسیده است و این کتاب بیانگر بخشی دیگر از نگرش خاص هستی‌شناسانه این نویسنده شیرازی در حیطه داستان کوتاه است که به زودی از سوی نشر چشمه منتشر می‌شود.

خسروی درباره این کتاب گفت: «کتاب ویران» دربرگیرنده ۸ داستان و بیانگر تجربیات تازه ام در سال‌های اخیر است. هر چند که به لحاظ مضمون و فرم، کاری خیلی جدید به شمار نمی‌آید و در ادامه کارهای پیشینم است.

نویسنده «رود راوی» همچنین از به پایان رساندن مراحل بازنویسی و ویرایش رمان «ملکان عذاب»

## گرامی داشت علامه دهخدا و یارانش برگزار شد

مراسم یکصد و سی امین سالگرد تولد علامه دهخدا عصر سه شنبه ۲۹ دی ماه با حضور چهره‌هایی چون علی محمد حق شناس، محسن شهیدی، حسن ذوالفقاری، علی رواقی، احمد گیوی، سید فرید قاسمی، غلامرضا ستوده و سید رضا مصطفوی یزدانی در محل موسسه لغت‌نامه دهخدا برگزار شد. در پایان این مراسم نیز از تندیس دهخدا پرده برداری شد. در ابتدای این مراسم احمد گیوی با موضوع «علامه دهخدا» به ایراد سخنانی که از روی متن قرائت می‌شد، پرداخت. او دهخدا را فردی نامید که به مدد قلم و قدمش به مدد مردم کشورش پرداخت.



سید فرید قاسمی، روزنامه‌نگار نیز هدف دهخدا از روزنامه‌نگاری را برپایی قانون تصحیح اخلاق دانست و به تشریح روزنامه‌نگاری دهخدا در زمان حیاتش پرداخت.

غلامرضا ستوده، معاون موسسه لغت‌نامه دهخدا نیز در این مراسم با قرائت شعرهایی در وصف دهخدا و نزدیکانش، گفت: «راز بزرگ ما همکاری جمعی و پرهیز از انحصارطلبی است و دهخدا و معین و شهیدی به این راز بزرگ به خوبی پی برده و وفادار بودند.»

## شیرزادی و رمانی برگرفته از تجربه‌های روزنامه‌نگاری

علی اصغر شیرزادی این روزها مشغول نگارش رمانی با نام «دوان دوان می‌آیند» است که خاستگاه اندیشه این اثر، تجربیات وی در عرصه روزنامه‌نگاری است.

علی اصغر شیرزادی، نویسنده، در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، درباره کارهای ادبی جدیدش گفت: «یک رمان به نام «دوان دوان می‌آیند» در دست نگارش دارم که تا نوروز به مرحله اجرای دوم آن می‌رسم و احتمالاً بیش از ۲۰۰ صفحه خواهد شد.» وی ادامه داد: «در نمایه این رمان به روزنامه‌نگاری و تجربیات خودم از این عرصه برمی‌گردد. البته این رمان یک اثر اجتماعی نیست، چراکه من اصولاً اجتماعی‌نویس نیستم. تکیه‌گاه مفهومی و اندیشه‌ای این اثر به فعالیت‌هایم در عرصه روزنامه‌نگاری مرتبط است.»

توسط انتشارات فرانسوی «cherche midi»

## ترجمه سروده‌های نیما در فرانسه منتشر می‌شود

کیومرث درم‌بخش، عکاس و مستندساز از ترجمه ۲۴ قطعه از شعرهای نیما به زبان فرانسوی با همکاری برخی از شاعران و نویسندگان فرانسوی طی یک سال گذشته خبر داد. مجموعه این شعرها با طبقه‌بندی موضوعی تا شش ماه دیگر در پاریس منتشر می‌شود. درم‌بخش در گفت‌وگو با خبرنگار کتاب ایران (ایبنا) درباره انتشار سروده‌های نیما پوشیح در فرانسه گفت: «ترجمه سروده‌های نیما به زبان فرانسوی در هفت بخش تا حدود شش ماه دیگر توسط انتشارات «cherche midi» در پاریس منتشر خواهد شد.»

### اطلاعیه

**قابل توجه ناشران، کتابفروشان، صحافان، چاپخانه‌ها  
لیتوگرافی‌ها، مراکز پخش، ناشران الکترونیک، کاغذفروشان  
گرافیک‌ها و تصویرگران سراسر کشور**

خانه کتاب در حال آماده‌سازی و ویرایش جدید «مرجع نشر ایران» حاوی اطلاعات تمام صنوف مرتبط با نشر شامل ناشران، کتابفروشان، صحافان، چاپخانه‌ها، لیتوگرافی‌ها، مراکز پخش، ناشران الکترونیک، کاغذفروشان، گرافیک‌ها، تصویرگران و نمایندگان ناشران خارجی سراسر کشور است. برای تکمیل اطلاعات و کمک موثر به زنجیره نشر کشور، از تمام مراکز فوق درخواست می‌شود اطلاعات خود را از طریق نشانی‌های زیر تا پایان بهمن ماه به خانه کتاب ارسال فرمایند. مراکزی که مایل نیستند اطلاعات آنها در کتاب «مرجع نشر» درج شود، درخواست خود را به صورت کتبی به خانه کتاب ارسال کنند.

**نشانی:** تهران، خیابان انقلاب، نرسیده به چهارراه ولیعصر، بین خیابان فلسطین و برادران مظفر، شماره ۱۰۸۰، طبقه اول، واحد کتابداری و اطلاع‌رسانی، صندوق پستی ۳۱۳-۱۳۱۴۵

**تلفن:** ۶۶۴۱۴۹۵۰ داخلی‌های ۲۰۴ الی ۲۰۷ و ۲۹۰؛ **دورنگار:** ۶۶۴۱۵۳۶۰

**پست الکترونیک:** [Information@ketab.org.ir](mailto:Information@ketab.org.ir)

### مقاله، نقل قول، ضرب‌المثل و زندگی‌شخصیت‌های موفق

**تألیف: آرتور اف - لئه هان**  
دکتر راب کیلمبرت  
ترجمه: ع. ا. راستکار محمود زاده

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۶۱۴۶۰ - ۲۱





به مناسبت سالروز درگذشت آیت الله مرعشی نجفی

# مردی که هرگز فراموش نمی شود



آوردم و دستمزد حاصل از آن را صرف خرید این ذخایر کردم. حجم کتاب ها تا سال ۱۳۴۲ هجری قمری که به ایران آمدم، چندان زیاد نبود. از نسخه های خطی تعداد معدودی توانستم خریداری کنم. حتی یک روز بر سر خرید یک نسخه خطی با کاظم دلال درگیر شدم و به خاطر همین، مرا یک شب در نجف به زندان انداختند که با وساطت مراجع آن زمان آزاد شدم.»

ایشان سال ۱۳۴۲ هجری قمری به قصد زیارت حرم امام رضا (ع) و دیدار اقوامشان در تهران، به ایران آمدند و بنا داشتند بعد از دو سه ماه به نجف بازگردند. ایشان پس از دیدن اقوام در تهران، به قم رفتند و به دیدار مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رفتند که حوزه را تاسیس کرده بودند. خلاصه به درخواست مرحوم حاج شیخ، ایشان بالاخره تصمیم گرفتند در قم بمانند و به تدریس در حوزه مشغول شوند.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی، فرزند ارشد آیت الله مرعشی نجفی که در سال ۱۳۲۰ در بیت فقاقت و مرجعیت در شهر مقدس قم به دنیا آمد، حکایت راه اندازی کتابخانه در این گونه بیان می کند: «هسته نخست این کتابخانه در زمانی که مرحوم آیت الله مرعشی نجفی در نجف بودند، شکل گرفت، چون در حین تحصیل و تدریس شکل می گیرد از سهم الارث پدرشان و جدشان کتاب هایی به ایشان می رسد. حجم کتاب ها تا سال ۱۳۴۲ هجری قمری که ایشان به ایران آمدند چندان زیاد نبود. از نسخه های خطی تعداد معدودی توانسته بودند خریداری کنند... ایشان بعد از آمدن به قم، تا آخرین روزهای حیاتشان در قم می ماند و به این مجموعه اضافه می کنند. حجم کتاب ها در منزل زیاد می شود. برخی از استادان دانشگاه روزهای جمعه برای استفاده از منابعی که اینجا بود و جای دیگر

گشت و گذار در کتابخانه عظیم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، همواره برای دوستان علم و اندیشه بسیار فرح بخش است، به ویژه آن که دقایقی یا ساعاتی را بتوان در این مکان به تفریح و کتاب مورد علاقه سپری کرد.

حال در نظر بگیرید اگر فرصتی فراهم شود که به تنهایی، یعنی حتی بدون حضور مسؤول کتابخانه، سری به این کتابخانه بزنید، آن گاه دوست دارید ساکت بمانید تا کتاب ها با زبان کلمات، هر یک داستان و روایتی از علم و دین را در گوش جانتان زمزمه کنند. این گزارش بر آن است تا خواننده خودش را فارغ از فاصله مکانی و زمانی، به گشت و گذاری در این بوستان کتاب در شهر قم میهمان کند، اما لازم است قبل از آن به سال ۱۳۱۵ هجری قمری و شهر نجف سفر کنیم، جایی و زمانی که سید شهاب الدین دیده به جهان گشود، او بعدها به آیت الله مرعشی نجفی معروف شد و گنجینه ای ارزشمند از خود بر جای گذاشت.

نجفی در نجف، کاظمین، کربلا، سامرا، قم و تهران تحصیل کرد و از محضر استادانی نظیر حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بهره برد. وی از برخی مراجع عظام تقلید اجازه اجتهاد دریافت کرد که برخی از آنها عبارتند از آیت الله العظمی آقا سید ضیاء عراقی، آیت الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانی و نیز آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی.

## حکایت دلنشین کتابخانه

بهرتر است ابتدا قدری درباره اثتیاق علامه به کتاب از زبان خود ایشان بشنویم و بعد هم حکایت دلنشین چگونگی راه اندازی این کتابخانه را بخوانیم.

آورده اند که علامه تعریف کرده است: «روزی در حال عبور از قیصریه نجف، عده ای از اهل علم را دیدم که در محلی تجمع کرده اند. فکر کردم آنجا برنامه ای است. من هم رفته جلو. دیدم کسی با چوب ایستاده و کتاب هایی را به حراج گذاشته است. یک مقدار که ایستادم، دیدم بیشتر این ذخایر اسلامی و شیعی را شخصی به نام کاظم با پول زیادی می خرد. تقریباً اکثر آنها را می خرید. سوال کردم این شخص کیست؟ گفتند: او نماینده کنسول انگلیس در بغداد است. به فکر افتادم ما مسلمانان و شیعه هستیم و اینها مسیحی و کافرند. منظورشان از خریداری و جمع آوری کتاب ها چیست؟ شاید اغراضی پشت این قضیه باشد و آن از دو حال خارج نیست؛ یا قصد از بین بردن آنها دارند و یا می خواهند منابع دسته اول شیعی را که در اختیار برخی از علما بوده، جمع آوری کنند تا ما به آنها دسترسی نداشته باشیم؛ نظیر کتاب «مدینه العلم» شیخ صدوق که ایشان در حدیث نوشته و بسیار مفصل بوده. اگر این کتاب الان در دسترس ما بود، شاید نیازی به دیگر کتب اربعه شیعه نبود و ناسخ کتب اربعه شیعه می شد، ولی قریب ۴۰۰ - ۵۰۰ سال است که دیگر ردپایی از آن در دست نیست. من تا آخر عمرم خیلی زحمت کشیدم که این کتاب را به دست بیاورم. به کسی که به خارج می رفت، ماموریت می دادم بروند در کتابخانه های مختلف بگردند تا ببینند چنین کتابی هست یا نه. مکاتبات زیادی انجام شد، از افراد بسیاری که می آمدند سوال می کردم، اما حتی یک برگ از این کتاب هم پیدا نشد. چه شده که کتاب های دیگر شیعی، کتب فقهی، مثل «نهایه» شیخ طوسی، از هزار سال پیش نسخه های متعددی موجود است، نهج البلاغه هست، ولی این کتاب نیست؟ من چون یک طلبه جزء بودم، امکانات مالی هم نداشتم، یک وعده غذای ظهر را حذف کردم و شب ها بعد از بحث و درس در یک کارگاه برنج کوبی مشغول به کار شدم و نماز و روزه استیجاری به جا

آماده و اجرا شد. ساختمان جدید هم سه سال پیش توسط رئیس جمهور وقت افتتاح شد. این ساختمان در هفت طبقه، ۱۶۰۰۰ متر مربع زیر بنا دارد که با احتساب ساختمان قدیم ۲۱۰۰۰ متر مربع می شود. در ساختمان جدید پیش بینی های لازم شده که در حملات موشکی حفاظت شود. مخزن کتب خطی چندین متر زیر زمین است و در های ویژه ای برای آن ساخته شده که با هیچ انفجاری تکان نمی خورد.»

حالا با دانستن این تاریخچه زیبا و خواندنی، با آگاهی بیشتر می توانید در کتابخانه مرحوم مرعشی نجفی قدم بزنید و هوش را مدھوش عطر علم و دانشی کنید که علامه بزرگوار هسته ایجاد آن را نهاد و امروزه با داشتن هزاران هزار جلد کتاب، منبعی عظیم برای بشریت به حساب می آید.

راستی هنگام حضور در فضای عظیم این کتابخانه، گوش جان را به نهایت دقت باز گذارید تا بشنود آنچه را باید و چشم دل را گشوده دارید تا ببیند، آنچه را شاید انگار هنوز صدای قدم های آیت الله مرحوم در این فضا به گوش می رسد. راستی، آیا می دانستید آیت الله مرعشی پیش از مرگ وصیت کرده بود او را در راهروی ورودی کتابخانه دفن کنند که طبق آن عمل شد؟

این مرد عظیم الشان که ثواب علم اندوزی را با ارزش می دانست، بالاخره در هفتم شهریور ماه ۱۳۶۹ دیده بر جهان فانی فرو بست و کتاب زندگانی پر از شش را به اهل دنیا سپرد. به راستی او مصداق این فرمایش عظیم است که: «العلماء الباقون، مابقی الدهر».

**جناب آقای محمد اللهیاری فومنی**

ضمن تقدیر از جوان گرایی خدمتگزاران دولت دهم، در انتصاب شما به سمت مدیر کل اداره کتاب، این مهم را نه فقط به شما، بلکه به جامعه نشر ایران اسلامی تبریک عرض نموده و توفیق روز افزون آن مقام محترم را از خداوند تبارک و تعالی مسئلت داریم.

**خدمات کتاب کیان (ناشران خارجی)**  
**کیان جعفری**

**انتشارات شب تاب**

مجموعه داستانهای الهام بخش  
**راز گلهای نرگس**  
شکوه قدرت درون  
دکتر سید فوادم الدین مهدوی

۲۰۰۰ نسخه / ۳۰۰۰۰ ریال  
چاپ اول ۱۳۸۸  
تلفن:  
۶۶۴۰۵۳۹۴  
۶۶۴۰۵۳۹۸  
تلفن مرکز پخش:  
۰۹۱۹۲۵۰۱۰۵۵

مرکز فروش تهران، خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - پلاک ۳۶ - کتابفروشی آبان

**هر هفته با کتاب هفته**

قابل توجه  
ناشرین محترم

تحویلی نو در عرصه چاپ کتاب  
با خدمات چاپ و انتشارات کتاب شمس  
انجام کلیه امور کتاب  
از مجوز و حروفچینی تا  
چاپ و صحافی را بصورت  
کامپیوتری (بدون لیتوگرافی)  
بابالترین کیفیت و کمترین قیمت  
یکجا تجربه کنید

تلفن:  
۰۲۱-۶۶۴۲۹۷۴۱  
۰۹۱۲۲۱۵۹۰۷۲





سایر محمدی

«مسأله درست و غلط، نگارش و پژوهش در زبان فارسی» عنوان کتابی به قلم دکتر خسرو فرشیدورد، چندی پیش از سوی انتشارات سخن چاپ و به بازار عرضه شد. همچنین «تاریخ مختصر زبان فارسی از آغاز تاکنون» کتاب دیگر این استاد سابق دانشگاه تهران، متعاقب کتاب قبلی از سوی انتشارات زوار چاپ و منتشر شد. فرشیدورد متولد ۱۳۰۸ ملایر است که دکترای زبان و ادبیات فارسی را اوایل دهه چهل با نوشتن رساله «قید و تحول آن در زبان فارسی» از دانشگاه تهران گرفت و نخستین کتاب خود «عربی در فارسی» را سال ۴۲ تالیف و منتشر کرد. به دنبال آن در سال ۴۵ یک مجلد از لغتنامه دهخدا (حرف واو) را تنظیم و تدوین کرد. «نقد شعر فارسی»، «تحول فعل در زبان فارسی» و «در گلستان خیال حافظ»، «درباره ادبیات و نقد ادبی» و «نقش آفرینی های حافظ» و «دستور مفصل امروز بر پایه زبان شناسی» عناوین برخی از آثار منتشر شده اوست که در طول سال‌های مختلف تحقیق، پژوهش و تالیف کرده است. دکتر فرشیدورد علاوه بر آثاری که در حوزه دستور زبان فارسی، ادبیات و نقد ادبی و ... تالیف کرده، دو مجموعه شعر نیز در کارنامه‌اش دارد که نخستین مجموعه شعرش «زمینه دفاع کن» در سال ۵۹ به بازار آمد و «صلای عشق» دومین مجموعه شعر او در سال ۸۰ در اختیار مخاطبان و علاقه‌مندان آثارش قرار گرفت. وی ۹۹ ماه گذشته در سن ۸۰ سالگی در سرای سالمندان چشم از جهان فرو بست. ضمن تسلیت به خانواده و شاگردان او، یاد این استاد فرهیخته را گرامی می‌داریم، چند ماهی از آخرین گفت‌وگویی که با ایشان داشته می‌گذرد. چاپ این گفت‌وگو ارج‌گذاری و بزرگداشت کسی است که عمری را در اعتلاء زبان فارسی و خدمت به فرهنگ و ادبیات این سرزمین سپری کرد.

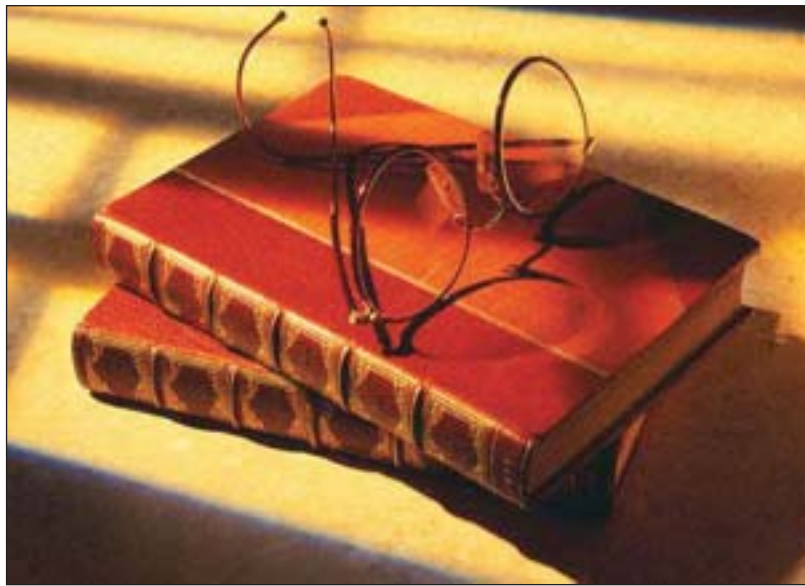
## گفت‌وگویی منتشر نشده با زنده‌یاد دکتر خسرو فرشیدورد

# واژه‌سازی غیر علمی جایگاه ندارد

واژه‌ای داریم که همه مردم می‌فهمند و آن را به کار می‌برند، چرا باید آن را کنار بگذاریم؟ برای این که یک واژه بر سر زبان‌ها بیفتد و مورد استفاده مردم قرار گیرد، بهترین راه این است که آن واژه در متن ادبی عرضه شود؟

این روش غیر علمی است که زبان را از لغات خارجی، به ویژه لغت‌های عربی پاک کنیم و به جای آن، لغات بی‌معنی‌ای را که ساخته‌ایم بگذاریم؛ آن هم به بهانه این که می‌خواهیم زبان فارسی را از هر چه لغت غیر فارسی است جدا کنیم. متأسفانه این روش غیر علمی در میان بخشی از مردم طرفدار هم دارد. واژه «جریان» عربی است پس بهتر است به جای آن از «فرآیند» استفاده کنیم. این نکته درست نیست اما کارشناسان می‌دانند این کار غلط است. یعنی بیرون ریختن لغات جا افتاده‌ای که حافظ و سعدی و فردوسی به کار می‌بردند، درست نیست و علمی نیست. برخی از استادان زبان شناسی و ادبیات فارسی، اهل مصالحه و محافظه‌کارند و می‌گویند سری که درد نمی‌کند چرا دستمال ببندیم؟ بنابراین ما تک افتاده‌ایم. ما آنچه حقیقت است گفته‌ایم و نوشته‌ایم. به همین خاطر عده‌ای از ما متنفرند و بدشان می‌آید. مهم نیست. ما نظر خودمان را بدون اهمه می‌نویسیم. در هر صورت یک عده طرفدار نظر ما می‌شوند و به حقیقت نظر ما پی می‌برند و روش خودشان را تصحیح می‌کنند. چون این گونه برخوردها حدود سیصد سال پیش در اروپا هم وجود داشت. در آنجا هم گروهی می‌گفتند لغت‌های خارجی را باید دور بریزیم. اتفاقاً این نظر غالب شد و به آن عمل کردند. اما خیلی زود شکست خوردند. حالا شاید ما ایرانی‌ها هم سر عقل بیاییم و این تجربه شکست خورده را تکرار نکنیم.

**شما عنوان کرده‌اید مسأله درست و غلط که برخی ادبا خود را متخصص مادرزاد آن می‌دانند اصلاً در ایران درست مطرح نشده و این دو اصطلاح حتی تعریف هم نشده‌است، در حالی که کتاب‌های زیادی در زمینه ویرایش و پژوهش منتشر شده‌اند.** اتفاقاً حالا که صحبت از کتاب‌هایی با عنوان ویرایش کردید باید بگویم یکی از کلمات بی‌ربط و بی‌معنی که ساخته‌اند، همین کلمه «ویرایش» است. به جای «ویرایش» می‌توانستند کلمه «پیرایش» را به کار ببرند که همه معنی‌اش را بداندند. کلمه ویرایش و پیرایش اتفاقاً از یک ریشه‌اند. آنهایی که لغات را عوض می‌کنند، به دنبال لغات قدیمی و بی‌معنی می‌گردند حالا چون در زبان فارسی پهلوی کلمه «ویرایش» بوده، ویراستان بوده این آقایان هم کلمه «ویرایش» را ساختند. در بحث «ویرایش» و «پیرایش» که گفته‌اید کتاب‌های زیادی منتشر شده است، من بحث درست و غلط را در کتاب خود مطرح کردم. شما یک کتاب از همین آثاری را که چاپ شده‌اند، بیاورید که درست و غلط را تعریف کرده باشند. یکی از روش‌های علمی این است که ما برای اصطلاحات علمی، تعریف ارائه کنیم. یعنی به عنوان مثال باید از مثلث، تعریفی به دست داد. یا در دستور



باز دارد. این دشمنی‌ها با زبان فارسی راه به جایی نمی‌برد.

**این گونه محدودیت‌ها سبب فقر واژگان زبان فارسی می‌شود. امروز زبان فارسی حدود صد هزار واژه دارد، در حالی که زبان انگلیسی بیش از پانصد هزار ...**

من نمی‌دانم تعداد واژگان زبان فارسی چقدر است و کسی را هم ندیده‌ام که آن را بشمارد. ولی زبان انگلیسی این تعداد واژه دارد. به اختصار باید بگویم زبان از منظر زبان شناسی، دو دستگاه دارد؛ یک دستگاه لغوی است که به مرور زمان - وقتی جامعه پیشرفته باشد - توسعه پیدا می‌کند. الان زبان انگلیسی توسعه یافته‌ترین زبان در جهان امروز است. بعد از آن زبان فرانسوی است. زبان فارسی هم در نتیجه برخورد با علوم زمانه، شاید لغات زیادی را جذب کرده باشد یا لغات جدیدی در آن ساخته شده باشد که برخی از این لغات بسیار خوب است. مثلاً «دانشجو» که واژه students انگلیسی را به دانشجو برگرداندند. یا univercity را ترجمه کرده‌اند «دانشگاه». روش علمی برای ساختن لغت تازه، در اولین گام این است که لغت با عناصر معنادار ساخته شود و خودش هم معنی داشته باشد و مردم معنی آن را بفهمند. مثلاً در واژه «دانشگاه» هم، «گاه» معنی دارد، هم «دانش». این واژه را تازه چهل - پنجاه سال است که ساخته‌اند. این واژه یا واژه دانشجو خوب ساخته شده‌اند، ولی واژه «فرآیند» چطور؟ یا واژه «تنش»؟ کسانی که واژه «تنش» را ساختند، خودشان را خیلی مهم می‌دانند و می‌گویند «تنش» را بر مبنای «تنشن» tenshen ساخته‌اند یا همان «تانسیون». تانسیون در زبان انگلیسی و فرانسوی معنای تشنج می‌دهد. ما که واژه تشنج را در زبان فارسی داشتیم. آنها می‌گویند چون «تنش» و «تنشن» از یک ریشه‌اند پس ما تشنج را برداریم به جای آن از تش استفاده کنیم. این چه استدلالی است؟ وقتی در زبان فارسی

می‌گویند که این لغت خارجی است و باید عوض شود. عوض که می‌کنند، یک واژه بدتر از آن را به جای آن می‌گذارند که می‌شود «رزمایش». اصلاً «رزمایش» معنی ندارد.

**اگر بخواهیم واژگان عربی را از زبان فارسی حذف کنیم، در واقع باید نیمی از ادبیات فارسی را از تاریخ ادبیات ایران حذف کنیم. درست است؟**

واقعاً همین طور است. واژه «اجتماع» را تبدیل به گردمایی یا همایش کرده‌اند. در حالی که واژه اجتماع در شعر مولوی وجود دارد. این لغت‌ها در زبان فارسی جا افتاده‌اند. برخوردی‌هایی از این دست با زبان یا ساده‌لوحی محض است یا دشمنی کورکورانه. دشمنی با زبان حافظ و سعدی و مولوی است. همه این شاعران این واژه‌های عربی را در اشعارشان به کار برده‌اند. مولوی می‌گوید: «از قضای عاشقان آمد سماع / یاد آرد از زمان اجتماع». البته اینجا اجتماع صوفیان است، یا اجتماع انسان‌ها با خداست. وقتی کسی اجتماع را تبدیل به گردمایی بکند، معنی‌اش این است که مولوی فارسی بلد نیست. یا فرض کنید وقتی واژه «جریان» را به «فرآیند» بدل می‌کنید، اشکال گرفتن به سعدی است. سعدی می‌فرماید: «آب را از جریان و مرغ را از طیران

**یکی از معضلات دانشگاه‌ها، مدارس عالی کشور و مراکز تحقیقی این است که خیلی از آنها روش علمی ندارند. به ویژه در رشته ادبیات فارسی و زبان شناسی**

آقای فرشیدورد، کتاب «مسأله درست و غلط، نگارش و پژوهش در زبان فارسی» با چه هدف و انگیزه‌ای تالیف شده و کدام دسته از مخاطبان را هدف قرار داده است؟

این کتاب برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی که درس «آیین نگارش» دارند، قابل استفاده است، اما برای دانشجویان رشته‌های دیگر هم که «فارسی عمومی» دارند و همین طور برای دبیران رشته ادبیات مناسب است. علت هم این که در مسأله درست و غلط، نظر بسیاری از معلمان ادبیات، یک نظر علمی نیست و من نظر آنها را رد کردم. مثلاً وقتی می‌گویند مهربان غلط است، باید گفت مهربان و ... من اینها را رد کردم. این اشتباهات باید از تدریس فارسی در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های کشور، تصحیح و برطرف شود. در تلویزیون و رادیو و رسانه‌های مکتوب هم وضع به همین صورت است. شما سال‌هاست که در دانشگاه‌های کشور تدریس می‌کنید. گویا وضعیت تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های کشور هم بهتر از این نیست؛ چرا استادان ادبیات فارسی بر این اشتباهات پای می‌فشارند؟

این مشکل به این خاطر در دانشگاه‌های کشور وجود دارد که کسی به دنبال روش علمی نبوده است. یکی از معضلات دانشگاه‌ها، مدارس عالی کشور و مراکز تحقیقی این است که خیلی از آنها روش علمی ندارند. به ویژه در رشته ادبیات فارسی و زبان شناسی.

**منظورتان این است که دانشگاه‌ها منابع درسی معتبر ندارند؟**

روش علمی، اصطلاحاتی دارد. مثلاً استقراء یعنی این که آدم از تجربه و مشاهده و ... استفاده کند. وقتی در امرای می‌گویند «می» را باید جدا بنویسیم یا «به» را باید در کلمه «روبه رو» جدا ثبت کنیم، باید برای درستی یا نادرستی این نظر دلیل داشته باشیم. برخی از بزرگان ادب معاصر نیز، این واژه‌ها را سرهم می‌نویسند؛ نویسندگانی همچون بهار، قزوینی، معین و صفا. به همین دلیل از نظر من جدا نویسی یک روش علمی نیست. این روش ذهنی است. این دسته از افراد بر اساس تصور خود و پنداشته‌های ذهنی، بنابر هدف‌های نامشروع، برای زبان فارسی قاعده وضع می‌کنند. این قاعده‌افزایی بیشتر ذهنی است و نه مطابق با تجربه و مشاهده روزمره. این افراد معتقدند باید کلمات عربی را در زبان فارسی حذف و به جای آن کلمات فارسی را جایگزین کرد. چنین نگرشی از بنیان غلط است. این روش اصلاً علمی و عقلانی نیست، چون هر زبانی کم و بیش لغات دیگر زبان‌ها را در خود دارد. انگلیسی الان پر از لغات فرانسوی است. بنابراین، این یک تعصب کور و بیجا است. چون هر لغتی که از زبان دیگر وارد زبان فارسی می‌شود، بعد از سی - چهل سال دیگر مال زبان فارسی می‌شود. نمونه‌اش واژه «مانور» است. مانور لغتی فرانسوی است. انگلیسی‌ها هم به آن مانور می‌گویند. اما برخی

زبان، باید تعریفی از فعل داشته باشیم.

این مباحث بدون تعریف دقیق پایه علمی پیدا نمی‌کند. تعریف درست چیست؟ تعریف غلط کدام است؟ آن کسانی که می‌گویند باید «مهربان» و «یادگار» و «روزگار» تلفظ کرد روش علمی را نمی‌دانند. اطلاعات زبان شناسی آنها خیلی ضعیف است. تلفظ این کلمات قاعده دارد. یعنی در اصطلاح دستور زبان به واژه‌های مهر، یاد، روز، هجای بلند می‌گویند، هجای بلند به دو هجای کوتاه قابل تجزیه است. یعنی مهر می‌شود مهربان، یاد می‌شود یادگار و روز می‌شود روزگار. وقتی این واژه‌ها با یسوند همراه شوند یک جا تبدیل به دو هجا می‌شود. این قانون است. کسی که مهربان را مهربان تلفظ می‌کند این قاعده و قانون را نمی‌داند. اصلاً این چیزها را بلد نیست.

**فکر نمی‌کنید این مشکلات برای این اصلاح بشود، ناگزیر باید ابتدا ویراستارانی که در مراکز نشر کشور فعالیت دارند، آموزش ببینند؟**

بله. کاملاً نظر شما درست است و ما هم این کتاب را برای آموزش این گروه از افراد نوشتیم. برای ویراستاران. بالاتر از آن برای دست‌اندرکاران رسانه‌های کشور مانند رادیو، تلویزیون و نشریات و مهم‌تر از همه برای مولفان کتاب‌های درسی نوشتیم. حال این حرف‌هایی که اینجا و آنجا زده‌ایم، این آقایان تا حدودی کوتاه آمدند و دست‌نگه داشتند. مثل این که الان در کتاب‌های جدید «به‌خانه» را اگر سر هم بنویسند غلط نمی‌گیرند. سابقاً غلط می‌گرفتند. این کتاب برای معلمان هم هست. برای نویسندگان کتاب‌های درسی که سابقاً شاگرد ما بودند هم هست. قبل از این که این کتاب را منتشر کنیم، همین بحث‌ها در کلاس‌های درس دانشگاه داشتیم. اما این آقایان متأسفانه زیر بار نمی‌رفتند. چرا؟ چون برخی از این افراد به دلیل روابط غیر حرفه‌ای، برای تالیف کتاب‌های درسی انتخاب می‌شدند و به این موضوع توجه نداشتند که سواد این کار را ندارند. من حدود شصت سال است که درس انشاء می‌دهم و این کتاب را هم براساس مطالعات فراوان و تجربه سال‌ها تدریس نوشته‌ام. **شما مطرح کردید، به یاری روان‌شناسی، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت دانسته‌ایم که تمرین و نگارش بسیار، و تعلیم انشاء مهم‌ترین راه درست نویسی، و پیشرفت است. جامعه‌شناسی و روان‌شناسی چه نقشی در درست‌نویسی و پیشرفت دارد؟**

آموزش، یکی از رشته‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت است. حالا هر نوع آموزشی باشد. آموزش انشاء و زبان هم قاعده و قانون خودش را دارد.

حتماً شنیده‌اید که می‌گویند: کسی می‌تواند خوب حرف بزند که تمرین زیادی داشته و در آن جامعه حضور داشته باشد. حالا این قاعده در مورد انشاء هم صدق می‌کند. کسی نگارش و انشاءش خوب است که تمرین نگارش داشته باشد. یعنی تا اندازه زیادی کار نوشتن کرده باشد. آن هم از روی آثار معاصر نه آثار قدما. تمرین از روی آثار قدیم، چون مقداری از قواعدش کهنه شده و لغاتش هم همین‌طور، گاهی مزاحم نگارش امروز هم هست. مثلاً بیهقی در «تاریخ بیهقی» خدمت را به معنای تعظیم به کار می‌برد، ولی امروز خدمت به معنای «سرویس» است. بنابراین منظور آیین نگارش ما فارسی فصیح معاصر است. من روی فصیح یعنی معنی دار و روان کردن در این کتاب، تأکید فراوانی داشتم. یعنی کسی نگارش‌اش خوب می‌شود که تمرین زیادی داشته باشد و آثار فصیح و خوب معاصران را زیاد بخواند. اتفاقاً اسم هم بردم. ما در ایران حدود پنجاه نویسنده خیلی خوب داریم که نویسنده رسمی شناخته می‌شوند. این نویسندگان، حتی از نویسندگان قدیم خیلی بهترند. حتی بعضی از نویسندگان به نظر من قلمشان از قلم بیهقی خیلی بهتر است. از گلستان سعدی که بگذریم خیلی از این نویسندگان معاصر نوشته‌هایشان از آثار قدیمی خیلی رساتر و بهتر است. این نویسندگان را متأسفانه

اغلب قبول ندارند. ما معلمان ادبیات، معتقدیم که آدم باید تاریخ بلع می‌را خوب خوانده باشد.

**وقتی شما بحث روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را مطرح می‌کنید، مخاطب این گونه تصور می‌کند که اگر کسی می‌خواهد در زمینه درست‌نویسی و پژوهش پیشرفت کند، لابد باید کتاب‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را خوانده باشد.**

نه منظور من این نیست. منظور این است که برای آموزش زبان، که نگارش هم یکی از موارد آن است، درست و غلط هم یک بخش از زبان است. قانون اساسی روان‌شناسی و تربیتی‌اش تمرین زیاد است. **شما برای شرح ساختار یک نوشته و شیوه تنظیم مطالب گفته‌اید از آخرین پژوهش‌های فرنگی و ایرانی بهره گرفته‌ام. آیا پژوهش ایرانی و فرنگی دو مقوله متفاوت و مجزا هستند؟**

تمرین‌هایی که از این کتاب‌ها راجع به آیین نگارش نوشته‌اند و بعضاً هم کم نیست، تقلیدی و ناقص است. از همان چیزهای فرنگی است که فرنگی‌ها به آن می‌گویند «رتوریک». پایه‌گذار این فن هم ارسطوست. ارسطو کتابی به نام «رتوریک» [=ریطوقیا] دارد که مرحوم

فروغی که نویسنده و لغت‌ساز بسیار ماهر و دانشمندی آگاه بود آن را به معنای «سخنوری» ترجمه کرد. سخنوری هم به معنای سخنرانی و خطابه است. البته بعضی‌ها رتوریک را فقط «خطابه» ترجمه کرده‌اند. هم ارسطو، هم دانشمندان بعد از ارسطو. اما فروغی آن را سخنوری ترجمه کرد. سخنوری هم شامل نگارش و سخنرانی می‌شود. ما هم این کار را کردیم. آن قواعدی که برای نگارش داریم، برای سخنرانی هم هست. چون هر سخنرانی و هر کتابی یک ساختار دارد که ما مشخص کردیم. در کتاب‌های فارسی نشانی از آن نیافتیم. ناگزیر آنها را از مطالعه آثار فرنگی گرفتیم.

در کتاب‌های فرنگی یک مقدمه و یک متن وجود دارد و یک نتیجه. البته انشاءنویسان هم این کار را کردند. شاید شما هم شنیده و دیده باشید که هر انشائی یک مقدمه، یک متن و یک نتیجه دارد. البته این خیلی تازگی ندارد. اما آن چیزهای دیگری که ما در تنظیم مطالب نوشتیم، در کتاب‌های فارسی مطرح نشده بود. تنظیم مطالب به صورت خیلی دقیق در کتاب‌های انشاء هم مطرح نشده است. اما فرنگی‌ها خیلی دقیق این مسائل را مطرح کردند. از زمان ارسطو تا امروز چند بار این مباحث تحول پیدا کرده است. موضوع خطابه یا سخنوری که شامل نگارش هم می‌شود در قرن بیستم با پیداشدن رمان و ادبیات داستانی این مقوله گسترش پیدا کرده و وارد متون رتوریک فرنگی هم شده است. آنها الان هم رتوریک می‌گویند. یعنی آنها هنوز حرف ارسطو را می‌زنند. **مقاله و سخنرانی چارچوب‌پذیر است و قوانین خاصی دارد؟ این مباحث مربوط به خلاقیت نمی‌شود و آیا خلاقیت می‌تواند قانونمند باشد؟**

سوال شما، سوال بسیار خوبی است. جواب سوال شما هم آری است، هم نه. یعنی نگارش و آیین نگارش، خودش یک علم است. و این علم هم جزو علوم اجتماعی و علوم انسانی است. و این علوم پر از استثناء و علاوه بر این چارچوب‌پذیر هم هستند. گاهی هم چارچوب نمی‌پذیرد. خلاقیت‌ها هم در همین استثناء هاست. آن خلاقیت‌ها هم بعداً تبدیل به یک قاعده می‌شود. وقتی چند نویسنده و شاعر خوب آثاری خلق کردند در عین این که تازه و بدیع است علمی هم هست. وارد علم می‌شود و فرنگی‌ها هم آن را می‌آورند در کتاب‌هایشان. ما هم باید این کار را بکنیم. به هر حال این مباحث یک چارچوب‌هایی دارد. آنچه را در کتاب نوشتیم، دارای چارچوب‌هایی است که از زمان ارسطو فرنگی‌ها به کار می‌برند. دستور زبان از جمله مسائل مربوط به علوم انسانی است. در هر زبانی که دستورش را بخوانید می‌گوید این قاعده و آنها هم استثناء است. چه در زبان انگلیسی و فرانسوی، چه در زبان

فارسی یا عربی.

آن چارچوب اگر معنی‌اش این باشد که مثل علم ریاضی بدون استثناء باشد، جواب شما مثبت است. اما ما کار نکردیم. مرحوم عباس اقبال که خودش هم تاریخ‌دان بوده و قلم‌توانی داشت، اصطلاحی دارد که خیلی با واقعیت جور درمی‌آید. اقبال می‌گوید، هیچ چیزی در فرنگ پیدا نشده که کاریکاتورش در ایران درست نشود. این حرف اقبال، شامل همه کشورهای عقب‌مانده می‌شود. کشور عقب‌مانده علم‌اش سطحی است. حتی اگر از علم کشورهای پیشرفته استفاده کند. وگرنه این چه معنی دارد که همه معلمان ادبیات بیایند بگویند این درست و آن غلط است. اما نگویند غلط چیست و درست به چه معناست. تعریفی نداشته‌باشند. این کار غیر علمی است. مثلاً می‌گویند این فعل است. آن اسم است. اما تعریفی برای اسم و فعل ندارند.

**در زمینه حاشیه‌نویسی و مآخذ نگاری چه انحراف‌هایی توسط فرنگیان و غرب‌زدگان مد شده است که شما از آن انتقاد می‌کنید؟**

در قدیم، حاشیه را شماره‌گذاری می‌کردند و در پایین صفحه کتاب می‌آوردند، در واقع پانویس را زیر متن می‌دادند. این شیوه خیلی راحت‌تر و بهتر بود. اما امروز ما گاه حاشیه‌نویسی را در پایان کتاب می‌آوریم. حاشیه، وقتی در پایان کتاب باشد، اول خواننده در گرماگرم خواندن مطلب، به صفحات پایانی رجوع نمی‌کند و ثانیاً کسی هم که برای نگاه کردن حاشیه به پایان کتاب مراجعه می‌کند تمرکز خودش را در اوج مطالعه متن از دست می‌دهد.

اغلب خوانندگان حوصله مراجعه به پایان کتاب را ندارند. برای مراجعه به پایان کتاب و نگاه کردن به حاشیه، چقدر وقت خواننده تلف می‌شود؟ طبیعی است که این یک انحراف در حاشیه‌نویسی و مآخذ نگاری است. چون فرنگی‌ها این کار را کردند، ما هم به تقلید از آنها به این شیوه عمل می‌کنیم. حتی استادان بزرگی مانند زرین کوب هم در آخرین کتاب‌هایشان، همین کار را کردند. در حالی که اول این‌طور نبودند. مثلاً کتاب «نقد ادبی» تمام حاشیه‌نویسی و دادن مآخذ در پانویس صفحه چاپ شده بود. دیگر این که سابقاً وقتی می‌خواستند مآخذی را معرفی کنند اسم کتاب را می‌آوردند. مثلاً تاریخ بیهقی صفحه فلان. یا تفسیر طبری صفحه بهمان. اما حالا به تقلید از فرنگی‌ها فقط اسم مولف را می‌دهند. این روش برای ما ایرانی‌ها اصلاً خوب نیست. چرا؟ برای این که عده‌ای از نویسندگان که قدیمی‌اند و چندین کتاب دارند. وقتی برای معرفی مآخذ به اسم نویسنده ارجاع داده می‌شود، معلوم نیست، کدام کتاب نویسنده مدنظر است؟ به دو دلیل اگر اسم کتاب به عنوان مآخذ معرفی شود بهتر است. اول این که موضوع آن کتاب با دادن اسم کتاب مشخص می‌شود. این است که می‌گویم بهتر است ما کاریکاتور فرنگ غرب را نکشیم و خودمان باشیم.

**شما یکی از شرایط نگارش و پژوهش را آگاهی از روش تحقیق دانسته‌اید. کمی در این باره بگویید.** شرط دیگر، «ذوق» است؛ ذوقی که با نبوغ و خلاقیت همراه باشد. مهم‌ترین مسأله در این کتابی



که نوشتیم، لغت‌سازی است. لغت‌سازی نیاز به ذوق و سلیقه دارد. لغت باید زیبا و خوش‌آهنگ باشد. اما انگار الان هیچ لزومی ندارد که یک زبان‌شناس، یک استاد دستور زبان که مدعی لغت‌سازی و فارسی‌دانی است، ذوق هم داشته باشد. برای این که این استاد به جای این که تمام ذوق و نبوغش را روی لغت مناسب و زیبا متمرکز کند، روی دستور زبان تأمل می‌کند. فکر می‌کند فلان واژه عربی است. باید عوض‌اش کند. در مورد انشاء هم وضع همین‌طور است. چون انشاء هم تمرین است. کتاب‌هایی که فصیح و زیبا نوشته شده‌اند، اگر بخوانید انشاء شما قوی می‌شود. سعید نفیسی، مجتبی مینوی، عباس اقبال نثر بسیار خوب و زیبایی دارند.

ما پنجاه نثر نویس خیلی خوب داریم. غیر از داستان‌نویسان خوب، که بیشتر این نثرنویسان از نویسندگان قدیمی دارای نثر بهتر و زیباتری هستند. البته غیر از سعدی. اگر بخواهیم لغت‌سازی کنیم باید آثار اینها را بخوانیم و ذوق این کار را هم داشته باشیم.

**به نظر شما امروز مهم‌ترین عامل غلط‌نگاری ادبا، زبان‌شناسان و واژه‌سازان هستند که دچار بیماری سره‌نویسی شده‌اند. در حالی که واژه‌سازی مربوط به فرهنگستان زبان است و آنها واژه می‌سازند. واژه‌های جدید را مصوب می‌کنند و به رسانه‌ها اعلام می‌کنند. علت مخالفت شما با واژه‌هایی مثل ترابری، تیمسار، همایش، رزمایش و... چیست؟ قواعد واژه‌سازی را در همین کتاب نوشته‌ام. چند قاعده‌اش را هم گفتیم. یکی این که با عناصر زنده و معنادار واژه ساخته شود. دیگر این که واژه باید با ذوق جامعه در تناسب باشد. لغت‌های طولانی که قشنگ نیست. لغت گردهمایی یک فرسخ طول دارد ولی اجتماع دارای دو هجا است. این خلاف ذوق سالم است و ناشی از تعصب خشک است که بگوییم چون اجتماع واژه عربی است باید از زبان فارسی رانده شود و جای آن واژه طولیل و ناساز هماهنگی را بیاوریم. این یک دروغ است برای این که واژه اجتماع را حدود هشتصد سال پیش شاعران خوب ما از جمله مولوی در اشعارشان آورده‌اند. یا واژه اعتقاد را تبدیل کنیم به باور. مرحوم محیط طباطبایی حدود چهل سال پیش طی مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات نوشته‌اند باور به معنی اعتقاد نیست. اتفاقاً واژه اعتقاد هم در شعر مولوی هست: «پس نماز و روزه و حج و جهاد/ خود گواهی دادن است از اعتقاد»**

این لغت‌هایی را که برمی‌دارند و به خیال خودشان آن را فارسی می‌کنند، آن هم در فارسی غلط. مثل پیراپزشکی، رزمایش، تیمسار که این واژه به کل جعلی است. حالا خوب است که تیمسار را کنار گذاشتند و امیر را به جایش آوردند. کسروی پایه‌گذار سره‌نویسی بود. البته او در آن زمان عضو فرهنگستان زبان هم نبود. خیلی از این لغاتی که ما در رسانه‌ها به‌اکرمی‌بریم، کسروی درست کرده است.

**پیشنهاد‌هایی که شما مطرح می‌کنید چقدر سلیقه‌ای و چقدر قانون‌مند است؟**

قاعده و قانون واژه‌سازی که دست من نیست. من برحسب قواعد دستور زبان، مسأله درست و غلط را در زبان فارسی توضیح داده‌ام. من سعی کرده‌ام دیدگاه‌هایی که در این کتاب طرح کردم، علمی باشد. آنهایی که ضد این عمل می‌کنند و لغت‌هایی یا عناصر مرده می‌سازند، سلیقه‌ای کار می‌کنند. مثلاً تک و پاتک به جای حمله و ضد حمله. در حالی که کلمه حمله در شاهنامه فردوسی آمده است. این یک نوع بیماری است که آدم لغت‌فردوسی را به تک و پاتک برگرداند. مردم پاختی، پامیری را متوجه می‌شوند و می‌فهمند اما پاتک را نمی‌فهمند. اغلب نمی‌دانند «پا» معنای ضد را می‌دهد و پاتک به معنای ضد حمله است. حمله و ضد حمله چه ایرادی دارد؟ چه مشکلی دارد که این واژه‌های نامأنوس را جایگزین آنها بکنیم. ضد حمله که رساتر است. زبان باید رسا باشد. این یک نوع تعصب است و این واژه‌ها را در ارتش ساخته‌اند.





لعیا درفشه

کتاب ماه فلسفه در میان نشریات تخصصی که در حوزه فلسفه در ایران منتشر می شود صرف نظر از این که از نظر علمی در چه رده ای قرار دارد، در نوع خود شاید یک اتفاق محسوب شود. چراکه اولاً تعداد کل نشریاتی که به صورت تخصصی در حوزه فلسفه در ایران منتشر می شوند (با مراجعه به فهرست ارائه شده در سایت های تخصصی نشریات) شاید حتی به پنجاه مورد هم نرسد و دیگر این که در میان مجموعه مجلاتی که از سوی خانه کتاب منتشر می شود کتاب ماه فلسفه از جمله مجلاتی است که غالباً در مدت کوتاهی پس از انتشار نایاب می شود و این خود حکایت از آن دارد که حوزه اندیشه و به طور مشخص فلسفه به مرور - و هر چند قدری دیر- می رود تا جایگاه و اهمیت خود را به جز در میان دانش آموختگان این عرصه، در میان متن جامعه نیز بازیابد. نظر به اهمیت این موضوع، طی گفت و گویی با علی اوجبی سردبیر کتاب ماه فلسفه، مروری داشتیم بر کارکردهای که بر چنین نشریه ای مترتب است، انتظاراتی که مخاطبان از آن دارند و مسیری که تا رسیدن به نقطه مطلوب پیش روی خود دارد. علی اوجبی متولد ۱۳۴۳ و دانش آموخته حوزه منطق، فلسفه، کلام و عرفان است. وی که از محضر اساتیدی نظیر آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی بهره برده، تاکنون بالغ بر چهل اثر در حوزه تصحیح، تالیف و ترجمه را در کارنامه علمی اش ثبت کرده است. از جمله آثار قلمی او می توان به «خردنامه»، «میرداماد بنیانگذار حکمت یمانی»، «اصحاب معرفت»، «تا ملکوت»، ترجمه «نهایه الحکمه»، «درس هایی در علم اصول»، «گنجینه حکمت»، «تقویم الایمان» (برگزیده اولین دوره جایزه بین المللی فارابی) و ... اشاره کرد.

### علی اوجبی سردبیر کتاب ماه فلسفه:

# نشریات تخصصی می توانند فضای نقد علمی را احیا کنند

نگاه آسیب شناسانه داشته باشند و ببینند که فلسفه اسلامی در کجاها خلاء داشته، در کجاها توانمند بوده و نهایتاً به کمک فلسفه بیابند. من فیلسوفی که در حوزه فلسفه اسلامی این گونه نگاه کرده باشد سراغ ندارم. البته در دوران معاصر برخی از اندیشمندان گام هایی در این عرصه برداشته اند. دکتر دینانی با نوشتن چند کتاب در این حوزه نشان داد که یک فیلسوف تاریخی نگر است و به فلسفه به عنوان یک جریان نگاه می کند نه به عنوان جزیره هایی جدا از هم. اگر ما چنین نگاهی نداشته باشیم - که متأسفانه نداریم - همیشه در معرض آسیب خواهیم بود و بعد باید بنشینیم و منتظر ظهور استثناءها باشیم تا مثلاً یک ملاصدرا یا کسی مثل علامه طباطبایی بیاید و حرف تازه ای بزند.

می خواهید بگویید داشتن نگاه تاریخی اصلاً یک ضرورت است؟

بله، یکی از ثمرات نگاه تاریخی به فلسفه این است که مانع جزم اندیشی می شود. بدین معنا که فکر نکنیم مثلاً ملاصدرا همه حرف ها را زده و بعد از او نمی شود حرفی زد و اصلاً دیگر نظام صدرا بی قابل انتقاد نیست! اگر این طور شد ما دیگر هیچ نوآوری در فلسفه اسلامی نخواهیم دید، چون هیچ پژوهشگری به خودش جرات نقد نمی دهد و اینها را وحی منزل می داند. اشتباهی هم که بعد از ابن سینا به وجود آمد این بود که اندیشمندان تا سال ها مفلح ابن سینا بودند و هیچ کس اجازه تشکیک در آراء او را به خود نمی داد. اما به محض این که این نقد صورت گرفت و آن اسطوره شکست چند قرن بعد کسی مثل سهروردی آمد و یک نظام فلسفی جدید ابداع کرد که حاصلش شد حکمت اشراق.

این سوال همچنان باقی است که نقش نشریات تخصصی در ایجاد این فضای جدید تا چه حد است؟

نشریات حداقل می توانند طرح مسئله کنند. توان نشریه به هر حال محدود است و تنها کاری که می تواند بکند عطف توجه به این قضیه و تلنگر زدن است. در حوزه فلسفه غرب هم وقتی یک اندیشمند غربی یک تئوری را مطرح می کند آن را به عنوان یک تئوری جزئی که دیگر نشود درباره اش حرف زد مطرح نمی کند؛ می گوید من به این مسئله رسیده ام و حالا شاید منطبق بر واقعیت باشد یا نباشد. برای مثال از کسی مثل ویتگنشتاین به ویتگنشتاین متقدم و متاخر تعبیر می کنند چراکه ابتدا در آثارش بحث هایی را مطرح می کند و در آثار بعدی اش به نتایجی خلاف اندیشه های قبلی اش می رسد. به همین دلیل است که ما در حوزه فلسفه غرب مرتباً حرف های جدید می شنویم، چون هر اندیشمندی که می آید به دانشجویان و مخاطبان این را القا می کند که این سخن، سخن نهایی نیست و می شود درباره اش تردید کرد. اما در حوزه فلسفه اسلامی، ما از ابتدا می خواهیم به دانشجو یاد بدهیم که فلسفه اسلامی مبتنی بر بدیهیات است، بنابراین قطعی و صددرصد است چراکه وقتی مقدمات بدیهی است نتیجه هم قطعی است؛ همه اش با قطعیت است! بنابراین او اصلاً به خودش جرات تشکیک و سوال نمی دهد. به نظر می رسد تنها بضاعتی که نشریات دارند - اگر



برویم به دلیل این که ما در مجموعه کتاب ماه امکانات وسیعی نداریم تا بتوانیم برای همه شماره ها این گونه عمل کنیم.

یکی از انتقادهایی که صاحب نظران حوزه فلسفه در کشور ما دارند این است که می گویند ما سال هاست صرفاً به تاریخ فلسفه پرداخته ایم و از خود فلسفه غفلت کرده ایم. سوال این است که یک نشریه تخصصی مثل کتاب ماه فلسفه هم ناگزیر باید تابع چنین فضایی باشد یا این که می تواند حداقل به عنوان یک رسانه، نقشی برای تعدیل این وضع از طریق انعکاس شرایط موجود داشته باشد؟

در این باره در حوزه فلسفه غرب اظهار نظر نمی کنم، چون تخصص من در این زمینه نیست اما در حوزه فلسفه اسلامی که سال ها به تحقیق و پژوهش مشغولم اتفاقاً در این مورد انتقادی جدی به فیلسوفان مسلمان دارم، به این معنا که ما هیچ فیلسوف مسلمانی را سراغ نداریم که به فلسفه به عنوان یک تاریخ و یک جریان نگاه کرده باشد. هر فیلسوفی - در حوزه فلسفه اسلامی - آمده به فلسفه جدایی از جریان فلسفه نگاه کرده است، در حالی که آنهایی که نگاه تاریخی به فلسفه دارند و می توانند خودشان را از جریان فلسفه بیرون بکشند و نگاهی بیرونی به آن داشته باشند می توانند

می رویم سعی کنیم سراغ کسی برویم که مسئله روز حوزه فلسفه باشد یا آثار قابل تامل و قابل توجه بسیاری درباره آن اندیشمند نوشته شده باشد تا با پرداختن به آن از مسائل روز عقب نباشیم. اما در اینباره نهایتاً باید بگوییم به دلیل این که بضاعت علمی خودم اندک است اصلاً به دنبال جریان سازی نیستم چون در توان من نیست یعنی هم به دلیل محدودیت علمی خودم و هم به دلیل محدودیت هایی که برای مجله وجود دارد از جمله این که باید حجم معینی داشته باشد که نمی تواند از آن فراتر برود، اساساً شاید نتوانیم به چنین تجربه ای برسیم. اما آنچه مسلم است این که چنین کاری البته امری ایده آل است و من هم در حد توان خودم تلاش کرده ام با کمک دوستان و اساتید تا حد ممکن تاثیرگذار باشیم.

به موضوع به روز بودن مباحث اشاره کردید، موضوع مجله را آیا از قبل رصد می کنید یا بر اساس جریان های موجود جلو می روید، چون بعضی وقت ها می بینیم یکبار در دوره ای موجی ایجاد می شود مثلاً مدت ها درباره هایدگر می گویند و می نویسند، آیا اساساً یک نشریه تخصصی باید تابع این موج های ایجاد شده باشد؟ به نکته مهمی اشاره کردید. از همان آغاز کار من این نگاه را داشتم که با مشورت گرفتن از اساتید، سراغ شخصیت هایی برویم که اهمیت دارند و تاثیرگذارند تا دستخوش این - به قول شما - موج ها هم نباشیم. برای مثال در همان اوایل کار ما در حوزه فلسفه اسلامی به این کمونه پرداختیم. این کمونه شخصیتی است که در فلسفه یهود و فلسفه اسلامی بسیار تاثیرگذار و در عین حال بسیار گمنام بوده است. تا حدی که شاید در پنجاه سال اخیر به تعداد انگشتان یک دست هم راجع به ایشان مقاله نداشته باشیم. رفتن سراغ اندیشمندانی از این دست با مطالعه و فکر صورت گرفته و نه تحت تاثیر جریان یا موجی خاص که مثلاً تب آن در دوره ای فراگیر شده باشد. البته چنین برنامه ریزی هایی برای مجله کمتر اتفاق افتاده است، یعنی غالباً این طور نبوده که از پیش مباحثی را آماده کنیم و بعد دنبالش

علاقه و گرایش شخصی شما چنان که خودتان اشاره کردید به حوزه فلسفه اسلامی است، آیا این گرایش تاثیری هم در جهت گیری شما برای سردبیری کتاب ماه فلسفه به این معنا که مثلاً به فلسفه غرب کمتر بپردازید داشته است؟

این که علاقه و گرایش من بیشتر به فلسفه اسلامی است بدین معنا نیست که بخواهم فلسفه غرب را به کلی نادیده بگیرم، چراکه اساساً نمی توان جغرافیایی برای تفکر قائل شد و هر کس که به فلسفه علاقه مند است قطعاً می تواند از راهوردهای فلسفه غرب خود را محروم کند و به آن توجهی نداشته باشد. به هر حال گرایش و تخصص من در حوزه فلسفه اسلامی است اما برخلاف آنچه علاقه شخصی خودم است اگر به شماره های گذشته کتاب ماه فلسفه رجوع کنید می بینید عمدتاً به فلسفه غرب پرداخته ایم؛ یکی از دلایل اصلی این کار هم این بود که آنچه امروز برای دانشجویان رشته فلسفه ما مسئله است مباحث فلسفه غرب است. شخصاً بر این باورم که متأسفانه فلسفه اسلامی دچار رکود و ایستایی شده و ما دیگر نوآوری در این حوزه - شاید بعد از درگذشت علامه طباطبایی - نمی بینیم. اما برعکس در حوزه فلسفه غرب کافی است به ویرترین کتابفروشی ها مراجعه کنید و با خیال عظیمی از آثار جدید روبه رو شوید. این موضوع باعث شد کتاب ماه فلسفه برخلاف علاقه باطنی ام بیشتر رنگ و بوی فلسفه غرب پیدا کند و در مواردی حتی برخی مرا متهم کردند که به اندیشمندان خاصی تمایل دارم که البته این طور نیست. در جهان غرب به هر حال برخی از فیلسوفان مثل ویتگنشتاین، هوسرل و هایدگر تاثیرگذارتر بودند و ما نمی توانیم از تاثیر اینها در حوزه فلسفه چشم پوشی کنیم اما پرداختن به اینها معنایش این نیست که ما دلخواه شان شده ایم و اندیشه های آنها را در بست قبول داریم.

یکی از کارکردهای نشریات تخصصی در همه جای دنیا این است که گاه با درج برخی مقالات نوعی جریان سازی در آن حوزه تخصصی صورت می گیرد تا جایی که ممکن است یک مقاله زمینه شکل گیری یک تئوری و ایده جدید شود و بعدها بسط و گسترش پیدا کند. در نشریات تخصصی ما - مشخصاً از کتاب ماه فلسفه - می توان چنین کارکردی را انتظار داشت؟

تلاش ما در کتاب ماه فلسفه این بوده که صرفاً سراغ اساتید فن نرویم و این گونه نباشد که مجله فقط به افراد خاصی بپردازد، از این رو از دانشجویان مستعد استفاده کردیم و به آنها میدان دادیم. اگر نگاهی به مجله بیندازید می بینید عمده مطالب توسط دانشجویان خوش فکر و مستعد نوشته شده است. از طرف دیگر، بنای ما در کتاب ماه فلسفه این بود که سراغ ویژه نامه ها نرویم، به این دلیل که هدف ما این است که اطلاع رسانی کنیم به نحوی که مخاطبانمان را در جریان به روزتر کتاب ها و آثار منتشره قرار دهیم. بالطبع اگر سراغ ویژه نامه شدن برویم محتوای مجله از مباحث روز عقب می ماند. در مواردی هم که ویژه نامه هایی داشتیم سعی کردیم اینها را با هم جمع کنیم، یعنی اگر سراغ اندیشمندی



**یکی از ثمرات نگاه تاریخی به فلسفه این است که مانع جزم اندیشی می شود. بدین معنا که فکر نکنیم مثلاً ملاصدرا همه حرف ها را زده و بعد از او نمی شود حرفی زد و اصلاً دیگر نظام صدرا بی قابل انتقاد نیست!**



# تخصص، نیازمند دانش فردی است

می‌کنند و در هر دو گروه افراد موفق یا ناکارآمد به چشم می‌خورند. بخش عمده مشکلات ما به خبرنگاران بازمی‌گردد که باید برای ورود به این حرفه استانداردهایی را طی کنند. تاکنون برای فعالیت رسانه‌ای در حوزه‌های تخصصی و از جمله کتاب، خبرنگاران آموزش‌های لازم را سپری نکرده‌اند. «این نویسنده می‌گوید: «خبرنگاران موفق در هر عرصه‌ای باید مطالعه و تحقیق کنند تا در آن حوزه متخصص شوند، اما در حوزه کتاب، نیازی فراتر وجود دارد و خبرنگار باید هنگام گفت‌وگو با یک نویسنده یا انتشار خبر کتابش، ادبیات نویسنده، شیوه نگارش و کتاب‌های او را بشناسد و این تخصص براساس مطالعه پیاپی به دست می‌آید.»

مشایخی با اشاره به این که انتقال تجربه در هر حوزه‌ای برای رشد آن حوزه بسیار موثر است می‌گوید: «اگر کسانی که در حوزه خبرنگاری کتاب فعالیت کرده‌اند، کتاب‌های تخصصی این حوزه را تالیف و منتشر کنند، به یقین سرعت پیشرفت ما در حوزه کتاب بیشتر می‌شود. نبود کتاب تخصصی تنها بخشی از مشکلات خبرنگاران کتاب است. مشکل اساسی در کشور ما خود کتاب است، زیرا کمتر کتاب خوب و جذاب برای مخاطب منتشر می‌شود. از سوی دیگر، اگر هم کتاب درخور منتشر شود، به دلیل کمیت پایین شمارگان و ضعف اطلاع‌رسانی در این عرصه، کمتر کسی اخبار کتاب را با علاقه دنبال می‌کند.»

## سوژه‌بی‌خبریدار، خبرپرطرفدار؟!

به عقیده دکتر احمد توکلی، نویسنده و استاد رشته روزنامه‌نگاری، ضعف خبرنگاران حوزه کتاب خارج از ضعف کلی خبرنگاری کشور قابل بررسی و تعریف نیست، لذا این حوزه قابل تفکیک از حوزه‌های دیگر نیست.

وی می‌گوید: «این که چرا ضعف خبرنگاری و نقد در این حوزه به چشم آمده، در وهله اول مربوط به بستر آرمی است که فلسفه و ماهیت کتاب طلب می‌کند. به عبارت عامیانه تر نمی‌شود در آن ترقه در کره دایه عقیده‌ها من این ضعف بیش از آن که تکنیکی باشد، حاصل فرایندی است که تحمیل سوژه به خبرنگار به حساب می‌آید.

در وهله بعد باید گفت وقتی سوژه‌ای در کشور خریدار ندارد، چرا باید بازتابش خریدار داشته باشد؟!»

وی می‌افزاید: «اگر این مسائل در حوزه کتاب درست باشد، نباید انتظار داشت خبرگزاری یا هفته‌نامه کتاب، طرفدارانی مانند فلان نشریه یا سایت سیاسی تند و تیز، داشته باشد. همچنین مخاطبان عمیق‌تر و باسوادتر باشند که توقعات خاص خود را از متن دارند و چون در حوزه فکری و کمتر احساسی سیر می‌کنند، کمتر هم اسیر احساس می‌شوند. پس ایراد کار را بهتر می‌بینند و سریع‌تر رنجیده خاطر می‌شوند. علاوه بر این موارد، ضعف خبرنگاران حوزه کتاب مانند بقیه حوزه‌های تخصصی یک معضل عمومی است.»

نویسنده کتاب «مثلت طلایی خبر» با بیان این که اگر کتابی در زمینه تکنیک‌های خبرنگاری برای حوزه کتاب نوشته شود خوب است تصریح می‌کند: «اگر متولیان حوزه‌های خبری کتاب، چنین کتابی را به اهلس سفارش دهند، می‌تواند به ارتقای این موضوع کمک کند، اما در کشوری که روزانه نزدیک به ۱۵ نشریه ورزشی در آن منتشر می‌شود ولی کتابی برای تکنیک‌های ورزشی نویسی وجود ندارد، چطور می‌شود چنین پیشنهادی داد؟!»



روزنامه‌نگاری را تاکید بر این که خبرنگار براساس دو عنصر «ذوق و اندیشه درونی» و «تکنیک» فعالیت می‌کند، می‌گوید: «تکنیک‌های روزنامه‌نگاری و چهارچوب‌های خبری در تمامی حوزه‌های خبر یکسان است و تقریباً تفاوتی با هم ندارند، اما برای این که خبرنگاری حوزه کتاب را متفاوت کنیم، به ذوق و اندیشه درونی نیاز است و اگر عناصر خیال، ذوق و لطافت بیان را در اخبار کتاب وارد کنیم، به یقین اخبار این حوزه از اخبار سایر حوزه‌ها متمایز می‌شود.»

وی می‌گوید: «کسانی که واقعا نویسنده باشند و نویسندگی را بشناسند، می‌توانند متنی بنویسند که خواننده از آن لذت ببرد. در این راستا، خبرنگار هم اگر حوزه فعالیت خود را به خوبی بشناسد و بر آن اشراف کامل داشته باشد و هنگام نوشتن یک خبر علاوه بر اطلاعات مربوط به خبر، دانش خود را هم به آن اضافه کند خبر جذابی تهیه می‌کند. در نتیجه خبرنگاران حوزه کتاب باید محقق باشند و با کتاب و مطالعه مانوس باشند.» سید آقایی می‌گوید: «مشکل اصلی برخی از خبرنگاران حوزه کتاب، غریبه بودن با کتاب و نداشتن تخصص در این حوزه است. با توجه به این که خبرنگاری بر پایه تکنیک و ذوق استوار است، بسیاری از خبرنگاران حوزه کتاب هیچ ذوقی از خود بروز نمی‌دهند و از لحاظ تکنیک نیز در سطح خوبی قرار ندارند. خبرنگاری جزو رشته‌های فرهنگی است و نیاز به مطالعه و تحقیق بسیار دارد. به هر حال خبرنگاری هم یک شغل است اما خبرنگار برای گذران امور زندگی اش مجبور است برای چند نشریه مطلب بنویسد.»

## خبرنگاری تخصصی زحمت می‌طلبد

اسدالله مشایخی، نویسنده و مدرس روزنامه‌نگاری معتقد است افراد علاقه‌مند به روزنامه‌نگاری در دانشکده به صورت آکادمیک آموزش می‌بینند و زمانی که وارد نشریات و خبرگزاری‌های گوناگون می‌شوند هر یک حوزه‌ای خاص را برای فعالیتشان انتخاب می‌کنند. اما در این حرفه هم مثل سایر مشاغل، افراد با نگاه اقتصادی (پول‌سالاری) سراغ حوزه‌هایی می‌روند که بیشتر درآمدزا باشد.

وی می‌گوید: «این افراد در هر حوزه‌ای که وارد می‌شوند، باید کتاب‌های مرتبط با آن حوزه را بخوانند تا بتوانند تسلط نسبی به کارشان داشته باشند.»

این برگزیده مقاله نویسی در چند جشنواره معتبر داخلی با اشاره به این که در حوزه روزنامه‌نگاری، اغلب افرادی وارد می‌شوند که تحصیلات آکادمیک این رشته را ندارند تصریح کرد: «عده‌ای نیز با تحصیلات آکادمیک این فعالیت را انتخاب

یحیی رئیس‌پایان: خبرنگاری در ایران، به رغم این که هنوز هم اساس آموزش‌های آکادمیکش برگرفته از کتاب‌های ترجمه‌شده از زبان‌های دیگر است، جایگاهش را به عنوان یک حرفه تمام‌عیار تثبیت کرده است. خبرنگاری در مطبوعات به شاخه‌های متعددی چون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ورزش، حوادث و... تقسیم می‌شود. این در حالی است که اظهار نظر و ارائه تحلیل در عرصه‌هایی چون اقتصاد و فرهنگ نیازمند مطالعه و در مقیاسی وسیع‌تر و امدار دانش فردی است. بنابراین باید پذیرفت که نوشتن در این حوزه‌ها قربت چندانی با شنیده‌های خبری - که مرسوم عرصه‌های دیگر است - ندارد و در یک کلام باید مطالعه و کسب دانش نخستین برای پرهیز از سطحی‌نگری در اولویت باشد. با این پیش‌زمینه بدیهی است که ورود، نفوذ و تاثیرگذار بودن در عرصه‌های تخصصی در گروه مطالعه، تلاش مستمر و تمرین همیشگی نوشتن است و بس. درباره خبرنگاری کتاب، پیچ و خم‌هایش و جایگاه آن در مطبوعات امروز با سه روزنامه‌نگار پیشکسوت که از قضا سابقه درخشان هم در این عرصه دارند گفت‌وگو کرده‌ایم.

فرامرز سید آقایی، نویسنده و روزنامه‌نگار، درباره نیساز به آموزش‌های تخصصی روزنامه‌نگاری می‌گوید: «اساسا خبرنگاری و حرفه روزنامه‌نگاری مانند سایر رشته‌های تخصصی با آموزش گره خورده است. در روزنامه‌نگاری ماباطیف گسترده‌ای از علاقه‌مندان مواجهیم که به این حرفه عشق می‌ورزند، اما متأسفانه راه ورود به این حرفه، از کانال آموزش نمی‌گذرد و کسانی که آموزش ندیده‌اند، در بسیاری موارد، با انشاهای معشوششان شأن رسانه‌ها را پایین می‌آورند.»

وی با اشاره به این که در حرفه روزنامه‌نگاری افراد در حوزه‌های متنوع و متفاوتی کار می‌کنند، می‌افزاید: «این روش بدترین شیوه‌ای است که به اجرا درمی‌آید و باعث می‌شود افراد متخصص تربیت نشوند. دانشگاه‌های ما نیز تنها روزنامه‌نگار و خبرنگار تربیت می‌کنند و به تخصص‌های خاص نمی‌پردازند. همان درس‌هایی که در دانشگاه‌های ارتباطات نظیر دانشگاه علامه طباطبایی تدریس می‌شود، در دانشکده خبر و دانشگاه علمی کاربردی هم تدریس می‌شود در صورتی که دانشگاه علمی کاربردی باید خبرنگاران متخصص در حوزه‌های گوناگون را پرورش دهد.»

نویسنده «گزارش‌های شش صحنه‌ای» با بیان این که حوزه کتاب مورد توجه اهالی فرهنگ است و نیازمند آموزش‌های تخصصی خاص است عنوان می‌کند: «ابتدا اگر از استادان روزنامه‌نگاری بخواهیم کتابی برای این حوزه خاص تدوین کنند، شگفت زده خواهند شد. لذا ابتدا باید انجمن‌هایی تشکیل شود و آموزش‌های لازم را به خبرنگاران حوزه کتاب ارائه کرد و سپس براساس تجربیات این عرصه، کتاب‌های تخصصی منتشر کرد. بنابراین پیشنهاد می‌کنم این کار از سوی مسوولان نشریه کتاب هفته و خبرگزاری کتاب ایران (اینا) انجام شود.»

وی معتقد است منابع و مآخذ تخصصی اطلاع‌رسانی حوزه کتاب باید از سوی جمعی از فعالان این عرصه که تحصیلات آکادمیک و تجربه فعالیت در حوزه کتاب را دارند و فراز و فرودهای آن را به خوبی می‌شناسند، تدوین و منتشر شود تا علاقه‌مندان به حوزه کتاب بتوانند با زمینه آموزشی وارد این حوزه شوند.» این کارشناس حوزه

بتوانند از پس این قضیه برآیند - این است که طرح مساله کنند و تلنگری بزنند و سوال ایجاد کنند. من بعضی مواقع در یادداشت‌هایی که در کتاب ماه فلسفه می‌نویسم به عمد در این موارد بزرگنمایی می‌کنم تا شاید کسانی درگیر قضیه شوند، به چالش کشیده شوند و به میدان بیایند. چون معتقدم در این چالش‌هاست که می‌شود به نکات جدیدی رسید و نقصان‌ها و خلاءها را شناخت.

یکی از نکاتی که از سوی دست‌اندرکاران کتاب ماه فلسفه به عنوان یکی از اهداف مهم انتشار این مجله عنوان شده رونق فضای نقد کتاب در حوزه آثار فلسفی است. فکر می‌کنید در این مدت تا چه حد به این هدف دست پیدا کرده‌اید؟

در آغاز کار، بسیاری از اساتید از این که وارد حوزه نقد شوم من را بر حذر داشتند. از سویی از آنجا که چند سال است دبیر جشنواره نقد هستم و قبل از آن هم به عنوان داور و کارشناس با آنها همکاری داشتم و تا حدودی با فضای نقد در جامعه خودمان آشنا بودم و به نوعی آسیب‌شناسی کرده بودم، می‌دانستم که جامعه ما هنوز پذیرای نقد نیست. در جامعه ما نقدهای عالمانه و نقدهایی که منطبق بر اصول اخلاقی و با انگیزه متعهدانه نوشته شده باشد خیلی کم است. درحالی که بسیار هم ضروری است. به تاریخ علم هم اگر نگاهی بیندازیم می‌بینیم در گذشته هم اگر یک دوران طلایی و شاخصی داشته‌ایم به خاطر این بوده که در آن دوره به نقد بها داده شده و به عکس، هر زمان که نقد رونق نداشته در آن دوره دچار ایستایی شدیم و پیشرفتی نداشته‌ایم و فقط حرف‌های تکراری زده‌ایم. در حوزه فلسفه اسلامی هر جا منتقدان، درست دست روی مسلمات و نصوص فلسفی گذاشته‌اند در آن زمینه شاهد رشد و بالندگی بوده‌ایم. حتی کسانی مثل فخر رازی و غزالی که ضد فلسفه بودند با تشکیک در مسلمات، بزرگ‌ترین خدمت را به فلسفه کردند. زیرا فلاسفه وقتی در صدد پاسخگویی به شبهات مطرح شده از سوی آنان برآمدند با بازنگری در فلسفه آثاری را آفریدند که همه این آثار در واقع نتیجه آن تشکیک‌ها و انتقادهای بود. اما در جامعه کنونی ما متأسفانه به نقد بها داده نمی‌شود. حتی بعضی از شخصیت‌های علمی بودند که تا متوجه می‌شدند ما اثرشان را نقد کرده‌ایم و قرار است در شماره‌های بعد منتشر شود اصرار داشتند که آن نقد چاپ نشود یا مثلاً اگر از فلان استاد خواسته‌ایم که فلان اثر را نقد کند اصلاً نخواستند وارد چنین فضایی شود و اظهار نگرانی کرده که ممکن است نتواند به حیات علمی خود ادامه دهد. البته در جشنواره نقد شاهد آثار ارزشمندی در حوزه نقد بودیم که همه حکایت از این دارد که این حوزه در حال رشد است. اما زاویه و شتاب این رشد کم است. یعنی این طور نیست که بگویم مثلاً در این سه سال که من دبیر جشنواره بوده‌ام یک رشد معنی‌داری داشتیم اما در عین حال ناامید هم نیستیم و فکر می‌کنم به هر حال نشریات باید کارشان را ادامه دهند و شکی نیست که می‌توانند تاثیرگذار باشند. یکی دیگر از کارهایی که در کتاب ماه فلسفه از همان ابتدا دنبال کردم این بود که دوست داشتم بینم در کشورهای غربی حداقل در حوزه فلسفه فضای نقد چگونه است؟ به چه میزان به اخلاق نقد پایبند هستند، به چه شیوه‌ای نقد می‌کنند و... به همین منظور رایزنی‌هایی با دوستانی که در دانشگاه‌های غربی مشغول به تحصیل بودند کردیم و از همان ابتدا که مسوولیت کامل مجله برعهده من گذاشته شد شروع به ترجمه مقالاتی کردیم که در حوزه جدیدترین کتاب‌ها در غرب منتشر می‌شد و منتقدان آنها هم غربی هستند و خوشبختانه خیلی مورد استقبال قرار گرفت. ما در حال حاضر در هر شماره حداقل چند مقاله در این حوزه داریم و فکر می‌کنم این کار به ما کمک می‌کند تا اولاً بفهمیم دغدغه آنها چیست و چگونه نقد می‌کنند و دیگر این که مقایسه‌ای در این زمینه صورت بگیرد تا احیاناً بعضی نکته‌ها را از آنها یاد بگیریم و به کار بندیم.

# طلوع دوباره شور شرقی در شعر فجر



اتفاقاتی است که موجب دلگرمی شاعران شهرستانی و جوان کشور خواهد شد تا با انگیزه بیشتری آثار خود را به جشنواره ارائه کنند.

## اهمیت برگزاری جشنواره شعر فجر

مرتضی امیری اسفندقه، دبیر علمی جشنواره، بر اهمیت برگزاری جشنواره تاکید دارد و می گوید: «حضور تمامی هنرمندان و توجه آنان به جشنواره شعر فجر، می تواند نوید بخش برگزاری جشنواره ای پویا باشد.»

وی ادامه می دهد: «شایسته است که جشنواره شعر فجر را به عنوان هدفی جدی تر در نظر بگیریم، چرا که اگر هنرمندی مانند یک بازیگر سینماییک خوشنویس به ادبیات ایران احترام نگذارد و با ادبیات سرزمین خود آشنا نباشد، به طور حتم راه به جایی نخواهد برد.» موسوی گرمارودی، دبیر چهارمین جشنواره شعر فجر نیز با تأیید سخنان اسفندقه، می گوید: «جشنواره شعر فجر باید به عنوان نخستین جشنواره در این کشور برگزار می شد؛ چرا که گنجینه درخشان شعر کهن فارسی و همچنین شعر معاصر، چهره های برگزیده فراوانی دارد و در حوزه های مختلف شعری، شاعران برجسته ایرانی آثار ارزشمند قابل توجهی سروده اند.»

## جشنواره های بین المللی

حضور ۱۰ شاعر پارسی گوی و پژوهشگر شعر فارسی از کشورهای نظیر هند، عراق، تاجیکستان، پاکستان، افغانستان و... در همایش های استانی، آیین افتتاحیه و اختتامیه و دیگر مراسم جشنواره، از دیگر فعالیت های بخش بین المللی جشنواره شعر فجر محسوب می شود. همچنین این میهمانان خارجی در کارگاه های آموزشی به تعامل با شاعران ایرانی و جوانان شاعر کشورمان خواهند پرداخت تا انتقال اطلاعات درباره شعر فارسی در سطحی جهانی گسترش یابد.

در بخش رقابتی حضور نمی یابد و فرصت را در اختیار جوانان قرار می دهد؛ اقدامی که از سوی برخی استادان شعر در این دوره بابت رشد استعداد های جوان شعر کشور صورت گرفته است.» وی ادامه می دهد: «از سوی دیگر، هر هنرمندی نیز برای حضور یا عدم حضور آزاد است تا به راحتی تصمیم بگیرد.»

## داوری های جشنواره چهارم

بر اساس گفته های موسوی گرمارودی، دبیر این رویداد فرهنگی، در این دوره از جشنواره شعر فجر، داوری ها ویژگی های جدیدی خواهند داشت. از آنجایی که در این دوره در همه بخش ها گروه های سنی، فضای رقابتی میان شاعران کشور وجود دارد، برخی نگران این بودند که حضور یک نام بزرگ، داوران را تحت تاثیر قرار دهد، اما گرمارودی با اعلام شعار جشنواره «داوری ها مبتنی بر شعر است، نه شاعر» اثر ارائه شده را ملاک اصلی داوری در جشنواره عنوان می کند. وی در این باره می گوید: «جشنواره چهارم، امسال با رویکردی متفاوت تر از سال های گذشته برگزار خواهد شد و سروده های هر شاعری که آثار خود را به دبیرخانه ارسال کرده، مورد ارزیابی و داوری با ملاک های مشخص و شفاف قرار خواهد گرفت، چرا که در این دوره، تنها شعر بررسی می شود، نه نام شاعر اثر.» دبیر چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر با اشاره به این که جشنواره چهارم همه طیف های شعری را دربر گرفته است تصریح می کند: «حتی شعرهایی که جنبه پیشرو و تجربی دارند نیز در این جشنواره پذیرفته و داوری خواهند شد.» در چهارمین جشنواره شعر فجر، شعرها در هر قالبی که باشند، سپید، نو، غزل، کلاسیک، پیشرو، تجربی و... با داور متخصص آن حوزه ارزیابی می شوند و در نهایت آثار هر شاعر در حوزه خودش انتخاب یا تقدیر خواهد شد. در این دوره از جشنواره شعر فجر حدود ۳۰ داور در سه مرحله ابتدایی، نیمه نهایی و نهایی، آثار را در گروه های سنی جوان و بزرگسال و در قالب های سنتی یا کلاسیک، نیمایی یا سپید و کودک و نوجوان در سیستمی متمرکز و به شکل کنسور بررسی خواهند کرد.

## جشنواره شعر برای همه استان ها

این جشنواره در استان های کشور به شکل برگزاری همایش ها و شب های شعر برپا می شود و شاعران ممتاز استان های مختلف علاوه بر شعر خوانی، از حضور شاعران برجسته کشوری در کارگاه های آموزشی و نقد شعر بهره خواهند برد. همچنین در این همایش ها جوایزی به شاعران استانی اهدا می شود و شاعران برتر و جوان هر استان نیز به جشنواره معرفی خواهند شد. البته هر یک از این شاعران نیز می توانند به شکل جداگانه در بخش رقابتی حضور داشته باشند. حضور فیزیکی شاعران برجسته کشور با حمایت معاونت فرهنگی در سراسر استان های کشور نیز از

افتتاحیه چهارمین جشنواره شعر فجر از سوم بهمن ماه (امروز) در حالی در بو شهر و با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می شود که می توان آن را مهم ترین رویداد فرهنگی در حوزه شعر کشور به شمار آورد؛ جشنواره ای که برای رسیدن به چنین جایگاهی روزها و شب های طاقت فرسایی برای برگزار کنندگان آن به همراه داشته و در دوره چهارم به بلوغ شایسته شعر، به عنوان شاخص ترین هنر ایرانی رسیده است؛ بلوغی که نشانه های صحت آن را باید در رشد استعداد های جوان شعر کشور جست و جو کرد و امید بر این بست که نسل دیگری از شاعران خوش ذوق و البته با تکنیک، آماده پیشبرد فرهنگ کشورمان شده اند.

شاید برگزاری نخستین دوره همایش شاعران ایران و جهان در فروردین ماه سال آینده در کنار بخش بین المللی جشنواره شعر فجر را بتوان از اتفاقاتی دانست که برای تکامل شعر ایرانی در عرصه بین المللی پیش بینی شده است. طبیعی است که این جشنواره نیز مانند هر رویداد بزرگ فرهنگی در دوره های آغازین خود دارای ضعف هایی بود که به بررسی آسیب شناسانه و آکادوی همه جانبه از سوی کارشناسان نیاز دارد تا شکلی کامل تر به خود بگیرد و بهره مندی بیشتر جامعه شعری کشور را دربر داشته باشد. در دوره چهارم جشنواره شعر فجر، سه دبیر، مسؤولیت بخش های مختلف را برعهده گرفته اند؛ سیدعلی موسوی گرمارودی، شاعر پیشکسوت به عنوان دبیر جشنواره، مرتضی امیری اسفندقه، دبیر علمی جشنواره و مصطفی امیدی، مسؤولیت دبیر اجرایی را برعهده گرفتند.

## رقابتی بودن جشنواره چهارم

ویژگی جشنواره شعر فجر، رقابتی بودن آن در سطوح سنی مختلف است که شاید برای نخستین بار شاعران با سابقه را کنار شاعران مستعد و جوان قرار می دهد و فضای هیجان انگیزی را به جشنواره می بخشد.

مصطفی امیدی در این باره به کتاب هفته می گوید: «در این دوره، آثار به شکل کدگذاری شده در اختیار داوران قرار می گیرد و نام شاعر همراه اثر به داوران عرضه نمی شود تا شبیه تاثیر نام شاعران در انتخاب گروه های داوری ایجاد نشود.»

این گفته امیدی، به نوعی موجب امیدواری نسبت به افزایش سطح کیفی جشنواره شعر فجر در این دوره شد که در نهایت استقبال بیش از ۱۲ هزار اثر را از ۶۰۰ شاعر در سراسر کشور موجب شده است.

اما سوالی که در ذهن ایجاد می شود این است که آیا همه شاعران تر از اول در این جشنواره شرکت خواهند کرد؟ دبیر اجرایی جشنواره شعر فجر در پاسخ به این پرسش می گوید: «در همه دنیا اگر هنرمندی یک یا دو بار جایزه از شمشند جشنواره ای را دریافت کند، دیگر

## حاشیه های یک جشنواره

وقتی یکی از رسانه ها گفت و گویی از «ساعدا باقری» درباره نپذیرفتن داوری جشنواره شعر فجر توسط وی، عبدالجبار کاکایی و سهیل محمودی خبر داد، نخستین حاشیه جشنواره شعر فجر نمایان شد. باقری در این گفت و گو مدعی شده بود که جشنواره شعر فجر از وی و آن دو شاعر دیگر برای داوری دعوت کرده و آنها به این دعوت پاسخ منفی داده اند.

وی در بخشی از این گفت و گو ادعا کرده بود: «در چند روز گذشته تماس هایی با تعدادی از شاعران جوان و شاگردان من گرفته شده و از آنها برای شرکت در جشنواره دعوت شده است و از سوی دفتر جشنواره، حضور شعری چون عبدالجبار کاکایی و سهیل محمودی و خود من اعلام شده است.»

ملاک های داوری بر اساس اعلام دبیر جشنواره، تازگی مضمون و چگونگی پرورش شعر، شناخت درست از قالب انتخاب شده و شناخت کاربرد موسیقی چهارگانه شعر، از جمله ملاک های داوری شعرها در جشنواره شعر فجر خواهند بود.

## جشنواره پرروییداد

مصطفی امیدی درباره برنامه های خاص این دوره از جشنواره به کتاب هفته می گوید: «به زودی آثار شاعران جوان دوره قبل جشنواره را در یک مجموعه دوازده جلدی منتشر می کنیم.»

وی هدف از این اقدام را ایجاد انگیزه برای نسل جوان کشورمان در حوزه شعر و فراهم ساختن زمینه فعالیت بیشتر با رویکرد حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از شعر عنوان می کند. به عقیده وی، توجه به رسانه ها و پوشش کامل اخبار مرتبط شعر در مهم ترین رویداد شعری در کشور، موضوعی است که متولیان برگزاری این دوره از جشنواره را به انتخاب رسانه برتر واداشته است. به گفته امیدی، در مراسم پایانی جشنواره شعر فجر که در تالار وحدت تهران برگزار خواهد شد، از رسانه هایی که بیشترین توجه به شعر و اخبار جشنواره را داشته اند و تمام تلاش خود را برای انعکاس هر چه مطلوب تر فعالیت های شعری کشور انجام داده اند، تقدیر خواهد شد.

## این تازه گام های اول است

هر چند برگزاری چهارمین دوره از جشنواره شعر فجر، به عنوان گام های نخست این رویداد ادبی محسوب می شود، اما دبیر اجرایی سه دوره از این جشنواره، نظر دیگری دارد.

امیدی در این باره به کتاب هفته می گوید: «این جشنواره، رویدادی تثبیت شده است و به جایگاهی ارزشمند در جامعه شعری دست یازیده که با توجه به سطح بین المللی آن از جوایزی نظیر جلال آل احمد و پروین اعتصامی در جایگاهی بالاتر ایستاده است.» اما به راستی، آیا گستره شاعران پارسی گوی تنها به مرزهای جغرافیایی سرزمین مان محدود می شود و آیا شاعرانی که با زبان فارسی اما ملیتی غیر ایرانی، شعر می سرایند، نباید از حق حضور در چنین رویدادی برخوردار باشند؟ امیدی با استقبال از طرح چنین پرسشی می گوید: «به عنوان دبیر اجرایی با قاطعیت از امکان برگزاری این جشنواره در سطح جهانی حمایت می کنم چرا که مشکلی در زمینه اجرایی احساس نمی شود؛ اما در جنبه تخصصی، این شاعران کشورند که باید نظرات کارشناسانه شان را بیان کنند.»

بهمن ماه در حالی آغاز شد که در سراسر این ماه، فضای شعر کشور روزهای پر هیجانی را پشت سر می گذارد و این خود نوید پویایی شعر معاصر ایرانی را در دوره ای تازه می دهد.

را مطرح کرد. در بخشی از این جوابیه آمده است: «اسامی داوران جشنواره شعر فجر منتشر نشده است و طبق توافق صورت گرفته با داوران، مقرر شده اسامی بعد از اختتامیه جشنواره اعلام شود.»

در بخش دیگری از این جوابیه آمده است: «همچنین بنابر اعلام دبیر محترم علمی چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر، مرتضی امیری اسفندقه، هیچ مذاکره ای با آقایان ساعدا باقری، عبدالجبار کاکایی و سهیل محمودی در خصوص پذیرش داوری جشنواره شعر فجر صورت نگرفته است و اسامی آنان در فهرست پیشنهادی برای عضویت در هیات داوران نیز نبوده است.» مصطفی امیدی در این باره به کتاب هفته می گوید: «تعداد شاعران کشور بسیار بیشتر از داوران سی نفره جشنواره شعر فجر است و طبیعی است که همه شاعران را برای داوری دعوت نکنیم.» وی می گوید: «هنوز هم از نظر ما ساعدا باقری، عضو شورای سیاست گذاری جشنواره شعر فجر است، مگر این که خود تصمیم دیگری گرفته باشد.»

اما عبدالجبار کاکایی نیز در گفت و گو با همین سایت خبری ضمن انتقاد از شیوه برگزاری جشنواره شعر فجر، ادعای باقری را تکذیب کرده بود: «از سوی این جشنواره تماسی با من نگرفتند و از من به عنوان داور دعوت نشده است و در صورت دعوت شدن نیز داوری جشنواره را نمی پذیرم.» البته این مصاحبه ها، واکنش سریع دبیر علمی جشنواره و دبیرخانه شعر فجر را به دنبال داشت.

امیری اسفندقه در این باره گفت: «کاکایی، باقری و محمودی اساسا برای داوری جشنواره شعر دعوت نشدند و جشنواره شعر فجر وقتی برای پاسخ دادن به سوالات حاشیه ای ندارد.»

دبیر علمی جشنواره افزود: «اسامی این سه نفر در لیست داوری نبوده است، بنابراین دلیلی وجود ندارد که موافقت یا موافقت نبودن خود را اعلام کنند.» این در حالی است که دبیرخانه جشنواره شعر فجر نیز در ادامه این واکنش ها با ارسال یادداشتی به همان سایت خبری، نکاتی



# پرنده ستایش؛ تحقیق در ذکر و نعت و چاووش

هوشنگ جاوید، تحقیقی دیگر درباره موسیقی مذهبی ایران منتشر کرد. این کتاب با عنوان «پرنده ستایش در ایران» اخیراً از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است. کتاب حاضر می‌تواند به عنوان تکمله‌ای بر دیگر آثار جاوید چون «نعت و نعت خوانی» (حوزه هنری خراسان/۱۳۸۷)، «موسیقی رمضان در ایران» (سوره مهر/۱۳۸۳) و «مناقب خوانی؛ موسیقی قدسی، مذهبی و آیینی در ایران» (سوره مهر/۱۳۸۴) در نظر گرفته شود.

«پرنده ستایش در ایران» در سه بخش اصلی تنظیم شده است؛ بخش نخست به ذکر و ذکر خوانی و انواع آن و بخش‌های دوم و سوم به ترتیب به نعت و نعت خوانی و چاووش خوانی اختصاص دارد. پیش از پرداختن به متن، باید به چند نکته درباره فصل بندی و ظاهر کتاب اشاره کرد.

نخست این که در فهرست، نام فصل‌ها مشخصاً ذکر نشده و با توجه به سر بخش‌های هر فصل باید به محور اصلی فصل‌ها پی برد. مسأله دیگر این است که با وجود آن که این اثر، یک کتاب پژوهشی است، ولی نوع پرداختن به هر یک از سه محور اصلی اش (ذکر، نعت و چاووش) در سه فصل آن متفاوت و در نتیجه کتاب از یک روند پژوهشی مشخص و ثابت محروم است.

برای مثال در اولین فصل که به ذکر اختصاص دارد، نخست تعریف ذکر از دیدگاه مکاتب عرفانی آمده، سپس فضیلت و اهمیت انواع ذکر در ادیان زرتشتی، مسیحیت و اسلام بررسی شده، انواع ذکر خوانی در ایران مورد توجه قرار گرفته و مطالبی نیز درباره آداب ذکر، نقش ذکر در کارهای مختلف مردم ایران و کمبودهای پژوهشی گفته شده است. دیگر مطالب این فصل معرفی یک رساله کهن موسیقی و حرکت در حال ذکر، ذکر در شعر پارسی گویان و ذکر در دوبیتی‌های ایران است.

با این حال، این سربخش‌ها، در دو فصل دیگر تا حد زیادی تغییر کرده و اعمال شیوه پژوهشی مشخص و واحدی را به این سه حوزه با تردید مواجه می‌کند. نویسنده در فصل دوم، نعت، گستره نعت، رابطه نعت و موسیقی و اهمیت نعت را به شکل مختصر

بررسی می‌کند. رویکردهای اصلی نعت، شامل توجه به پند، فخر، ذکر نام‌های پیامبر (ص)، توسل و درخواست نیز در این بخش مورد توجه اند. بخشی به متن کلام آوازی نعت خوانی در مناطق و نواحی ایران اختصاص دارد و نمونه‌هایی از نعت خوانی در این مناطق و نواحی ذکر شده است.

فصل چاووش خوانی با واژه شناسی آغاز می‌شود. بررسی مفهوم بانگ در موسیقی، چاووش در مستندات تاریخی، چاووش خوان و اهلیت او، گونه‌ها و شاخه‌های چاووش در ایران، لباس و وسایل و آداب چاووش خوانی و نمونه‌هایی از شعرهای چاووش، دیگر بخش‌هایی از این فصل اند.

با این تفصیلات مشخص است که جاوید از توجه به یک روند پژوهشی مشخص در بررسی این سه محور (ذکر، نعت و چاووش) غفلت ورزیده است. چرا همه فصل‌های این کتاب مشخصاً و با ذکر در فهرست، با بحث واژه شناسی آغاز نشده‌اند؟ این مهم از آنجا اهمیت بیشتری می‌یابد که فصل نخست کتاب نیز ظاهراً با بحثی درباره معنای واژه ذکر و فرآیند تغییر واژه «منتر» به «ذکر» آغاز می‌شود ولی مشخص نیست که رویکرد نویسنده در این بخش، تاریخی است یا واژگانی؟ داده‌های ارائه شده درباره منتر در ادیان پیش از اسلام و ذکر در ایران پس از اسلام، بلافاصله پشت سر هم آمده‌اند. فرآیند تغییر «منتر» به «ذکر» ژرف کاوی نشده و در حد یک جمله به آن اشاره شده است. بخش «تعریف واژه ذکر» با توجه به معنای واژه «منتر» در ادیان پیش از اسلام شروع شده و در صفحه بعد، معنای «ذکر» از منابعی چون لغت نامه دهخدا، کشف اصطلاحات الفنون و فرهنگ عمید گنجانده شده است. چرا باید نام اثری چون «کشف اصطلاحات الفنون» بین تعریف‌های لغت نامه‌ای جدید فرهنگ‌های دهخدا و عمید بیاید؟ ارائه تعریف یک اصطلاح از کتابی که بروکلیمان آن را نخستین دایره‌المعارف اسلامی تالیف شده در هند می‌خواند، میان دو تعریف از همان اصطلاح از دو فرهنگ معاصر چه دلیلی دارد؟ شایسته بود اگر نویسنده قصد داشت تعاریف قدما را درباره واژه «ذکر» ارائه کند نیز، در بخشی مستقل و در کنار دو،



سه تعریف دیگر آن را می‌گنجانند تا نظر قدما درباره این واژه و گستره معنایی آن به خوبی مشخص شود. ضمن آن که تعریف تهانوی در «کشف اصطلاحات الفنون» از واژه ذکر، آشکارا صبغه‌ای عرفانی دارد و پسندیده نیست که میان شرح لغوی فرهنگ دهخدا و عمید آورده شود؛ بلکه جای این تعریف در واقع بخش بعدی کتاب، یعنی «تعریف ذکر از دیدگاه مکاتب عرفانی» است. تعریف تهانوی می‌تواند در کنار تعریف عزیزالدین نسفی بیاید. نه این که به صرف آن که «کشف اصطلاحات الفنون» دایره‌المعارف محسوب می‌شود، تعریف آن را از یک واژه در کنار تعاریف لغتنامه‌ای جدید بیآوریم. یکدستی مطالب بدین شیوه از بین می‌رود و خواننده میان تعاریفی که از زوایای مختلف در یک بخش ارائه شده، سردرگم می‌ماند.

بخش بعدی این فصل، همان‌طور که گفته شد، به تعریف و معنای ذکر از دیدگاه مکاتب عرفانی اختصاص دارد؛ ولی در دو صفحه‌ای که بدین مهم اختصاص داده شده، اصولاً با «مکاتب عرفانی» مواجه نمی‌شویم؛ بلکه تعاریف و توصیفات از

عزیزالدین نسفی، شیخ محمدعلی مؤذن خراسانی (از مؤذنان آستان قدس رضوی)، دهخدا و غزالی درباره معنای ذکر آمده. به جز عزیزالدین نسفی، در این بخش با هیچ عارفی به معنای اصیل آن مواجه نیستیم. حتی غزالی را بسیاری از متخصصان لزوماً به عنوان عارف اسلامی نمی‌شناسند؛ بلکه جنبه‌های دیگری از کار او چون آثار کلامی و فقهی اش نیز اهمیت بسیار دارد؛ مگر آن که منظور نویسنده از غزالی، برادر امام محمد، یعنی احمد غزالی استاد عین‌القضات همدانی باشد که در این صورت نیز این ایراد وارد است که او منظور دقیق خود را از غزالی مشخص نکرده است. در نهایت، حتی اگر غزالی را به عنوان عارف اسلامی به معنای اصلی آن در نظر بگیریم هم، باز با «مکاتب عرفانی» روبه‌رو نمی‌شویم؛ بلکه نظر دو تن از عرفای اسلامی (نسفی و غزالی) را درباره ذکر می‌خوانیم. نام این بخش در واقع باید این می‌بود: تعریف ذکر از دیدگاه دو عارف اسلامی.

با این وجود، کتاب هوشنگ جاوید از برخی جهات اثری درخور توجه به حساب می‌آید. نمونه‌های خوبی از ذکر، نعت و چاووش خوانی بر اساس تقسیم‌بندی موضوعی در کتاب هست که برای پژوهشگران می‌تواند مفید باشد. هر دو بخش نعت خوانی و چاووش خوانی داده‌های راهگشایی درباره سیر تاریخی مفهوم این دو واژه و مستندات تاریخی درباره وجود آنها در قدیم‌الایام را در خود جای داده‌اند. گو خواننده‌ای متعجب شود از این که در بخش نعت، آنجا که بحث توسل به پیامبر (ص) و درخواست نعت است، دو بیت از خاقانی شروانی آمده که خطاب آن نه به رسول‌الله (ص)، که به ذات اقدس اله است: «یا رب دل شکسته و دین درست ده...» ولی خواننده‌ای که این کتاب را با دیدی انتقادی بخواند، از داده‌های کارگشایش که حاصل تلاش‌های چندین ساله نویسنده در این حوزه هاست استفاده خواهد کرد و اشکالات کوچکش را در انتخاب استراتژی تحقیق به دیده اغماض خواهد نگریست. «پرنده ستایش در ایران» دفتر نخست، اثر هوشنگ جاوید از سوی انتشارات سوره مهر با شمارگان ۲۵۰۰ نسخه و قیمت ۴۵۰۰ تومان به چاپ رسیده است.

## ما مردگان زنده کجا، کربلا کجا

«آغاز روشنایی آیین» ترکیب بند عاشورایی علی موسوی گرمارودی اخیراً از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ رسید. این ترکیب بند در پانزده بند، مروری است بر حماسه عاشورا و در آن به ذکر مصیبت‌هایی بر حر، حضرت علی اصغر، حبیب بن مظاهر، حضرت قاسم، حضرت علی اکبر، عقیده بنی هاشم حضرت زینب، حضرت ابوالفضل، حضرت سجاد(ع) و امام حسین(ع) پرداخته شده است.

آغاز روشنایی آیین شعری است فخیم؛ بر اساس صبغه سبک خراسانی که اغلب آثار موسوی گرمارودی را با آن می‌شناسیم. به لحاظ ترکیب‌ات، جزالت و ایجاز کلام و بداعت تصاویر، این ترکیب بند از بهترین نمونه‌هایی است که در حوزه شعر عاشورایی در سال‌های اخیر در کشور منتشر شده است.

ترکیب بند پانزده بندی موسوی گرمارودی، بیست صفحه از این کتاب را به خود اختصاص داده است. بخش نخست کتاب پیش از این شعر، بازسازی سه مقاله موسوی گرمارودی درباره شعر آیینی و سپس پنج نقدی است که بر ترکیب بند عاشورایی تازه وی نوشته شده. آن سه مقاله عبارتند از: پیشگفتار شاعر (مقدمه‌ای بر کتاب «چراغ صاعقه» علی انسانی)، شاعری در تصرف شعر (نگاهی به شعر زنده یاد سید حسین حسینی) و نگاهی به شعرهای آیینی قیصر امین پور. بر خود ترکیب بند که در سال ۸۷ با عنوان «گلولی غمگین فرات» در روزنامه اطلاعات منتشر شده بود، تاکنون پنج نقد به قلم محمد یزدان پرست، مرتضی امیری اسفندقه، صدرالدین قوام شهیدی،

حمیدرضا شکارسری و بهاء‌الدین خرمشاهی نوشته شده که این پنج یادداشت نیز در ادامه آن سه مقاله در کتاب گنجانده شده‌اند.

### درباره ترکیب بند موسوی گرمارودی

به جای آن که ویژگی‌های کلی این ترکیب بند را بیان کنیم، بهتر است با ذکر نمونه‌هایی جزئی‌تر، مثال‌هایی از قدرت شاعری موسوی گرمارودی را به دست دهیم که تا حد زیادی مشخص‌کننده شمایی کلی از این شعر بلند نیز خواهد بود. گزیده بند نخست: «ما مردگان زنده کجا، کربلا کجا/ بی‌تشنگی چه سود گر آبی فراهم است؟.../ جز اشک، زنگ غفلتم از دل که می‌برد؟/ اکنون که رنگ حیرت آیینه در هم است.../ آه ای فرات، کاش تو هم می‌گریستی! / آسوده، بی‌خروش، روان بهر کیستی؟!». در بیت نخست، ارسال مثل، در بیت دوم، نمونه‌ای از ترکیب‌سازی‌های سبک‌های هندی و در بیت سوم، نمونه‌ای از تشخیص به چشم می‌خورد. بیدل می‌گوید: «به رنگ حیرت آیینه داغ حیرتم بیدل/ نمی‌دانم چه سان آسود چندین پیچ و تاب از من». تاثیر شاعران و صبغه ترکیب‌سازی‌های سبک‌های هندی در این ابیات آشکار است. مهم این است که نوع استفاده‌ای که گرمارودی از این اسلوب دارد، تأثیری مثبت از خود به جای می‌گذارد که کاملاً در راستای هدف اصلی ترکیب بند قرار می‌گیرد. استفاده از صنعت تشخیص در بیت پایانی (خطاب به موجودی بی‌جان چنان که موجودی جاندار پایان‌بندی موثری به شعر می‌بخشد و در همان آغاز ترکیب بند، ما را با فضایی زنده و سیال مواجه می‌کند که در نزدیک شدن به کنه حماسه‌ای به عظمت، جاندار و پایداری حماسه کربلا، نقشی مهم به عهده می‌گیرد. گزیده‌ای از این بند سوم در منقبت حر: «آغاز روشنایی آیین حیرت است/ زان پس که از تبار سیاهی گذر کند/ در غیبت سپیده سحر هم

سترون است/ کو پرتوی که آینه را بارور کند/ خورشید گرم پویه منزل به منزل است/ راهی بجو که فاصله را مختصر کند/ در کربلا دوباره جهان عشق را شناخت/ در کربلا جهان دل خود را دوباره ساخت». باز با عناصری از شیوه ترکیب‌سازی و واژگان مالوف سبک‌های هندی مواجهیم: آغاز روشنایی آیین و حیرت، و پرتوی که آینه را بارور کند. روان بودن کلام در پیوندی که میان فخامت خراسانی و ترکیب‌سازی و تصویرسازی سبک‌های هندی ایجاد شده، شایسته تحسین است. گزیده‌ای از بند ششم در منقبت حضرت علی اصغر(ع): «چون موج روی دست پدر پیچ و تاب داشت/ وز نازکی تنی به صفای حجاب داشت/ چون سوره‌های کوچک قرآن ظریف بود/ هر چند او تشنگی اگر چه بسی التهاب داشت/ از بس که در زلالی خود محو گشته بود/ گویی خیال بود و تنی از سراب داشت.../ خورشید پدر به جانب افلاک می‌فشاند/ گویی به هدیه دادن آن گل شتاب داشت» تصویرسازی در این ابیات به بهترین شکل فشرده شده‌اند. ام‌الکتاب، اشاره به محکمت قرآن در برابر متشابهات است. دلیل ام‌الکتاب خواندن حضرت، ظاهراً تشبیه او به سوره‌های کوچک قرآن در مصراع اول است؛ ولی «هر چند» را نباید در معنای تقابل در نظر گرفت؛ چون در این صورت این گونه به ذهن متبادر می‌شود که در سوره‌های کوچک قرآن، آیات محکم جایی ندارند؛ حال آن که این گونه نیست و برای مثال، «قل هو الله احد/ الله الصمد/ لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفو احد»، به تمامی از آیات محکمت‌اند. در تمجید از این چند بیت و کشف ظرافت‌ها تصویری آنها، می‌توان صفحه‌ها نوشت.



نشست های سرای اهل قلم از چهارشنبه تا سه شنبه

# کلام دین و طنین شعر و تمجید استاد سخن

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را مهیا می کند. در نشست هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های شعر، ادبیات، دین، پزشکی و جامعه شناسی در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

## استاد سخن، سعدی است



نخستین نشست «عرفان در ادبیات ایران» با حضور پرویز عباسی داکانی، دبیر نشست، غلامحسین عمرانی، سخنران و علاقه مندان این حوزه در سرای اهل قلم برگزار شد.

غلامحسین عمرانی، سخنران نشست: ادبیات کهن، ادبیات ماندگار و جاودانه ای است که تفاوت های بسیاری با ادبیات معاصر دارد. در میان بزرگان شعر و ادب فارسی، سعدی به افهام بشری نزدیک تر است و توانسته خود را به ادبیات جهان نزدیک کند. حافظ نیز چنین کاری را انجام داده، اما استاد سخن، سعدی است. سعدی شاعری موعظه گر است. البته وعظ خشک اخلاقی را از سوی سعدی نمی بینیم. سعدی، شاعر حکیمی است و حکیم به معنای فردی است حکمت دان نه حکمت خوان. در مقایسه میان سعدی و حافظ باید گفت که شیوه سخن گفتن، جهان بینی و زبان آن دو دارای شباهت هایی اند البته بی شک تفاوت های بسیاری میان این دو شاعر وجود دارد که از رهگذر درک این تفاوت های توانیم محدودیت، اندیشه یا قلمرو ویژه آن شاعر را دریابیم.

حافظ شخصیتی رند، عاقل، دانا، حکیم و در عین حال مستور در میان الفاظ و واژه هاست که چهره ای مبهم دارد و هنوز موضع او برای همگان روشن نیست، در حالی که سعدی دیدگاه و موضع کاملاً روشنی دارد.

یکی دیگر از تفاوت های بارز این دو شاعر در شیوه غزل سرایی آن دو است. غزل های عاشقانه سعدی از برترین غزل های شعر فارسی است، اما مصلحت بینی سعدی سبب شده تا در ابتدای دفترش با غزلی پندآموز روبه رو باشیم. همچنین، تأثیرپذیری سعدی از قرآن بسیار آشکار است، اما حافظ در غزل، با تلمیح و اشاره همراه شده و جنبه هنری آن را رعایت کرده است.

عباسی داکانی: با توجه به رابطه سعدی و خیام و همچنین حافظ و خیام، می توان گفت که حافظ بر دم غنیمتی تأکید دارد. به نظر حافظ خیامی تر از سعدی است و این خود جای بحث دارد. از سوی دیگر دواپارگی شخصیت سعدی در شعرش دیده می شود.

هزل های سعدی بسیار گستاخانه است و او را به عبید نزدیک می کند؛ اما حافظ در مقام طنزگویی نیز هرگز از راه ادب خارج نمی شود و ادب طنز را حفظ می کند.

وی در پایان درباره بحث اخلاقی در شعر سعدی توضیح داد: «سعدی در زمانه ای می زیسته که احساس می کرده هنوز بخشی از اخلاق باقی مانده و مردم را به آن دعوت کرده است تا بتواند اخلاق را حفظ کند.»

## دینداران، خالقان ادبیات دینی

نشست نقد و بررسی کتاب «دین و تعلیم گرایان در ادبیات» با حضور احمد شاکری، نویسنده و منتقد ادبی و علی الله سلیمی به عنوان کارشناس و دبیر این جلسه، بدون حضور جهانگیر خسروشاهی، دیگر سخنران این نشست، برپا شد.

علی الله سلیمی، دبیر جلسه: دین و ادبیات آیینی تنها بخشی از ادبیات گسترده ای اند که به دلیل وسعت موضوعی شان، هریک از کارشناسان و نویسندگان از بعد خاصی می توانند آن را مورد بررسی قرار داده و مطالب گوناگونی را درباره آن بیان کنند.

در ادبیات بزرگسال چیزی به عنوان تعلیم وجود ندارد، زیرا خواننده بزرگسال در برابر آن مقاومت می کند. بنابراین برای الحاق موضوعات دینی به ادبیات، باید از شعاری نوشتن پرهیز داشت و این

موضوع از دشواری های ادبیات دینی است. احمد شاکری، نویسنده و منتقد ادبی: دین و تعلیم گرایان در ادبیات داستانی در جایگاه خود، موضوعی برای طرح مسائل متعدد است و آنچه در این روند اهمیت دارد، ادبیات و زیبایی است که برای بیان مضامین از آن استفاده می شود.

وقتی بحث دین و تعامل آن با تعلیم گرایان پیش می آید، ادبیات داستانی مطرح می شود. با وجود آن که بیان دین، صریح و مستقیم است و اساس بیان هنری بر پایه مخفی کردن و به باطن بردن معانی شناخته می شود، در نگاه اول این طور به نظر می رسد که این دو با یکدیگر قابل جمع نیستند.

درباره اوضاع ادبیات دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، باید گفت که در این زمان تنها کسانی می توانستند در این وادی قلم زنی کنند که تجارب

در ادبیات بزرگسال چیزی به عنوان تعلیم وجود ندارد، زیرا خواننده بزرگسال در برابر آن مقاومت می کند. بنابراین برای الحاق موضوعات دینی به ادبیات، باید از شعاری نوشتن پرهیز داشت و این

## برنامه های این هفته سرای اهل قلم

برنامه هفتگی سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب به ترتیب زیر اعلام شد:

- شنبه، سوم بهمن نشست «عرفان در ادبیات ایران» با حضور دکتر نصرالله حکمت و دکتر پرویز عباسی داکانی از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰.
- یکشنبه: نقد و بررسی کتاب «نگران نباش» با حضور مهدی کاموس و مهسا مجبلی از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰.
- دوشنبه: نشست اول: کارگاه داستان نویسی با حضور فیروز زوزی جلالی از ساعت ۱۴ تا ۱۶ و نشست دوم: نگاهی به کتاب «آنجا که عقل حاکم است» اثر دنیس گرین برگر و کریستین پدسکی با حضور حبیب الله قاسم زاده و سپیده باطنی از ساعت ۱۷ تا ۱۹.
- سه شنبه: جلسه شعرخوانی با حضور مژگان عباسلو از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰.
- چهارشنبه: نشست اول: نقد و بررسی کتاب «مقدس و عرفی» نوشته اینگلهارت با حضور دکتر سید کاووس سیدامامی از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰. نشست دوم: بررسی ادبیات داستانی انقلاب اسلامی (داستان کوتاه) با حضور مجید پورولی کلشتری، کبریا زارع پاکدل و علی الله سلیمی از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰.

## نگاهی بین رشته ای به جامعه شناسی و پزشکی

نشست نقد و بررسی کتاب «جامعه شناسی پزشکی» با حضور جمعی از جامعه شناسان و کارشناسان حوزه پزشکی برگزار شد.

نقد دیدگاه های «ویلیام کارهام» درباره جامعه شناسی پزشکی و مطالعات او در این حوزه، محور اصلی این نشست بود.

دکتر علی مقصودی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران: «کارهام» پژوهشگری متخصص در حوزه مطالعات بین المللی و ملی است و این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۹۸۷ انتشار یافت و به تناوب طی سال های اخیر با ویرایش های جدید منتشر شده است.

در این سال ها، «کارهام» با نگاهی جامع به موضوع جامعه شناسی پزشکی، با این کتاب مانند یک موجود زنده برخورد کرده است، به طوری که در سال های مختلف آن را تغییر می دهد، مطالبی به آن می افزاید، اصلاح می کند و به منابع می افزاید.

معرفی جامعه شناسی پزشکی به دانشجویان و فعالان این حوزه، همچنین بیان مفاهیم و یافته های جدید در این حوزه را می توان اهداف کلی این کتاب معرفی کرد. کتاب در ۱۶ فصل جداگانه نگارش شده است و در آن به موضوعاتی چون کلیات جامعه شناسی پزشکی، نگاه های بین المللی به حوزه بهداشت و سلامت، بیماری های مسری و برنامه های اجتماعی دولت ها، اپیدمیولوژی جامعه شناسی پزشکی، رفتارهای سلامتی و... پرداخته است.

احمد مرادی، فعال حوزه جامعه شناسی: دلیل استقبال مخاطبان در سراسر جهان از این کتاب نگاهی بین رشته ای به موضوع جامعه شناسی و پزشکی است.

این کتاب دربردارنده ۲۵ مقاله است که کارشناسان و پژوهشگران کشورهای مختلف جهان آن را درباره وضعیت جامعه شناسی پزشکی کشور خود به رشته تحریر درآورده اند.

همچنین، مطالب کتاب توسط نویسندگانی از منطقه های مختلف آمریکا، آمریکای جنوبی، اروپا، آسیا، آفریقا و کشورهای عربی نوشته شده و «کارهام» جمع آوری و ویرایش کلی مطالب را برعهده داشته است.

مؤلف کتاب، این تغییرات را تحت تأثیر تغییر الگوهای خانوادگی، کار و فراغت جامعه می داند که به مرور زمان پیش آمده اند.

## «شعرخوانی» ۲۵ شاعر در سرا

ششمین نشست «شعرخوانی» با شرکت ۲۵ شاعر در سرای اهل قلم برگزار شد.

در این نشست عده ای از شاعران صاحب کتاب حضور داشتند و علاوه بر قرائت سروده های خود، به نقد و بررسی سروده های سایر شاعران شرکت کننده نیز پرداختند.

حامد عسگری، علی عباس نژاد، مهدی فرجی، علی مظفر و فرهاد صفریان از جمله شاعران صاحب کتابی بودند که در این نشست حضور داشتند.

همچنین در این نشست یکی از شرکت کنندگان به قرائت سروده ای در قالب سپید پرداخت.

زمینه سازی در مصرع های ابتدایی برای درک بهتر مفهوم شعر، استفاده نکردن از تصاویر گنگ و نامفهوم که معنا و مضمون خاصی را تداعی نمی کنند، کوتاه کردن شعر هنگام نیاز و لزوم آشنایی با جهان بینی شاعر، از جمله نکاتی بودند که در بررسی شعرها توسط دیگر شاعران مطرح شدند.

یکی از شاعران جوان شرکت کننده در این نشست، آشنایی با جهان بینی شاعر و واژه ها و مفاهیمی را که به کار می گیرد، گامی بلند برای درک راحت تر شعر دانست.

دیگر شرکت کننده این نشست معتقد بود بار عاطفی شعر (نه صرف استفاده از کلمات عاطفی) می تواند به تأثیرگذاری شعر کمک کند.

مژگان عباسلو، دبیر نشست های شعرخوانی نیز گفت: «سروده هایی که قرائت شده، از سطح بسیار خوبی برخوردار بودند و استقبال از این نشست نسبت به جلسه های پیشین گسترده بود.»



## روی نقطه پراکندگی

یادداشت‌های روزانه گروهبان دوم؛ محمدرضا فردوسی  
انتشارات سوره مهر/ چاپ اول ۱۳۸۸

۲۵۰ صفحه/ ۳۹۰۰ تومان



محمدرضا فردوسی، زمان جنگ، گروهبان دوم پیاده بود. او اهل کرمان است و در لشکر ۸۸ زرهی زاهدان، تیپ دوم خاش خدمت کرده است. این گروهبان خوش ذوق، در روزهای جنگ، دفترچه‌ای داشت که در آن یادداشت روزانه می‌نوشت. او سال گذشته به تهران آمد و یادداشت‌های روزانه‌اش را برای چاپ به سوره مهر سپرد.

فردوسی در چند صفحه اول کتاب از کودکی، نوجوانی و جوانی‌اش نوشته و در صفحه هفدهم دست‌ناش را در دست یادداشت‌های روزانه‌اش گذاشته است. به گفته ناشر، نام کتاب را با مشورت خودش، «روی نقطه پراکندگی» گذاشته‌اند که یک اصطلاح نظامی است و معنی آن در کتاب فرهنگ واژه‌های نظامی نوشته شده است.

یادداشت‌های روزانه این گروهبان کرمانی، مثل بسیاری از این گونه نوشته‌ها، جذاب و دلنشین است که به آن روایت همزمان هم می‌گویند.

یعنی فاصله میان رویداد و ثبت آن اندک است؛ به همین دلیل، چنین یادداشت‌هایی دقیق‌اند و احتمال فراموشی در نوشتن جزئیات یا نکات مهم کم است. گرچه این گونه یادداشت‌ها شخصی است و ارزش آن محدود به روای می‌شود، اما مجموعه آنها برای خیلی‌ها دلپذیر است.

محمدرضا فردوسی، در یادداشت دوشنبه ۱۳۶۴/۳/۲۰ آورده است: «هر روز انتظار رفتن به خط را می‌کشیم اما هنوز به زندگی در سنگری ادامه می‌دهیم که سفتش از چادر و نی است.

امروز هر کدام مان در گوشه‌ای نشسته بودیم؛ احمد در حال نوشتن خاطراتش بود. حسین برای خودش شعر می‌خواند، غلام آقایی کتاب بی‌نویان مرامی خواند و جلیل قنبری چوبی نیم سوز را که دود می‌کرد در سنگری می‌چرخاند تا آنبوه مگس‌های سمج را برای لحظه‌ای کوتاه از سنگر فراری دهد. من هم خاطرات این روز را می‌نوشتم.

احساس کردم باید نامه‌ای هم بنویسم، قلم برداشتم و شروع به نوشتن کردم؛ من در بهشتم، اینجا در سایه خنک درختان در حاشیه رودخانه خروشان و... من بنا به مصلحت دروغ‌گوی خوبی هستم.»

**تحلیل ساختاری داستان‌های کهن فارسی**  
پژوهش و نگارش: داریوش نوروزی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
چاپ اول ۱۳۸۸/ ۱۳۰ صفحه/ ۱۸۰۰ تومان



داستان، مثل خود زندگی از روزی که بشر خود را شناخته و ناگزیر به روایت حوادث روزمره زندگی خود شده همراه آدمی بوده. به تعبیری روایت عبارت است از نقل دو یا چند رویداد که به لحاظ منطقی به هم مرتبط‌اند.

در زمان اتفاق می‌افتند و از طریق یک مضمون ثابت، به صورت یک کل تشکیل می‌یابند. بحث روایت، داستان و ساخت داستانی از اینجا آغاز می‌شود. اگر چه در ابتدا سوالات ساده‌اند و به نظر می‌آید پاسخ‌های آنها نیز چندان مشکل و پیچیده نیست، اما در ادامه راه متوجه می‌شویم که در این باره سخن بسیار است و تا رسیدن به مرحله‌ای که بتوان ساخت یک داستان را مشخص کرد راهی دراز و پرپیچ و خم در پیش است.

ناشر اثر در مقدمه‌ای کوتاه درباره این کتاب نوشته است: «پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با انجام تحقیقات و پروژه‌های پژوهشی و نیز برگزاری نشست‌های علمی با اصحاب علم و فرهنگ و ارائه نتایج حاصل در قالب «گزارش پژوهش» و یا «کتاب» تلاش خود را مصروف گسرتش ارزش‌های اصیل فرهنگی می‌کند. اثر حاضر، نتیجه پژوهشی است در موضوع «تحلیل ساختاری داستان‌های کهن فارسی» به کوشش داریوش نوروزی که در قالب کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. یادآوری می‌شود، مطالب مندرج در کتاب حاضر، لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های پژوهشگاه نیست...»

## لامداد

### چند جستار از ایران

عبدالرحمان عماد/ نشر آموث/ چاپ اول ۱۳۸۸

۲۴۰ صفحه/ ۵۰۰۰ تومان



کتاب حاضر دربرگیرنده شانزده مقاله از عبدالرحمن عماد، حقوق‌دان و پژوهشگر متولد ۱۳۰۴ خورشیدی است. عنوان این شانزده مقاله عبارتند از: جلندی بل، کرکانک، تربیز «نام و لغت

ایرانی و قدیم دیگری از تربیز»، پیشینه نام جویبار و بارز در کرمان از زمان اردشیر بابکان، پیشینه دیرپای برنج، یک بیت شعر منسوب به فریدون و نکته‌هایی نو یافته درباره منوچهر، قاعده بود و نبود حرف «ر» در میانه گروهی از واژه‌های ایرانی، نام‌های دریاچه اورمیه، مینوشان، گز، دو واژه‌نامه از گویش‌های ایرانی، یزدی و همدانی، پرندگان ایران، شناسایی پنج فهلوی کهن، «یغما» و عقاید قدیم ایرانی، مریم دسیه، لیترا لیتی قدیم و ناشناخته در قلمرو گیل و دیلم و ابوشکور بلخی و ناصر خسرو در چند شعر و عقاید قدیم ایرانی.

در بخشی از کتاب آمده است: «... در دیلم عوام داماداران کوهی منوچهر را مون‌چایر = munaceir می‌گویند که چند معنی دارد: چهر من - چهر ماه. چه در دیلمی ماه امانگ - مونگ هم می‌گویند. چنان‌که در اوستا ماونگه یعنی ماه. و در زبان‌های انگلیسی و آلمانی روز دوشنبه که روز ماه یا مون باشد. پس بیکی از معانی خود منوچهر یعنی ماه چهر خاندان منوچهر و ایرج خاندان ماه نشان بود که به معنی: ماد نشان هم می‌شود. منوچهر مانند فریدون فرزند سرزمین ماه (= ماد = ماز = مازندان) بود. زایچه ایرج در نجوم در خانه ماه یا برج کشف (= ماه تیر اول تابستان و یکی از دو سر تیر انقلابین) بود.

فردوسی نوشته فریدون طالع (= زایچه) فرزندان خود را دید تا بدان‌دستر نوشتشان چگونه رقم زده شده است. زایچه تور در برج شیر، خانه خورشید، و زایچه سلم در برج قوس (کمانور - مشتری یا ستاره اورمزد) بود.

اما زایچه ایرج در برج کَنَف، خانه ماه بود؛ چو کرد اختر فرح ایرج نگاه/ کَشَف دید طالع، خداوند ما»

## آموزش آهنگسازی

جان هوارد/ ترجمه هوشنگ کامکار

نشر افکار/ چاپ دوم ۱۳۸۸/ ۱۵۲ صفحه/ قیمت کتاب در صفحه عنوان و حتی پشت جلد هم مشخص نشده است.



بنابرا دعایی که در پیشگفتار کتاب حاضر آمده است تاکنون در زبان فارسی کتابی درباره فن آهنگ‌سازی به مفهوم موسیقی جهانی ترجمه نشده است و «آموزش آهنگسازی» جان هوارد نخستین ترجمه در این قلمرو

است. با این پیش‌فرض، اگر مقوله آهنگسازی را در قلمروهای خلاقیت بشری بدانیم باید اذعان کرد که خلاقیت را به کسی نمی‌توان آموخت و مولف این کتاب هم درباره آموختن خلاقیت ادعایی ندارد.

این کتاب با طرح فصل‌هایی می‌خواهد پوینده راه آهنگسازی را به منزلی برساند که شرط اول آن خلاقیت و قدرت ابتکار پوینده این راه است.

صرف نظر از این که در پیشگفتار دو صفحه‌ای کتاب که به قلم کامکار است، املا می‌کند «آهنگسازی» در جای سرهم و در جای دیگر جدا از هم «آهنگ سازی» آمده است هنگام مطالعه اثر، خواننده متوجه خواهد شد که «ملودی» نویسی تفاوت عمده‌ای با کار آهنگسازی دارد، چون نوشتن ملودی فقط یک جنبه از جنبه‌های مختلف آهنگسازی است. یکی از صفحات ویژه کتاب این است که همه مثال‌ها در یک CD جمع‌آوری شده است که هنگام مطالعه این کتاب باید به آنها گوش فراداد. هوشنگ کامکار می‌نویسد: «آرزو داشتم که صاحب آن فرصت و وقت کافی بودم تا بتوانم از همه آهنگسازان معاصر و وطن‌مان قطعاتی را در این مجموعه بیاورم...»

آموزش آهنگسازی در هفت فصل زمان، ملودی، کلام، آکوردها، تمپر (رنگ صوتی)، بافت و ساختار یا فرم موسیقی منتشر شده است.

## رساله در موسیقی

بنیان‌های نظری موسیقی دستگامی ایران

مسعود زین‌الدین/ نشر عارف/ چاپ اول ۱۳۸۸

۹۵ صفحه/ ۲۵۰۰ تومان



کتاب حاضر، تلاشی است برای دریافت و استخراج مبانی و مقدمات نظری موسیقی دستگامی ایران بر مبنای نوع دیدگاه، روش و الگوهای استفاده شده در رساله جامع الالحان اثر عبدالقادر مراغی

و همچنین رساله در موسیقی تالیف بنایی. از آنجا که شیوه‌ها و روش‌های گوناگونی در نگاه نظری به موسیقی وجود دارد که هر یک از منظر و دیدگاهی متفاوت به این مقوله نگریسته‌اند و همچنین اهمیت و ارزش موسیقی نظری و انواع آن در پیکره کلی هر نظام موسیقایی، در ایران نیز در تمامی ادوار تاریخی، به ویژه با استناد بر اسناد مکتوب بر جا مانده بعد از اسلام، این مقوله حایز اهمیتی ویژه بوده است که توجه به نام‌های بزرگانی همچون فارابی، ابوعلی سینا، صفی‌الدین ارموی، قطب‌الدین شیرازی، عبدالقادر مراغی و... که همه اینها در زمره شاخص‌ترین و معتبرترین افرادی هستند که در این حیطه قلم زده‌اند و هر یک رساله یا رسالاتی را در باب موسیقی نظری به رشته تحریر در آورده‌اند، خود میزان اهمیت و مرتبه علم و فن موسیقی را در مان دانشمندان ایرانی، عیان می‌سازد.

این کتاب در چهار فصل تنظیم شده است. پرده‌شناسی گام بالقوه موسیقی دستگامی ایران، بحر و طبقه؛ مفهوم و تعریف، بررسی جامع طبقات دانگی یا بحور ادوار ملایم هفتگانه، تشکیل ذوالخمس‌ها و ملاحظاتی از باب میزان ملایمت و مشابهت آنها و... عنوان‌های فرعی فصل‌های این کتاب به حساب می‌آیند.

## به نام تروریسم

کنت راث/ ترجمه: امیر شهریاری امینیان

انتشارات روایت فتح/ چاپ اول ۱۳۸۸

۱۵۲ صفحه/ ۱۸۵۰ تومان



۲۴ آوریل سال ۲۰۰۴، تصاویری در رسانه‌های جهان منتشر شد که سربازان آمریکایی را در حال شکنجه زندانیان ابوغریب در عراق نشان می‌داد. دیری نپایید که افکار عمومی جهان به این اقدام دولت آمریکا واکنش نشان دادند. با فاش شدن این رسوایی، دولت آمریکا کوشید این بدرفتاری‌ها را اقدام خودسرانه چند سرباز جلوه دهد.

«به نام تروریسم» مجموعه مقالاتی است که به اقدامات غیرقانونی آمریکا در جنگ با تروریسم با محوریت اعمال شکنجه در زندان‌های ابوغریب و گوانتانامو می‌پردازد.

تاریخچه شکنجه، شکنجه و تروریسم، به سوی ابوغریب و شکنجه در زندان‌های آمریکا عناوین برخی از مقالات این کتاب است.

جیمز راس، مشاور ارشد حقوقی دیده‌بان بشر درباره تاریخچه شکنجه در این کتاب می‌نویسد: «پیتر وری، اشراف‌زاده و روشنفکر میلانی در سال ۱۷۶۴ میلادی، رساله‌ای انتقادآمیز پیرامون استفاده از شکنجه به رشته تحریر در آورد. چاپ چنین رساله‌ای می‌توانست پدر او را به شدت تحقیر کند، چراکه پدرش یک سناتور سرشناس بود که با دفاع از روش‌های قدیمی از جمله استفاده از شکنجه برای اعتراف گرفتن، سال‌ها با اجرای قوانین اتریش در میلان مخالفت کرده بود. بنابراین وردی و برادرش آلساندرو، که رییس زندان بود، از گروهی به نام society offists کمک گرفتند. این گروه، گروهی اصلاح طلب بود که نامش نه از کلمه Fist به معنای مشت، بلکه از کلمه Fisticuffs به معنای فن یا مسابقه مشت زنی مشتق شده است.

وری و برادرش برای بیان و چاپ مطالب مورد نظر خود از سزار بکاریا، فیلسوف و سیاستمدار ایتالیایی که فردی زیرک بود کمک گرفتند. بکاریا با تشویق و کمک وری، کتاب خود را تحت عنوان «دریاره جنایت و مجازات نوشت. بکاریا در چند صفحه، شکنجه و دیگر قوانین جز این زمان خود را به شدت مورد نکوهش قرار داد و تأکید کرد که بین چگونگی برخورد جامعه با مجرمان و پیشگیری از وقوع جرم و جنایت ارتباط مستقیم وجود دارد. به عقیده او «شکنجه راهی مطمئن برای تبریئه افراد شرور و گناهکار و همچنین محکومیت افرادی گناه و ضعیف است.» در میان بهت و ناباوری دیرپای وری، کتاب کوچک بکاریا در سراسر اروپا پرفروش‌ترین کتاب شناخته و به یکی از مهم‌ترین آثار مکتوب در زمینه حقوق جزایی تبدیل شد.

**بی‌نهایت نقطه عطف اسلام، فلسفه و ریاضیات**  
حمید کاشانی

انتشارات بین‌المللی الهدی/ چاپ اول ۱۳۸۸

۲۹۶ صفحه/ ۴۹۰۰ تومان



کتاب حاضر در ۱۰ فصل تنظیم شده است. اهداف تبیین علوم دینی و عالم غیب با بهره‌گیری از مفاهیم ریاضی بی‌نهایت و علوم تجربی، آشنایی با مفاهیم مشترک بی‌نهایت و غیب، مفاهیم

مشترک بی‌نهایت، کلید وحدت علم و ایمان، بی‌نهایت و ریاضیات زبانی مشترکی برای گفت‌وگوهای ادیان و تمدن، تاریخچه کاربرد فلسفی ریاضیات، علوم عینی و تجربی دروازه‌های ورود به عالم غیب و ایمان، گستره مفاهیم بی‌نهایت و ایمان به غیب در جهان اسلام، تجربه ناکامی دهشتناک تجربه‌گرایی و سکولاریسم در اداره، ظرفیت فلسفه فراگیر اسلامی برای توسعه عدالت و همگرایی در سطح جهان و فصل آخر، عناوین ۱۰ فصل این کتاب هستند.

کاشانی، مولف این اثر درباره مخاطبان کتابش معتقد است: «به‌طور کلی مخاطب این کتاب قشر تحصیل کرده در داخل و خارج از کشور و همچنین افراد به اصطلاح روشنفکر است، افرادی که می‌خواهند با زبانی متفاوت و قابل فهم برای تیپ خودشان مطالب را بشنوند و مورد ارزیابی قرار دهند. همچنین دانشمندان بی‌غرض شرق و غرب عالم از حوزه‌های علمی طبیعی و ماوراءالطبیعی مخاطب بی‌نهایت می‌باشد تا در یک نقطه اشتراک علمی و فکری به وحدت نظر برسند و در نهایت، جهان فکر و اندیشه را به یک وحدت رویه علمی و منطقی برسانند.

بینید پاسخ ۲ در ۲ یک مفهوم است نه یک کالا، یک چیزی است که نیاز به آزمایشگاه هم ندارد بلکه یک فکری و عقلی لا متغیر است که در هیچ حوزه‌ای قابل تردید و یا اختلاف نظر نیست، لذا مفاهیم ریاضی و در راس آنها مفهوم بی‌نهایت برای یکپارچه‌سازی کلیه علوم اعم از حوزه فیزیکی و متافیزیکی به کار گرفته شده است که برای شخص خودم هم بسیار جذاب و جالب بوده و یک دریچه جدیدی از شناخت را برپایم باز کرده که در ابتدا اصلاً تصورش را هم نمی‌کردم.»



# رویش ادبیات داستانی ایتالیا در دل خورشید

در چند سال گذشته شاهد انتشار مجموعه کتاب‌هایی در زمینه ادبیات ایتالیا به صورت منسجم بوده‌ایم. این کار حاصل فعالیت و همکاری گروهی برخی از مترجمان زبان ایتالیایی است که به ترجمه آثار نویسندگان نامدار ایتالیایی و بدون استفاده از زبان واسطه پرداخته‌اند. تاکنون ۱۸ عنوان کتاب در این مجموعه توسط موسسه انتشاراتی «کتاب خورشید» منتشر شده است و این نشر ۹ عنوان کتاب دیگر از این مجموعه را در دست انتشار دارد.

انتشارات کتاب خورشید در چهار بخش «ادبیات جهان» (داستان‌های ایتالیایی قرن ۲۰، داستان‌های آمریکایی قرن ۲۰)، «ادبیات ایران» (داستان، شعر، درباره نوشتن)، «هنر» و «در دانه‌ها» (داستان، شعر، برگزیده‌های ادبی) فعال است و به انتشار کتاب می‌پردازد. در این میان «مجموعه داستان‌های ایتالیایی قرن ۲۰ میلادی» به یکی از شاخه‌های مهم انتشارات کتاب خورشید تبدیل شد. «آدم بدشانس»، «کافه زیر دریا»، «شهرهای ناپیدا»، «دیوار و شمعدانی» و «گفت‌وگو در سیسیل» از جمله کتاب‌های این مجموعه‌اند.

مسعود کازری، مدیر مسوول انتشارات کتاب خورشید، از سال ۱۳۶۲ با خواندن چاپ نخست کتاب «ویکت شقه شده» اثر ایتالو کالوینو، نویسنده ایتالیایی برنده نوبل ادبیات با ترجمه بهمن محمصص، به این نویسنده علاقه مند می‌شود و در طول سال‌های حضور در فروشگاه کتاب مهناز در جریان انتشار کتاب‌های ترجمه شده از این نویسنده قرار می‌گیرد. کازری خودش در این باره می‌گوید: «از همان زمان بود که کم‌کم تفاوتی در ترجمه‌ها احساس کردم. در بعضی از آثار ترجمه شده، ردی کم‌رنگ از نویسنده پیدا بود، ولی یکی، دو کتاب را نیمه‌کاره رها کردم. چون آن کالوینویی را که می‌شناختم، در آن نمی‌یافتم». وی در سال ۱۳۸۳ چند نمونه از این آثار را برای روشن شدن ذهن خود نزد رضا قیصریه، مترجم زبان ایتالیایی می‌برد. پس از آن با رابرتی‌هایی که با قیصریه می‌کند، تصمیم می‌گیرد مسیر ترجمه آثار کالوینو از زبان اصلی و با همکاری مترجمان مسلط با یاری قیصریه انجام شود. از طرفی، کازری به این باور رسیده بود که ادبیات معاصر کشور ایتالیا، شاخه مهمی از ادبیات جهان است، ولی کتاب‌های مربوط به آن در ایران پراکنده و نامنسجم‌اند و جای خالی

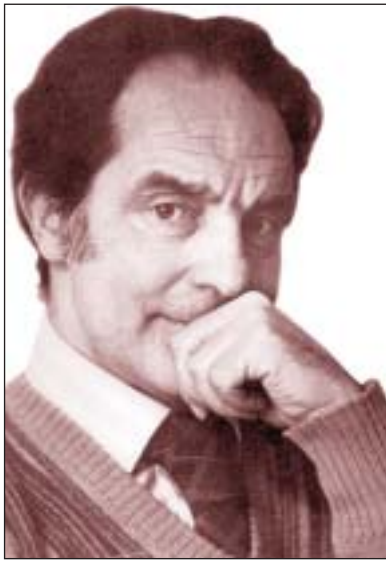
یک مجموعه منسجم در این حوزه احساس می‌شود. این حس ذلیلی برای ادامه و توسعه این مسیر می‌شود. طرح با کالوینو آغاز می‌شود و به دیگر نویسندگان برتر ادبیات ایتالیا نیز گسترش پیدا می‌کند. رضا قیصریه، اعظم رسولی، مژگان مهرگان، منوچهر افسری، هانیبه اینانلو، کامیار رفعت نژاد، هاله کاظمی، بهمن فرزانه، سروش حبیبی و بهمن رئیسی از جمله مترجمان ادبیات ایتالیا به شمار می‌روند که تاکنون با این مجموعه از انتشارات کتاب خورشید همکاری داشته‌اند.

مدیر انتشارات کتاب خورشید درباره این مجموعه توضیح می‌دهد: «بیشتر کتاب‌های این مجموعه با برنامه انتخاب شده‌اند، ولی این مسیر به تنهایی مورد نظر نبوده و از پیشنهادها مترجمان نیز استقبال شده و حتی از پیشنهاد مخاطبان این مجموعه استفاده کرده‌ایم».

«کلاغ آخر از همه می‌رسد»، «قارچ‌ها در شهر»، «سوداگری در ساخت و ساز»، «یک چیز به هر حال یک چیز است» و «گوساله دریایی» از دیگر کتاب‌های منتشر شده مجموعه ادبیات ایتالیایی قرن بیستم انتشارات کتاب خورشیدند که به گفته مدیر مسوول این انتشارات بر اساس معیارهایی نظیر توجه به ساختار، محتوای اثر و تأثیر نویسنده بر حوزه ادبیات داستانی انتخاب شده‌اند.

در میان این آثار برخی از آثار ماندگار ادبیات ایتالیا که پیش‌تر با ترجمه دیگری چاپ شده، ولی مهجور مانده‌اند، با توافق مترجم و ناشر بازچاپ شده‌اند. آثاری مثل «بیابان تاتارها» با ترجمه سروش حبیبی که چاپ دوم آن نیز در دستور کار امسال این ناشر قرار دارد یا «گفت‌وگو در سیسیل» اثر الیو ویتورینی و «دیروزهای ما» از ناتالیا گینزبورگ که هر دو با ترجمه منوچهر افسری در این مجموعه قرار گرفتند. همچنین کتاب «من که حرفی ندارم» (مجموعه داستان‌های رمی) اثر آلبرتو مورویا با ترجمه قیصریه یا «آقای پالومار» اثر ایتالو کالوینو با ترجمه آرزو اقتداری از آن جمله‌اند. اما کتاب «شهرهای ناپیدا» با توجه به احساس نیاز برای ترجمه جدیدی از آن با ترجمه جدیدی منتشر شد.

هاله‌ناظمی یکی از مترجمان این مجموعه که ترجمه کتاب «گوساله دریایی» نوشته آلبرتو مورویا را با



ایتالیایی کالوینو

همکاری رضا قیصریه در این مجموعه انجام داده و هفته‌آینده کتاب «خوشبختی در رویت‌ترین» همین نویسنده را که با همکاری مژگان مهرگان و اعظم رسولی ترجمه کرده، روانه بازار نشر می‌کند. درباره جایگاه ادبیات ایتالیایی در ایران می‌گوید: «بیش‌تر به ادبیات ایتالیایی بسیار کم‌لطفی شده بود. شاید علت اساسی آن، نبود مترجم خیره در این حوزه باشد. همچنین بسیاری از کتاب‌ها از زبان‌های دیگر مانند انگلیسی ترجمه و منتشر می‌شدند که این کار سبب دور شدن بیشتر از زبان اصلی داستان می‌شد و به کار لطمه می‌زد».

ناظمی که بر اساس علاقه شخصی‌اش به مورویا و توصیه قیصریه به ترجمه مجموعه آثار این نویسنده مشغول است، انتشار مجموعه داستان‌های ادبیات ایتالیایی را راهی در دست به کار کردن دانش‌آموخته‌های این شاخه از ادبیات می‌داند. او معتقد است: «اکنون باید به سراغ نویسندگان نسل جوان‌تر ایتالیا برویم. هنوز هم جادارد به نویسندگانی چون کالوینو، مورویا و بوتزاتی بپردازیم. اما مترجمان و مخاطبان ما با نویسندگان نسل جدید ایتالیا غریبه مانده‌اند و بهتر است از این پس به معرفی این نویسندگان بپردازیم».

این مترجم در بازخوردهایی که از خوانندگان این

مجموعه داشته، به این نتیجه رسیده است که ادبیات ایتالیایی در ایران علاقه‌مندان بسیاری دارد و علت آن نزدیکی فرهنگ ایرانی و ایتالیایی است. از سوی دیگر به دلیل استقبال مخاطبان کتاب از مجموعه داستان و مطالعه داستان‌های کوتاه، این کتاب‌ها توانسته‌اند توجه مخاطبان بسیاری را به خود جلب کنند.

اما مهرگان، از دیگر مترجمان این مجموعه که با انتشارات کتاب خورشید همکاری دارد، استقبال خوانندگان را از این کتاب‌ها بسیار گسترده و چشمگیر می‌خواند. به باور او، افرادی که کتاب‌های مجموعه ادبیات ایتالیا را دنبال کرده‌اند، اکنون به دلخواه خود به دنبال آثار جدید دیگری از این نویسندگان، گویی نمی‌خواهند هیچ داستانی را در این مجموعه از دست بدهند.

این مترجم دلیل استقبال خوانندگان را از این مجموعه زبان امروزی این آثار می‌داند و می‌گوید: «بیش‌تر کتاب‌های این حوزه زبانی قدیمی داشتند و سبب می‌شدند نویسندگان جوان در رویارویی با این کتاب‌ها دچار مشکل شوند».

البته مهرگان معتقد است در ترجمه، هر مترجمی الگوی ترجمه، ذخیره لغات و زبان ویژه خودش را دارد و نمی‌توان الگویی را برای ترجمه یکسان در نظر گرفت، اما می‌توان بر اساس معیارهایی در یک مجموعه به زبانی یکدست رسید. این مترجم هر برهه‌ای از زمان را مختص به یک مجموعه آثار می‌داند که به نظر او، زمان حاضر، زمان ادبیات ایتالیایی است. از سوی دیگر کتاب‌های ادبیات ایتالیایی و اتفاقاتی که در آنها رخ می‌دهند، به نوعی زمان حال ما را پوشش می‌دهد و به جذابیت این کتاب‌ها کمک شایانی می‌کند.

وی کتاب «سوداگری در ساخت و ساز» را مثال خوبی در این زمینه می‌داند؛ کتابی که به خوبی اتفاقات ۶۰ سال پیش ایتالیا را برای خواننده ایرانی امروز به صورتی واقعی تداعی می‌کند.

اقدام انتشارات کتاب خورشید در انتشار رشته و حوزه‌ای خاص از ادبیات جهان به صورت یک مجموعه واحد، اقدامی است که در ایران کمتر اتفاق افتاده است چراکه معمولاً آثار نویسندگان خارجی، به صورت پراکنده توسط ناشران مختلف و گاه با چند ترجمه متفاوت در ایران منتشر می‌شوند و ترجمه کتاب‌ها از زبان‌های واسطه رونق دارد.

منتشر می‌شد و گزیده‌ای از آنها به صورت کتاب نیز به چاپ رسید. به گفته «شرکا» وجه سینمایی دوم مورویا در مقام فیلمنامه‌نویس است و سومین بعد حیات سینمایی مورویا در مقام نویسنده‌ای است که بیشترین اقتباس‌های سینمایی از آثارش صورت گرفته، وی فیلم‌هایی نظیر دوزن (وینتوریو دسیکا-۱۹۶۱)، ملا (دامیانو دامیانی-۱۹۶۴)، تحقیر (ژان لوک گدار-۱۹۶۳)، دنباله‌رو (برناردو برتولوچی-۱۹۷۰) را شاهکارهایی در تاریخ سینما دانست که با اقتباس از آثار مورویا ساخته شده‌اند.

رضا قیصریه، همان مترجمی که سال ۱۳۸۶ انتشار ترجمه‌اش از «داستان‌های رومی» موجب شد مورویا دوباره شناخته شود و تا امروز ۱۰ کتاب دیگر از او ترجمه شود، درباره مورویا و استقبال کتابخوان‌های امروز ایران از این نویسنده می‌گوید: «اگر از خودمان بپرسیم چطور داستان‌های این قصه‌گوی ایتالیایی برای چند نسل از فارسی‌خوان‌ها مقبول افتاد و دست‌آخر چطور شد که نسل جوان امروزی بیشتر از نسل قبلی به موشکافی در داستان‌های مورویا پرداخت، به یک پاسخ واضح می‌رسیم. ما «قصه» دوست داریم و مورویا نیازمان را برآورده می‌کند. نسل امروزی ما از فلسفه‌بافی گریزان است و «داستان برای داستان» را بیشتر از داستان برای مثلاً سیاست می‌پسندد. مصداقش هم این است که ترجمه من از «داستان‌های رومی» مورویا نخستین بار در سال ۶۲ چاپ شد و ۱۶ سال بعد توسط ناشر دیگری به بازار آمد اما سال ۸۶ وقتی چاپ جدیدی از آن توسط نشر کتاب خورشید با رنگ و رویی متفاوت منتشر شد، گویا کتاب جدیدی به بازار آمده باشد، دوباره چنان توجهی جلب کرد که برای خودم حیرت‌آور بود».

قرار بدهد. تنها وظیفه او این است که شخصیت‌هایی زنده خلق کند. بله، دلم می‌خواهد خودم را بیان کنم و تصادفاً برای بیان خودم به نوشتن روی آورده‌ام. این جملات را یک نویسنده ایتالیایی به نام آلبرتو مورویا، حدود ۴۰ سال پیش در معرفی خودش به یک خبرنگار گفته است.

این نویسنده ایتالیایی تا اواخر قرن بیستم به مدت ۸۳ سال زندگی کرد و در این عمر طولانی بیش از ۴۰ رمان، مجموعه داستان کوتاه، نمایشنامه، مقاله و فیلم مستند خلق کرد. بعضی افراد مورویا را پیش‌تاز ادبیات قرن ۲۰ ایتالیا می‌دانند. پائولو پازولینی، نویسنده و فیلمساز ایتالیایی در مورد او گفته: «مورویا فرهیخته‌ترین نویسنده تاریخ ایتالیا است».

این نویسنده از یک ربع قرن پیش با چند ترجمه مختلف در ایران شناخته شده است اما دو سال پیش تجدید چاپ یکی از مجموعه داستان‌های معروف او (داستان‌های رومی) با نام «من که حرفی ندارم» و انتشار جلد دوم از همان مجموعه با عنوان «آدم بدشانس» نسل جوان‌تر کتابخوان‌ها را با مورویا آشنا کرد. مرداد سال گذشته جلسه نقدی بر آثار او با حضور سفیر ایتالیا در ایران برگزار شد. در این مراسم برخی از مترجمان و صاحب‌نظران به همراه سفیر ایتالیا، در مورد مورویا سخنرانی کردند. یکی از این صاحب‌نظران آنتونیو شرکا، پژوهشگر و منتقد ایتالیایی بود که در این مراسم فعالیت‌های سینمایی مورویا را از سه منظر مختلف بررسی کرد.

این پژوهشگر درباره آثار سینمایی این نویسنده گفت: «رابطه مورویا با سینما را می‌توان از سه نظر بررسی کرد. نخست مورویا در مقام منتقد سینمایی. نگاه کاوشگر، نقاد و در عین حال نقدپذیر از او تماشاگری حرفه‌ای و صاحب‌نظر می‌سازد. نقد‌های او در نشریات معتبر ایتالیایی

## دل‌تنگی برای مورویا پس از یک قرن

صد سال از تولد نویسنده‌ای به نام مورویا می‌گذرد. او زمانی که زنده بود، دو بار به ایران آمد و حتی در مقاله‌ای انقلاب ایران را پیش‌بینی کرد. در آن زمان کسی در ایران او را نمی‌شناخت، اما حالا بازار کتاب ایران انتظار پنج کتاب جدید از آلبرتو مورویا را می‌کشد.

در سه سال اخیر یعنی از آغاز سال ۱۳۸۶ تا امروز، ۱۱ کتاب از مورویا به فارسی ترجمه شده است. در حالی که از سال ۱۳۶۴ که نخستین ترجمه فارسی از آثار این نویسنده انجام شد، تنها سه کتاب از او به ایران رسیده است. در سال ۱۳۸۶ ترجمه رضا قیصریه از مجموعه «داستان‌های رومی» این نویسنده با نام «من که حرفی ندارم» توسط انتشارات کتاب خورشید به چاپ رسید و در این سه سال چند بار تجدید چاپ شد. شاید همین سرآغازی بود که ۱۰ کتاب دیگر از مورویا در سه سال به ایران برسد. حالا همان «داستان‌های رومی» که ترجمه قیصریه از قسمتی از آن منتشر شده بود، به جلد سوم رسیده است. «آدم بدشانس» و «یک چیز به هر حال یک چیز است» دومین و سومین جلد از این مجموعه‌اند.

«می‌نویسم چون از نوشتن لذت می‌برم و برای این که دیگران را هم سرگرم کنم. در همین جام‌تولد شدم؛ در ۲۸ نوامبر ۱۹۰۷ در رم. تحصیلات من در واقع صفر است. ۹ کلاس بیشتر درس نخواندم. به خاطر بیماری سل مجبور بودم مدام غیبت کنم. در مجموع بین ۹ سالگی و ۱۷ سالگی، یعنی تا سال ۱۹۲۴ دست کم پنج سالش را در بستر بیماری در تخت خواب گذراندم. به نظر من وظیفه نویسنده این نیست که کسی یا چیزی را مدام مورد انتقاد





مجید شفیعی، نویسنده کودک و نوجوان در قزوین به دنیا آمده، دوره کاردانی را در رشته مرمت آثار تاریخی گذرانده و کارشناس موزه داری است. «ماه پیشونی قصه ما»، «دعای درخت» و «فرشته های خیس» از جمله داستان های او هستند. شفیعی همچنین به بازنویسی افسانه ها و حکایات کهن هم پرداخته است و «حکایت طوطی نامه» و «حکایت خیره سران» از جمله این آثار هستند. با او به مناسبت انتشار آثار تازه اش، گفت و گو کرده ایم که در ادامه می خوانید:

گفت و گو با مجید شفیعی، نویسنده کودک و نوجوان:

## تفاوت ها را بپذیریم

چون نظامی به بازآفرینی داستان ها پرداخته است؛ به گونه ای که «شیرین» در شاهنامه، زنی است که با زهر هلاهل خودکشی می کند، اما نظامی او را زنی عقیق و پیرو موازین شرع و عرف معرفی کرده است. علاوه بر توجه به ادبیات کهن ایران زمین به افسانه ها و قصه ها هم توجه کرده ایم؟

در دنیا هیچ قوم و ملتی توان یافت که قصه دوست نداشته باشند. همه کودکان دنیا این گونه ادبی را دوست دارند، چنان که در دنیای مدرن امروز، افسانه های نو جای افسانه های کهن را گرفته اند. همچنین قصه ها و افسانه ها به خاطر پرورداری از زبانی ساده و صمیمی، کوتاه بودن متن، تخیل قوی و بی زمان و مکان بودن، جایگاه بسیار مهمی نزد کودکان و در آموزش آنان دارند و در روزگاری که پدر و مادرها، هر روز زمان کمتری را به گفت و گو با کودکان خود و قصه گویی برای آنها اختصاص می دهند توجه به قصه و به کارگیری آن در امور تربیتی و آموزشی به ویژه در مدارس ابتدایی مهم تر و ضروری تر از هر زمان دیگری به نظر می آید.

از سوی دیگر قصه ها و افسانه ها از آرزوها و خواسته های بشر سخن می گویند و به گونه ای ترجمان هستی هستند.

پس شما به خاصیت جبران کنندگی قصه ها باور دارید؟

انسان ها در روزگار گذشته، دلیل موجهی برای به کار بردن اساطیر داشته اند. اسطوره ها از ترس ها، نگرانی ها و آرزوهای بشر سخن گفته اند. برای مثال خورشید را از ارباب سواری دانسته اند که هر روز شرق به غرب عالم را می پیماید. یا آنچه بر دیواره غارها نقش بسته و شکار را تجسم می کند از یک سو، ترجمان روحی و روانی انسان گذشته است و از سوی دیگر تلاش او را برای رسیدن به هدف بازگو می کند.

در کارهای خود به نقد اساطیر و افسانه ها پرداخته اید. برای مثال «ماه پیشونی» قصه شما، بسیار متفاوت با آن چیزی است که در قصه ماه پیشانی وجود دارد؟

ماه پیشونی قصه من به یک آدم معمولی تبدیلی

می شود و از آن حالت اسطوره ای بیرون می آید. من در کارهایم به نقد اسطوره ها می پردازم. قهرمانان افسانه ها و قصه های شما از حالت تیپ خارج شده و به شخصیت نزدیک می شوند و مرز میان خیر و شر از میان می رود...

من دوست دارم همه چیز و همه کس را نسبی ببینم. این ویژگی ادبیات مدرن و پست مدرن است که انسان ها را از حالت تیپ خارج کرده و به شخصیت نزدیک می کند. دیگر زمان نوشتن قصه امیراسلان گذشته است. باید کودکان را با واقعیت آشنا کرد. نه سپید و نه سیاه؛ بلکه هم سپید و هم سیاه. ما زمانی می توانیم خوب زندگی کنیم که تفاوت ها و نسبت همه چیز را بپذیریم.

در «دعای درخت» پدر بچه کار خود در کارخانه را از دست داده یا در «فرشته های خیس» آدم هایی را تصویر کرده اید که در «قوئی کبریت» زندگی می کنند... آنچه به آن پرداخته شده، بیانگر زندگی واقعی آدم هاست. این موضوعات چطور به داستان شما راه پیدا کرده اند؟

به هر حال نمی توان شرایط زندگی امروز را نادیده گرفت. بیکاری و مشکلات اقتصادی چیزی نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت؛ چه اشکالی دارد کودکان با این مسائل آشنا شوند؟ در هر حال کوشیده ام بی طرفانه رفتار و داوری کنم. حتی در «فرشته های خیس» حاکمیت راوی در سایه قرار می گیرد.

حضور موسیقی و ساز، در دو کتاب «فرشته های خیس» و «دعای درخت» آشکار است. لطفا کمی در اینباره توضیح دهید.

من به شاعرانه دیدن جهان باور دارم. علاقه به موسیقی از کودکی تا به حال در من وجود داشته است. بسیاری از داستان هایی که در این دو کتاب آمده، تجربه های شخصی ام است.

توجه به طبیعت و عناصر آن از دیگر ویژگی های این دو کتاب است. توجه شما به طبیعت از چه روست؟

روزگاری انسان با طبیعت آمیخته بود. اما امروز ارزش طبیعت را فراموش کرده و حرمت آن را نادیده



گرفته اند. به عبارتی روزگاری بی واسطه با طبیعت ارتباط برقرار می کردند و امروز دوستی خود با آن را از یاد برده اند. اگر یادتان باشد روزی که در بم زلزله آمد، درختان آسیبی ندیدند. به گفته های دیگر، صدای «هستی» را نمی شنویم.

«باغ همه زبان ها را بلد است؛ زبان درختی، زبان برگ، زبان سبزه ای...» گاه به بیان شعرگونه روی آورده اید. این جنس بیان از چه روست؟

«فرشته های خیس» داستان است و ساختار داستانی دارد، اما بیانی که در این کتاب به آن پرداخته شده، ویژه کودکان است. کودکی که نمی تواند واقعیت و رویا را از هم جدا کند بنابراین گونه ای داستان شاعرانه در این کتاب آمده است.

ظاهراً قرار است سه گانه ای با عنوان «پهلوان گوردز» از شما منتشر شود. این کتاب هم گونه ای بازنویسی داستان های شاهنامه است؟

این مجموعه سه جلدی، به گونه ای بازآفرینی داستان های شاهنامه است. به این معنی که گوردز که شخصیت اصلی داستان های مرا تشکیل می دهد با پهلوان شاهنامه تفاوت بسیار دارد. در ضمن در این سه گانه به دوره زمانی حساسی توجه شده یعنی از پایان دوره حماسی شاهنامه که با مرگ رستم آغاز می شود تا پادشاهی بهمن، پسر اسفندیار. در حقیقت، من شاهنامه را بهانه قرار داده ام تا به بیان حرف های خود بپردازم. اگر چه از کودکی با این کتاب آشنا بوده ام و فکر می کنم شاهنامه سند ملی و شناسنامه ما ایرانیان است و ما ناچار از شناخت هویت و پیشینه تاریخی خود هستیم.

«افسانه پهلوان گوردز» در سه جلد با عناوین «پهلوان گوردز و دیو فراموشی»، «پهلوان گوردز و قالی پرنده» و «پهلوان گوردز و کابوس مرکب» از سوی انتشارات منادی تربیت منتشر می شود.

بیاموزند. کتاب «زیبا بنویسیم» هم یکی از کوشش هایی است که روش های دیگری بر روش های پیشین افزوده و کار را دلپذیرتر و آسان تر کرده است.

او مبنای آموزشی این کتاب را روش الگوبرداری می داند و می گوید: «در این کتاب تلاش کرده ایم تا اجرای حروف و اتصالات مطابق با اصول و قواعد خط نستعلیق باشد. زیر نمونه کمرنگ کلمات، سرمشق گذاشته شده تا توجه و تمرکز هنرآموز را جلب کند. از انحنای موجود در خط شکسته پرهیز شده و تکلیف رونویسی و خوشنویسی براساس متن کتاب درسی فارسی است.»

تبریزی گمان می کند آموزش دلپذیر خط نستعلیق، زمانی قوت می گیرد که اولیا و مربیان توجهی بیش از پیش به خط و طرز نوشتن فرزندان و دانش آموزان خود داشته باشند، اسباب بدخطی را کنار بگذارند و به دانش آموزان هم سفارش کنند تا از مدادهای ارزان نویس هایی استفاده کنند که نوشتن با آنها مستلزم فشار دادن بیش از حد نیست.

او به اهمیت نقش معلمان در آموزش خط نستعلیق اشاره می کند و می گوید: «معلمان خوش خط که انسی با نوشتن دارند، تعلیمشان موثر و کارآمد است. معلمان دیگری که بهره اندکی از خوشنویسی دارند، می توانند خط نستعلیق را بیاموزند و دانش آموزان را به نوشتن با خطی خوش و چشم نواز تشویق کنند.»

او معتقد است که ساخت یک اثر دارای ثمرات فراوانی برای دانش آموزان و حتی آموزگاران در کلاس است و موجب ایجاد و تقویت روحیه همکاری، دوستی، شادی، نشاط و شکوفایی خلاقیت در آنها می شود. تبریزی در پاسخ به این که مربیان و آموزگاران ما تا چه اندازه با این کتاب آشنا هستند و چگونه می توان آنها را با آنچه در این کتاب آموزش داده شده آشنا کرد؟ می گوید: «کسانی که دوست دارند از مجموعه «هنر دبستان» بهره بیشتری ببرند، می توانند از کتاب «هنر معلمان» که دربرگیرنده دستورالعمل های آموزشی و علمی برای اجرای بهتر پروژه های کتاب است، استفاده کنند.»

در این کتاب از ابزارهایی برای آموزش هنر بهره گرفته شده که دسترسی به آن از هر لحاظ برای دانش آموزان، در هر جای ایران که باشند، آسان است. و اما مجموعه پنج جلدی «زیبا بنویسیم» که براساس کتاب های «بخوانیم و بنویسیم» گردآوری و در بیش از ۱۰۰ مدرسه چون البرز، رازی، توحید، نورعلم، درخشان، شاهد تجلی، تزکیه، جنت، ناصر ترابی، نور ایمان، ارس و... تدریس شده، می کوشد تا دانش آموزان را با خط تحریری آشنا کند.

رضا تبریزی، نستعلیق را عروس خطوط اسلامی می داند و می گوید: «استادان کارآموده بسیاری با شیوه های مختلف کوشیده اند تا مخاطبان خود را با این خط دل انگیز آشنا کنند و کاربرد آن را به آنها

در گفت و گو با رضا تبریزی عنوان شد

هنر، خلاقیت کودکان را افزایش می دهد

«کتاب هنر چهارم و پنجم دبستان» و «زیبا بنویسیم» عنوان دو کتاب کمک آموزشی از رضا تبریزی (وحید) است که از سوی انتشارات قدیانی منتشر شده و در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

رضا تبریزی در این کتاب با همکاری سورین دانش منش و آفرین علمداری به آموزش تصویری هنر پرداخته است. تبریزی پیش از این، مجموعه های آموزش خط تحریری با عنوان «زیبا بنویسیم» را در هشت جلد و «از حرف تا سطر» را در چهار جلد منتشر کرده و برآن بوده تا علاقه مندان را با خط زیبا و نیکو آشنا کند.

تبریزی براین باور است که در بیشتر سیستم های آموزشی موفق دنیا، از درس هنر به عنوان دریچه ای برای ورود کودکان به دنیای خلاقیت و پیش نیازی برای آموزش دروس پایه مثل ریاضیات، علوم تجربی و ادبیات استفاده می شود و جای خالی درس هنر در کلاس های درس رسمی دوره دبستان، کاملاً محسوس است.

از دیدگاه تبریزی، ورود دوباره درس هنر همراه با کتاب های «هنر دبستان»، نویدبخش خداحافظی با برنامه های آموزشی نتیجه گرا و کلاس های درس خشک و بی روح و فاقد خلاقیت است.

به استقبال از بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

# هیاهوی آماده سازی در سکوتی دلنشین

راهروهای اصلی، غرفه های گوناگون، جایگاه های اطلاع رسانی و... همراه با اطلاعات مربوط به ناشران و کتاب های گوناگونی که در این دوره از نمایشگاه عرضه می شوند، زمینه حضور آگاهانه بازدیدکنندگان را از نقاط گوناگون به این نمایشگاه بین المللی کتاب فراهم خواهد ساخت.

وی در پایان اظهار می دارد: «با وجود آن که مصلای بزرگ امام خمینی (ره) در یکی از مناطق سرسبز واقع شده، اما محوطه داخلی نمایشگاه از این فضا بی بهره مانده است، لذا تصمیم داریم از طریق مذاکراتی با واحد زیباسازی شهرداری تهران، علاوه بر وسعت فضای سبز داخل نمایشگاه، زمینه های ایجاد تبلیغات داخلی، صفحات نمایشگر و تابلوهای بزرگ تبلیغاتی خارج از نمایشگاه را توسعه دهیم.»

بخش اطلاع رسانی و روابط عمومی، از دیگر قسمت های اصلی طرحی بزرگ در ابعاد نمایشگاه است که توجه ویژه ای را می طلبد، چرا که هر برنامه ای هر قدر هم که خوب و با شایستگی صورت گیرد، اما اگر مخاطبان اصلی خود را آگاه نسازد و گروه های هدف نتوانند از آن به درستی استفاده کنند، نتیجه بخش نخواهد بود.

سید سعید میرمحمد صادق مدیر روابط عمومی و تبلیغات نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، فعالیت های این بخش را درون سازمانی می داند و با اشاره به اقداماتی که در این دوره در راستای گسترش اطلاع رسانی قرار است صورت بگیرد، می گوید: «برای تحقق این هدف و هر چه با شکوه تر برگزار شدن نمایشگاه بیست و سوم، درصددیم با تکیه بر نقاط قوت و الگو برداری از شیوه های اتخاذ شده، نقاط ضعف قبلی را کم رنگ تر یا برطرف سازیم.»

وی با بیان این که چند نشان (لوگو) برای نمایشگاه سال ۸۹ طراحی شده است، بیان می دارد: «هنوز لوگوی اصلی نمایشگاه مشخص نشده است. در زمینه اطلاع رسانی نیز می خواهیم برنامه های نرم افزاری اطلاع رسانی این دوره را به گونه ای طراحی کنیم که با جابه جایی غرفه ناشران یا دیگر تغییراتی از این قبیل، خللی در اطلاعات ایجاد نشود و مشخصات داده های جدید با سهولت و سرعت بیشتری در اختیار مراجعان و علاقه مندان قرار بگیرد.»

میرمحمد صادق، اطلاع رسانی درباره بخش های گوناگون و داخلی نمایشگاه را در حیطه فعالیت بخش رفاهی می داند و عنوان می کند: «با این وجود، حتی اطلاعات جزئی بخش های گوناگون رفاهی و خدماتی نمایشگاه را در تابلوهای گوناگون منعکس خواهیم کرد، اما وسعت نمایشگاه و این که مراجعان از ورودی های گوناگونی به محوطه اصلی می آیند، در بسیاری از موارد آنها را با سردرگمی هایی مواجه می کند و اطلاع رسانی در این زمینه را با دشواری هایی همراه می سازد.»

وی می افزاید: «حدود یک ماه قبل از برگزاری نمایشگاه، تمام نقاط را شناسایی و تابلوهای راهنما را به گونه ای طراحی می کنیم که بازدیدکننده کاملاً نا آشنا به این محیط نیز بتواند نیازهای خود را تأمین کند. از فروردین ماه نیز بخش برون سازمانی هماهنگی هایی را با رسانه های گوناگون انجام می دهد.»

او نیز بهترین شیوه اطلاع رسانی و استفاده از فضاها و خدمات داخلی نمایشگاه را طراحی نمونه مجازی این فضا در اینترنت می داند و می گوید: «با استفاده از این امکان، فرصت برنامه ریزی قبلی برای صرفه جویی در زمان و استفاده مفید از تمامی خدمات برای مراجعانی که از نقاط دور و نزدیک به این نمایشگاه می آیند، فراهم می شود.»



این دوره اند. تمامی این موارد برنامه ریزی کامل تری را نیاز دارند، با وجود این که امسال شاید فضای محدودتری را در اختیار داشته باشیم.»

وی با اشاره به این که در دوره گذشته نیز خدمات رفاهی مناسبی در نظر گرفته شد، وسعت و نحوه اطلاع رسانی ها را کمتر از حدی می داند که انتظار می رفت و یادآور می شود: «حیف است که تلاش های خوبی برای رفاه مراجعان به نمایشگاه کتاب صورت بگیرد، اما آنان به دلیل اطلاعات ناکافی از این امکانات بهره مند نشوند.»

در دوره قبل، تمامی امکانات موجود در نمایشگاه، علاوه بر تابلوها، در نقشه هایی که در مجاورت ورودی نمایشگاه به بازدیدکنندگان ارائه می شد، وجود داشتند، اما اقداماتی در این وسعت نیازمند اطلاع رسانی و آگاهی بخشی های وسیع تری اند که شاید تنها از طریق مراجعه حضوری در فضایی به اندازه نمایشگاه امکان پذیر نباشد.

وی با اشاره به این که برای نمایشگاه بیست و سوم هم نظیر سال گذشته مکانی با هدف اسکان و استقرار دانشجویان و مسافران شهرستانی در نظر گرفته می شود، می گوید: «در نظر داریم مانند سال قبل از فضای حرم مطهر امام خمینی (ره) برای این اسکان استفاده کنیم تا زمانی که مسافران با وسایل نقلیه به تهران وارد شوند، زمینه های ترافیک و ازدحام را در حد امکان کاهش دهیم تا آنها پس از استقرار در تهران، به بازدید نمایشگاه بیایند و پس از آن، مسافرت خود را به پایان برسانند.»

صفری، ایجاد و توسعه پایانه اتوبوس های داخلی (شهری) در نزدیکی فضای نمایشگاه را از دیگر تسهیلاتی می داند که نگاه ویژه ای در برپایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران به آن خواهد شد. وی در این مورد می گوید: «این اتوبوس ها زمینه انتقال سریع و راحت علاقه مندان از میدان های اصلی شهر را به نمایشگاه و مسیر بازگشت آنها فراهم خواهند کرد.»

وی با بیان این که اکنون گزینه ای بهتر از مصلای برای برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران وجود ندارد، می گوید: «امیدواریم فضای بهتری برای این کار ایجاد شود، اما در شرایط فعلی، یکی از کارهایی که می تواند با تخصیص کمترین زمان، بیشترین اطلاعات را در اختیار بازدیدکنندگان، قبل از ورود به محل برگزاری نمایشگاه قرار دهد، ایجاد نسخه مجازی این نمایشگاه با تمام جزئیات آن در اینترنت و پایگاه های اطلاع رسانی است چرا که استفاده از شبیه سازی مدل اصلی نمایشگاه با تمامی ریز اطلاعات آن؛ اعم از

شود که امیدواریم با تعاملاتی که در حال شکل گیری اند، این مشکلات به حداقل رسد. یکی از این تغییرات، مربوط به پارکینگ بزرگی می شود که سال قبل برای استقرار کیوسک های خدماتی از آن استفاده می کردیم، اما اکنون در آن فضا سوله ساخته شده است. همچنین برای استحکام و تقویت بنای رواق های شرقی و غربی، فعالیت هایی در دست اقدامند که باید برای استفاده از این مکان ها یا انتقال فعالیت آن بخش ها به سایر قسمت های مصلای، برنامه ریزی هایی انجام شود. لذا استفاده از رواق شرقی همچنان جزو اولویت ها و در دستور کاری کمیته اجرایی نمایشگاه قرار دارد.»

برپایی نمایشگاه های گوناگون در مصلای نظیر نمایشگاه قرآنی، این تصور را ایجاد می کند که این فضا همواره آمادگی پذیرش حجم وسیعی از مراجعان را در قالب برنامه های گسترده دارد، اما کارشناسان و دست اندرکاران این نمایشگاه آرای متفاوتی دارند.

صفری درباره تاثیر برگزاری نمایشگاه های دیگر بر آماده سازی فضای مصلای امام خمینی (ره) برای برپایی نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، معتقد است: «به صورت دقیق نمی توانیم بگوییم که برپایی نمایشگاه های دیگر در آماده سازی فضا برای برگزاری نمایشگاه کتاب تاثیر گذار باشد، چرا که تنها نمایشگاه کتاب در چنین حجم و وسعتی برپا می شود و سایر نمایشگاه ها تنها به فضای شیبستان محدود می شوند.»

وی با تاکید بر این که سال گذشته، نمایشگاه به لحاظ ممانعت از نفوذ باران، به بهترین نحو برگزار شد، درباره مشکلاتی که دوره قبل برخی از ناشران عربی به دلیل بارش باران در این بخش داشتند، بیان می کند: «امسال به دلیل برخی از تغییرات و این که در فضای رواق شرقی مصلای فعالیت های کارگاهی صورت می گیرد و امکان انجام کارهای دائم در آنجا وجود ندارد، مجبور به انجام کارهای موقتیم که به یقین کفاف تمامی مشکلات را نمی دهد.»

مدیر اجرایی نمایشگاه بین المللی کتاب تهران درباره خدمات رفاهی و ارتقای سطح خدمات عمومی می گوید: «در نمایشگاه بیست و سوم نیز قصد داریم نظیر دوره قبل، مبلان شهری، استراحتگاه های داخل و خارج از محیط نمایشگاه، ایستگاه های امانات و ایجاد مهد کودک را در وسعت بیشتری افزایش دهیم. در این باره بهزیستی در حمل و نقل افراد کم توان جسمی، حرکتی نیز همکاری دارد. ارتقای ظرفیت های حمل و نقل داخلی نمایشگاه (اختصاص خودروهایی برای انتقال مراجعان از درهای اصلی متروهای شهید بهشتی و رسالت به محوطه اصلی) از دیگر برنامه های

نمایشگاه بین المللی کتاب تهران به عنوان بزرگ ترین رویداد فرهنگی سال، بیشتر از همه برای آنانی ارزشمند است که کتاب را درک کرده اند و بوی صفحات آن را دلنشین ترین رایحه می دانند، کسانی که خواندن چند سطر از کتاب را به دیگر لذت های مادی نمی بخشند. نمایشگاه بیست و سوم هم در راه است!

بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب نیز مانند دیگر رویدادهایی که سالگردشان را غنیمت می شماریم، به سرعت فرا می رسد، شاید سریع تر از زمانی که فرصت خواندن تمامی کتاب هایی را که سال گذشته با شور و شوق خریدیم داشته باشیم.

سال آینده نیز مصلای امام خمینی (ره) پذیرای نمایشگاه بین المللی کتاب و دوستداران این کالای فرهنگی خواهد بود. میزبانان این خوان گسترده معنوی، مدتی است به فراهم آوردن امکانات پذیرایی مناسب می اندیشند و از حوزه اندیشه پا را فراتر و به حوزه عمل گام نهاده اند.

حسین صفری، مدیر اجرایی نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، درباره آماده سازی فضای مصلای بزرگ امام خمینی (ره) برای برگزاری نمایشگاه بیست و سوم اظهار می کند: «هنوز نسبت به سال گذشته تغییرات خاصی انجام نشده است، اما می کوشیم از طریق برقراری تعامل هایی با سایر نهادهای وابسته و استفاده از تمامی ظرفیت ها، امکانات مناسبی را برای حضور مردم فراهم آوریم.»

وی با اشاره به تعاملاتی که با مجری اصلی طرح مصلای (مجری طرح سازمان مسکن و شهرسازی) که بهره برداری از این طرح را برعهده دارد و همچنین مدیر مصلای بزرگ امام خمینی (ره) انجام شده است، می گوید: «تجارب نمایشگاه های قبلی، آگاهی از نیاز مخاطبان و حاضران در این عرصه و مقدار فضای لازم برای نمایشگاه، موجب شد که به موارد خاصی در این باره توجه کنیم از این رو اکنون نیازهای این طرح بزرگ را می دانیم و می کوشیم با همکاری سایر متولیان، زمینه های حضوری موفق را فراهم کنیم.»

صفری با اشاره به همکاری های همه جانبه کمیسیون فرهنگی، اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران، عنوان می کند: «در این طرح تعدادی کمیته اصلی با عنوان «کمیته خدمات عمرانی»، «کمیته حمل و نقل و ترافیک» و «کمیته ایمنی» با برنامه هایی مشخص در قالب سند اجرایی از پیش تعیین شده، فعالیت دارند. در این باره سازمان های تاکسیرانی، مترو، معاونت ترافیک همراه با سازمان زیباسازی، فضای سبز و سازمان پارک ها و شهرداری منطقه هفت شهرداری با تمام توان برای هر چه بهتر برپا شدن این نمایشگاه همکاری دارند. کمیته ایمنی نیز از طریق ستاد پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران مسوولیت های این حوزه را برعهده خواهد داشت.»

طی جلساتی که سیر برگزاری آنها از دو ماه پیش آغاز شده، رایزنی هایی با مسوولان بخش ها و نهادهای مرتبط صورت گرفته است که از آن میان می توان به پیگیری امور مربوط به تأسیسات نمایشگاه، هماهنگی با اداره برق و هماهنگی با مخابرات برای استفاده از دستگاه های کارتخوانی که سال قبل نیز مورد استفاده واقع شدند، اشاره کرد. در این میان، افزایش خدمات عمومی و رفاهی همواره از نکاتی اند که متولیان و برگزارکنندگان نمایشگاه به آن توجه خاصی دارند.

مدیر اجرایی نمایشگاه بین المللی کتاب تهران می افزاید: «به دلیل ساخت و سازهایی که در فضای مصلای در حال انجام است، شاید شکل برگزاری نمایشگاه سال ۸۹ با تغییراتی نسبت به سال قبل مواجه





نمایشگاه کتاب استان هرمزگان با استقبال چشمگیر همراه بود

# مهم ترین رویداد فرهنگی بندرعباس

استان هرمزگان و شهر بندرعباس در آخرین روزهای دی ماه، برای سومین سال متوالی و البته برای هفتمین بار، پذیرای ناشران سراسر کشور شد. در نمایشگاه استانی کتاب امسال بندرعباس، رکورد حضور ناشران در نمایشگاههای کتاب این استان شکسته شد تا علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی در این خطه از کشور شاهد حضور بیش از ۷۰۰ ناشر در کنار هم باشند.

سال گذشته، همزمان با برگزاری ششمین نمایشگاه استانی کتاب هرمزگان که به علت محدودیتهایی امکان حضور تنها ۳۰۰ ناشر در آن فراهم شده بود، استاندار وقت مطرح کرد که نمایشگاه بعدی کتاب هرمزگان در محل نمایشگاههای استان برگزار شود که خوشبختانه با همت مسوولان استان این وعده محقق شد و هفتمین نمایشگاه کتاب هرمزگان در فضایی کاملاً مناسب و مطلوب برگزار شد تا شاهد حضور حداکثری ناشران سراسر کشور باشیم.

شکل گیری نمایشگاه کتاب در محل نمایشگاههای استان با افتتاح این محل مصادف شد و مسوولان اجرایی استان، آن را اتفاقی جالب در عرصه توسعه فعالیتهای فرهنگی و البته اقتصادی هرمزگان دانستند. در نمایشگاه امسال استان هرمزگان که یکصد و پنجاه و هفتمین نمایشگاه استانی بود، با توجه به وسعت فضای موجود، بیش از ۳۰۰ غرفه برای حضور بالغ بر ۶۰۰ ناشر فراهم شد تا این نمایشگاه نیز در کنار نمایشگاه کتاب استانی نظیر آذربایجان شرقی، شیراز، اصفهان و کرمان به عنوان یکی دیگر از نمایشگاههای بزرگ و پرمخاطب استانی معرفی و شناخته شود.

نمایشگاه کتاب امسال استان هرمزگان از ۲۴ دی ماه به مدت یک هفته برپا بود و مهمترین فعالیت فرهنگی

استان معرفی شد. در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه اغلب مسوولان اجرایی و فرهنگی استان حضور داشتند. در این مراسم، دکتر محسن پرویز معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و احسان الله حاجتی، مدیرعامل موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران، مانند اغلب نمایشگاههای کتاب برگزار شده طی چهار سال اخیر حضور داشتند. البته همزمان با برگزاری نمایشگاه هرمزگان، حمید قبادی، معاون اجرایی و محمود سالاری، مدیر کمیته ناشران داخلی نمایشگاه بین المللی کتاب تهران نیز حضور داشتند.

## یاد یار مهربان به بندر آمد

در مراسم افتتاحیه هفتمین نمایشگاه کتاب هرمزگان دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، گفت: «تصور می کنم روند رو به رشد فرهنگی استان با نگاه مثبت استاندار ادامه خواهد داشت.»

وی گفت: «ما با همه ۳۰ استان کشور قرارداد و تفاهمنامه منعقد کرده ایم که نمایشگاه کتاب برگزار کنیم و این آمادگی در وزارتخانه نیز وجود دارد، اما بعضی از استانها همت کمتری داشتند و این اتفاق در آن استانها رخ نداد. وقتی مسوولان یک استان فعالند و با قوت عمل می کنند، آنجا کار به ثمر می رسد که نمونه موفق آن، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان است.»

دکتر پرویز در ادامه گفت: «در صد دیدیم شرایطی فراهم شود تا هیچ نویسنده استانی و صاحب ذوق و استعدادی به دلیل کمبود امکانات، از انتشار اثرش باز نماند.»

وی در خاتمه این نوید را داد که با موافقت و مساعدت استانداری، نمایشگاه یاد یار مهربان تا پایان

سال در استان برگزار شود تا کتابخانه های مدارس استان نیز تجهیز و تقویت شوند.

## جشن کتاب در بندرعباس

در مراسم افتتاحیه، همایون امیرزاده، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان، ضمن ابراز خوشحالی از برگزاری جشن بزرگ کتاب گفت: «امروز نقش و جایگاه کتاب با وجود مطالعه در دنیای مجازی هنوز محبوبیت خودش را حفظ کرده و یار مهربان ما بوده است و خواهد بود.»

امیرزاده گفت: «در طول ۳۰ سال پس از انقلاب، هفت نمایشگاه در هرمزگان برگزار شد، به نحوی که در طول ۲۷ سال تنها چهار نمایشگاه و در مدت سه سال اخیر نیز سه نمایشگاه شکل گرفت. این حرکت نشان دهنده توجه عمیق متولیان فرهنگی به این حوزه است و امیدواریم این حرکت ارزشمند استمرار داشته باشد.»

وی افزود: «این نمایشگاه، بزرگ ترین نمایشگاه کتابی است که در هرمزگان دایر شده است. وجود ۴۰۰ غرفه و بیش از ۷۰۰ ناشر و نمایندگی و ۶۰ هزار عنوان کتاب با موضوعات متنوع، از ویژگیهای منحصر به فرد نمایشگاه امسال است.»

وی گفت: «از دیگر اقدامات قابل توجه در حوزه کتاب در این استان، افزایش معدل تولید کتاب است. در سال ۸۳ تنها ۱۷ عنوان کتاب در استان هرمزگان به چاپ رسید اما سال گذشته این رقم به ۴۴ عنوان رسید و امسال تاکنون ۵۴ عنوان کتاب توسط مولفان استان به چاپ رسیده که این موضوع از عطش نوشتن و انتشار کتاب خبر می دهد.»

امیرزاده گفت: «اگر نظیر این نمایشگاهها برگزار نمی شد، چنین معدلی به دست نمی آمد. خوشبختانه

## گفت و گو با چند ناشر هرمزگانی به مناسبت برپایی نمایشگاه کتاب

### نمایشگاه استانی، کتاب را همگانی می کند

عرصه نشر بازدهی اقتصادی ندارد و از روی علاقه به این کار مشغول است گفت: «با توجه به آن که هزینه چاپ و نشر و ارتباط گرفتن با ناشران قم و تهران برای تولید کتاب ارزان تر از دیگر شهرها تمام می شود بنابراین مجبوریم با پایین آوردن دستمزدها و هزینه ها بتوانیم با مولفان و نویسندگان استان همکاری داشته باشیم که محصل این مدت فعالیت در عرصه نشر ۲۸ عنوان کتاب بوده است.»

## مدیر نشر پاپیروس:

### اقتصاد نشر در شهرستانها ضعیف است

پاپیروس عنوان یکی دیگر از انتشاراتی های بندرعباس و شاید بتوان گفت جوان ترین نشر استان هرمزگان است. چرا که پاپیروس با عنوان یک انتشاراتی فعالیت خود را از سال ۸۸ آغاز کرده است و در همین مدت دو عنوان کتاب منتشر کرده است. البته نام پاپیروس به عنوان یک کتابفروشی برای بسیاری از علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی در بندرعباس آشناست.

محسن مهربانی، مدیرمسئول نشر پاپیروس که سالهای متمادی در عرصه فروش کتاب فعال بوده و هست درباره گرایش به حوزه نشر کتاب گفت: «شش، هفت سالی می شود که به کار کتابفروشی مشغولم و به نوعی توانسته ام در این حوزه موفق عمل کنم. با توجه به شناختی که از حوزه کتاب پیدا کردم و از آنجایی که کمبود ناشر در استان بسیار ملموس است به این فکر افتادم که نشر پاپیروس را

دارد، اما از آنجا که مقوله نشر در استان با کمبودها و محدودیت هایی مواجه است، بالطبع برخی از آنها از تالیف کتاب و آثارشان صرف نظر می کنند.»

وی افزود: «مهم ترین نکته در زمینه چاپ کتاب در هرمزگان، نبود چاپخانه و لیتوگرافی است و همین موضوع باعث شده ناشران محدود استان نیز نتوانند آنگونه که باید فعال باشند.»

مترجم کتاب های «توپ شگفت انگیز»، «ورود سیاهان ممنوع» و «واژه های خندان» معتقد است برای توسعه چاپ و نشر و همچنین حمایت از مولفان شهرستانها که برخی از آنها پدید آورنده آثار بومی و بکر هستند می بایست تمهیدات متفاوت و امکانات ویژه ای فراهم شود. وی در بخش دیگری از صحبت های خود به برگزاری نمایشگاه کتاب اشاره کرد و گفت: «نمایشگاه های کتاب فرصت مناسبی برای مردم و آشنایی آنها با هزاران عنوان کتاب از چند صد ناشر است و البته ناشران نیز از فرصت فراهم شده استفاده می کنند تا به وضعیت اقتصادی خود نفس تازه ای بدهند.» اقتدار شهیدی در بخش دیگری از صحبت هایش به معطل شدن برخی آثار برای گرفتن مجوز اشاره کرد و گفت: «گاهی اوقات تا یک سال و نیم منتظر اخذ مجوز مانده ایم که امیدوارم با گسترش فعالیت های مرتبط با کتاب و کتابخوانی و برگزاری نمایشگاهها شاهد برطرف شدن مشکلات اینچنین نیز باشیم.»

وی ضمن اشاره به این مطلب که فعالیت در



اکنون نهضت اهدای کتاب در استان را شاهدیم. در سال ۸۳، تعداد ۲۰ هزار جلد کتاب به استان اهدا شد و این استان در سال ۸۶ از این نظر استان برتر کشور شناخته شد و بیشترین کتابها از طرف معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به استان هرمزگان اختصاص یافت.»

وی گفت: «توسعه فضاهای کتابخانه ای از ۱۷ هزار متر مربع در سال ۸۳ به ۲۷ هزار متر مربع و افزایش تعداد کتابخانه ها و کتابها نیز نکته قابل توجه دیگری است که میتوان به آنها اشاره کرد.»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان در بخش دیگری از سخنانش به موضوع راه اندازی کتابخانه های سلامت، طرح سنجش آماری کتابخانه ها و ایجاد کتابخانه های باز در استان هرمزگان و توسعه آن در سراسر کشور اشاره کرد و در خاتمه از حضور همه کسانی که دل در گرو فرهنگ مملکت و آبادانی و سرفرازی ایران اسلامی دارند تقدیر و تشکر کرد.»

در این مراسم حسین هاشمی تختی، استاندار هرمزگان، گفت: «برگزاری نمایشگاه کتاب در این استان ابتکار خوبی است و می تواند به نیاز فکری و روحی جامعه پاسخ بدهد.»

نیز راه اندازی کنیم.» مهربانی که مهم ترین علاقه مندی اش را مقوله کتاب و کتابخوانی می داند گفت: «کار کتابفروشی و هر فعالیت وابسته به کتاب نیازمند عشق و علاقه است، خصوصاً این که در شهرستانها به علت محدود بودن امکانات و مخاطب نمی توان به ماجرا نگاهی اقتصادی داشت.» مدیرمسئول نشر تازه تاسیس پاپیروس که امیدوار است بتواند کتابهایی را در زمینه های مختلف و از تالیفات نویسندگان هرمزگان روانه بازار کند گفت: «در استان ما جوانان مستعد فراوانی وجود دارند که باید دست آنها را گرفت.» وی در ادامه صحبت هایش به برگزاری نمایشگاه کتاب و راه اندازی غرفه ای تحت عنوان غرفه مولفان استان اشاره کرد و گفت: «اگر به این غرفه مراجعه کنید با نام تعدادی از جوانان و نویسندگان استان آشنا می شوید که با فراهم شدن امکانات آثاری را تالیف خواهند کرد می توانند در کل کشور مورد توجه قرار بگیرند.»

مهربانی برگزاری نمایشگاه های کتاب را فرصتی برای توسعه کتابخوانی معرفی کرد و گفت: «البته این نمایشگاهها برای بالا بردن سطح توانایی نویسندگان و مولفان استان نیز مفید است، چرا که با کتاب های متنوع و جدیدی آشنا می شوند که باعث تلاش بیشتر آنها به نوشتن می شود و محصل این اتفاق برای ناشران استان نیز می تواند مفید باشد تا همراهی بیشتری با نویسندگان و آثار آنها را ایجاد کنند.»

مدیرمسئول نشر پاپیروس کنار هم قرار گرفتن چند صد ناشر در یک نمایشگاه را اتفاق موثری در رشد فرهنگ هرمزگان معرفی کرد و گفت: «امیدوارم هر سال در همین ایام چنین نمایشگاهی برگزار شود.»



کاوه رحمانی

سینما و ادبیات، دو دانشی اند که می‌توانند در عین ارتباط درونی با هم، کمک بسیاری نیز به همدیگر داشته باشند. با این همه، تحقیقات مکتوبی که در این عرصه به زبان فارسی منتشر شده، بسیار اندکند، در حالی که انتشار کتاب‌هایی از این دست بسیار می‌تواند برای سینمای ملی ما مفید باشد. به تازگی کتاب «سینما و روح بشر» تالیف ویلیام ایندیک و ترجمه ابوالحسن علوی طباطبایی منتشر شده که همین مضمون را در خود دارد. به همین بهانه گفت‌وگویی با مترجم کتاب انجام داده‌ایم که در ادامه می‌آید. علوی طباطبایی متولد سال ۱۳۲۴ و دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی و کارشناسی ارشد ارتباطات از دانشگاه لندن است. وی که هم اکنون در مقطع دکترای رشته مطالعات سینمایی به تحصیل مشغول است، ترجمه و تالیف‌هایی چون «محمد رسول الله (ص) و مبارزان مسلمان بر پرده سینما»، «هالیوود و فرجام جهان»، «افسانه سازان هولوکاست»، «از کابوس تا حماسه؛ جنگ و پیمان به روایت هالیوود»، «فرهنگ فیلم‌نگاری»، «سینمای یاسیرو آزو»، «سینمای داستانی جنگ»، «تاریخ سینمای جنگی غرب» و «ایدئولوژی سیاسی و نیروهای تبلیغاتی در سینما» را در کارنامه اش دارد.

## «سینما و روح بشر» در گفت‌وگو با ابوالحسن علوی طباطبایی

# اسطوره‌های غایب ما در سینما

اما این کتاب، می‌تواند به درد دانشجویان رشته روان‌شناسی هم بخورد. اگر شما سری به دانشگاه‌هایی که این رشته در آنها تدریس می‌شود، بزنید، خواهید دید که دانشجویان روانشناسی، علاقه خاصی به هنرهای تصویری چون سینما دارند. پایان‌نامه‌های آنان این مساله را به خوبی نشان می‌دهد. امروزه هنرهای تصویری و به طور کلی علوم رسانه‌ای، بسیار به سینما نزدیک شده است. از دهه ۱۹۴۰، روانکاوی وارد بحث سینما شد. از همین سال‌هاست که فیلم‌هایی در هالیوود ساخته شد که توجه زیادی به روانشناسی داشتند. از همان موقع، حتی برای فروش بیشتر فیلم‌ها، تنها شرایط اقتصادی را در نظر نمی‌گرفتند. آنها برای آنکه فیلمشان بیشتر فروش کند، درصد بودنتا نکاتی را بیانند که تماشاگر را بیشتر جذب می‌کند. مثلا، آنها بعد از جنگ دوم جهانی به این نکته توجه کردند که تماشاگران به دیدن فیلم‌های موزیکال و کم‌دی علاقه دارند. علت را پیدا می‌کردند، سپس فیلم می‌ساختند و کارشان هم موفق بود. سینما به هر حال فعالیتی اقتصادی هم به حساب می‌آید. در حال حاضر، توجه به روانشناسی در سینما خیلی بیشتر است.

**به هر حال هنر همیشه بازتاب دهنده و مرتبط با روانشناسی بوده است.**

بله. در این نکته شکی نیست. اما این ارتباط با سینما و ادبیات، بیشتر از بقیه هنرهاست. شاید هنری چون تئاتر نتواند بیانگر همه این مسائل باشد، چون تمهیدات سینمایی، بیانگر بسیاری از مسائل اند که در تئاتر کارکردی ندارند. اما ادبیات هم چون سینما، چنین قابلیتی را دارد. بسیاری از فیلم‌های موفق سینمایی، بر اثر اقتباس از یک داستان کوتاه، ساخته شده‌اند و آنکه این آثار، در بسیاری از موارد نگاهی روان‌شناسانه دارند. ادبیات به سینما بسیار نزدیک است. شاید نسل‌های بعدی، توجه چندانی به ادبیات نداشته و بیشتر به دنبال هنرهای تصویری چون سینما باشند.

**البته هنوز خوانندگان ادبیات و کتاب کم نیستند.** بله. کتاب هنوز خوانندگان خود را در سطح جهانی از دست نداده است. هنوز می‌بینیم که مردم در اماکن عمومی چون مترو و اتوبوس، کتاب می‌خوانند.

**به گمان شما ما می‌توانیم پژوهش‌هایی را نیز در کشور خودمان داشته باشیم؟**

همان‌طور نویسنده کتاب آرزو کرده و من نیز سابقه تدریس در این مساله را داشته‌ام و به زوایای آن اشراف دارم، تمایل دارم که ما نیز رشته‌ای با عنوان «روان‌شناسی و سینما» داشته باشیم. به طور قطع، این رشته برای سینما و روانشناسی ما دارای اهمیت بسیاری خواهد بود. اگر ما بتوانیم مطالعاتی از این دست را در با توجه به فرهنگ خودمان داشته باشیم، قطعا به نتایج خیلی خوبی می‌رسیم. این مساله، به ویژه در بحث اسطوره‌ها، برای ما دارای اهمیت زیادی است. به گمان من، پژوهش‌هایی در این مورد، حتما برای سینمای ما ضرورت دارد، چرا که اگر ما بخواهیم بحث‌های نوینی را در سینما مطرح کنیم، باید باید به دانش آن مسلح باشیم.



در بحث اسطوره‌ها خودنمایی می‌کرد. البته چنان چه بیشتر نیز عنوان کردم، نویسنده اسطوره‌های ما اطلاعی نداشته است. البته باید اذعان کرد که سینمای دنیا از این مساله بی‌خبر است. مولف چون بسیاری از پژوهشگران، از تاریخ و اسطوره‌های ما بی‌خبر است. ما خودمان نیز روی این مساله کار نکرده‌ایم. مثلا ما روایت اسطوره‌ای چون واقعه کربلا داریم، اما روی این واقعه، خیلی کم کار کرده‌ایم. **با توجه به این که شما روی متون سینمایی کار کرده‌اید، به طور قطع برای ترجمه عبارات سینمایی و نام فیلم‌ها، مشکل چندانی نداشته‌اید. در ترجمه این کتاب، در مورد عبارات روانشناسی، مشکلی نداشتید؟**

من چه در دوره لیسانس و چه در دوره فوق لیسانس، واحدهای روانشناسی را طی کرده‌ام. الان هم که دانشجوی دکترای مطالعات سینمایی‌ام، باز هم روانشناسی را در برنامه‌های درسی ام دارم. از همین روست که من نسبت به مسائل روانشناسی ناآشنا نیستم. از سویی، کتاب‌های مختلفی در این مورد وجود دارند که می‌توانند به پژوهشگران کمک کند. مثلا واژه‌نامه‌هایی وجود دارند که به من کمک زیادی کردند. من سعی کرده‌ام که با آوردن واژه‌نامه‌هایی در انتهای کتاب، به خواننده کمک کنم. از همین روست که افزون بر واژه‌نامه، کتاب‌شناسی، فیلم‌نگاری و موضوع نما را در آخر کتاب آورده‌ام.

**با توجه به مسائلی که خودتان هم به آن اشاره کردید، کتاب بدون توجه به ارزش‌های فرهنگی ما نوشته شده است. آیا این کتاب به درد پژوهشگران ما می‌خورد؟**

کتاب در ایران دو گونه مخاطب دارد؛ دسته اول مخاطبانی‌اند که به طور بالقوه به روانشناسی و سینما علاقه مندند. اما دانشجویان و پژوهشگران سینما به طور اخص، مخاطب این کتاب به شمار می‌آیند. آنها در این کتاب با تحلیل فیلم، از دریچه‌ای خاص و البته تخصصی، آشنا می‌شوند. من سال‌ها تحلیل فیلم را در دانشگاه تدریس کرده‌ام و از این روی دانم که نگاه تحلیلی این کتاب می‌تواند بسیار مفید باشد.

شرایطی وجود ندارد. سینما نیز در پدید آوردن این شرایط جدید بسیار تاثیرگذار بوده است. مثلا کارگردانی چون استیون اسپبرگ، فضای اسطوره‌ای نوینی را در مقابل ما گذاشته است، اسطوره‌هایی که مطابق نیاز امروزی پدید آمده‌اند. این اسطوره‌ها که گاه با فرهنگ ما سنخیت چندانی ندارند، حتی با شخصیت‌های داستانی متأخری چون دراکولا، که موجودی فراطبیعی بود، نیز متفاوتند. شخصیت‌هایی چون دراکولا، امروزه برای مائترسناک نیستند. دراکولا و فرانکنشتین، امروزه دیگر شخصیت‌های مسخره‌ای‌اند. الان اگر کسی با استفاده از این عامل‌ها فیلم بسازد، دیگر جالب نخواهد بود...

**چون به هر حال تعریف اسطوره هم به نوعی عوض شده است...**

در این شرایط، چیزهای متفاوتی مخاطبان را می‌ترساند، فیلم‌هایی چون «سکوت بره‌ها». کسی ما را در این شرایط می‌ترساند که کنارمان در مترو نشسته باشد، فردی عادی به نظر برسد و شما ظاهرا ترسی از او به دل نداشته باشید. اما ممکن است همین شخص، آدم‌خور و خونخوار باشد. اگر دقت کنید، در برنامه‌های تلویزیونی، شخصیت‌هایی با ظاهر دراکولا، حتی مورد تمسخر قرار می‌گیرند. الان باید از کسانی ترسید که قیافه‌ای عادی دارند.

**چطور شد با این کتاب آشنا شدید و برای ترجمه انتخابش کردید؟**

این کتاب دهمین کتابی است که با محوریت سینما نوشته یا تالیف کرده‌ام. یعنی من همواره به مطالعات سینمایی علاقه داشته‌ام، اما در عرصه روانشناسی هم مطالعاتی داشته‌ام. من مدتی «تاریخ و تحلیل فیلم» را در سینما تدریس کرده‌ام. بسیاری از کارگردانان فعال سینما، دانشجویان پیشین من بوده‌اند. به دلیل علاقه‌ای که به سینما داشتیم، این کتاب را برای مطالعه انتخاب کردم. وقتی شروع به خواندن کتاب کردم، موضوع آن را جالب یافتم. علاقه من به روانشناسی سبب شد تا با علاقه بیشتری کتاب را ادامه دهم. دیدم که کتاب جای کار بسیاری دارد. همچنین دیدم که مسائل تازه‌ای در کتاب مطرح شده که برای ما بسیار نو است. این تازگی، به ویژه

در دو سه دهه اخیر، علوم میان رشته‌ای بیشتر مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. به نظر شما این کتاب حاصل همچنین نگاهی به سینما و روان‌شناسی است و تا اندازه‌ای، شاخصه‌های علوم میان رشته‌ای را در خود دارد؟

ما در این کتاب، دو مساله را داریم که در کنار سینما، مطرح می‌شوند. مساله نخست روانشناسی است که بررسی ارتباط آن با روانشناسی، دارای اهمیت بسیاری است. همچنان که در مقدمه کتاب آمده، مولف این رابطه را بسیار مهم می‌داند و حتی آرزو می‌کند که رشته‌ای با عنوان «روانشناسی و سینما» در دانشگاه لندن تاسیس شود. در کنار روانشناسی، بحث اسطوره‌ها نیز در کتاب طرح می‌شود. مولف در این کتاب، خیلی خوب در این مورد صحبت کرده است. البته این نقطه ضعف در کتاب وجود دارد که در آن تنها به اسطوره‌های غربی توجه شده است و این نکته احتمالا از آن روست که نویسنده آشنایی چندانی با اسطوره‌های شرقی و به ویژه با اسلام نداشته است. از همین روست که او خواه یا ناخواه، اسطوره‌های یونان و روم را مطرح کرده است.

اگر شما به آثار روانکاوان مشهور نگاه کنید، خواهید دید که بخش مهمی از آنها به اسطوره‌ها اختصاص دارند. در این کتاب، از دریچه سینما به این مساله توجه شده است. مثلا اگر به فصل «تولد یک اسطوره» نگاه کنید، خواهید دید که به مساله قهرمان و ضد قهرمان در سینما، توجه شده است. نویسنده می‌خواهد اثبات کند که اساس شخصیت‌های سینمایی‌ای که ما می‌بینیم، بر پایه یک اسطوره شکل گرفته است. مولف بر این کوشش بوده تا نشان دهد که شخصیت‌های آثاری چون «هری پاتر»، «ارباب حلقه‌ها»، «تارزان» و «رابین هود» در یک خط به جلو می‌روند.

**آن خط چیست؟**

مولف این نکته را به خوبی شرح داده است. قهرمانان این آثار، همواره دچار تحول می‌شوند. آنها در ابتدا یک فرد عادی بوده‌اند و در روند داستان است که تحول می‌یابند. یعنی برای شخصیت‌داستانی اتفاق‌هایی روی می‌دهد که او همراه با تحولات داستانی، کم‌کم ورزیده و در نهایت تحول می‌یابد. اصولا رسانه‌های آمریکا و خبرگزاری‌هایشان در دست صهیونیست‌هاست. آنها با فیلم‌هایشان الگو می‌سازند. زندگی همه مردم طبق همین فیلم شکل می‌گیرد. اسطوره‌های جهان نوین، مدت‌هاست که به لباس مسیحیت درآمده‌اند و در جهت تبلیغ آن پیش می‌روند. ما باید اینها را بشناسیم.

**شما به مثلاً سینما، روانشناسی و اسطوره در کتاب اشاره کردید. رابطه سینما و روانکاوی، بسیار مهم و مشخص است. به نظر شما، چرا اسطوره به این رابطه افزوده شده؟ آیا نگاه اسطوره‌ساز سینما، چنان چه در فصل دهم اشاره شده، در این رابطه تاثیر داشته است؟**

بله. او به اسطوره‌های جدید اشاره می‌کند. مولف به زندگی قهرمانانی اشاره می‌کند که در گذشته می‌زیسته‌اند، قهرمانانی که زندگی آنها به هر حال مکتوب شده است. اما در روزگار ما دیگر چنان





رضا آشفته

«تئاتر کراسی در عصر مشروطه» (۱۳۰۴-۱۲۸۵)، پژوهشی از دکتر کامران سپهران است که با نگاه جامعه‌شناسانه به مقطعی از تاریخ تئاتر ایران می‌پردازد. فصل بندی کتاب «تئاتر کراسی در عصر مشروطه» نیز یکی از امتیازات و شاخصه‌های آن است. سپهران در فصل یک به چشم‌انداز تئاتر مشروطیت از روی لژ، در فصل دو به اقلیت روی صحنه، در فصل سه به انجمن‌ها و احزاب تئاتر و در فصل چهار به میرزاده عشقی می‌پردازد. سپهران، عضو هیئت علمی دانشکده سینما و تئاتر است. از او پیش‌تر کتاب «درپای تزلزل» (انتشارات شیرازه، ۱۳۸۱) منتشر شده بود که بررسی جامعه‌شناختی رمان تاریخی سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ است. او همچنین مترجم کتاب‌های دریدا (جف کالینز)، مدرنیسم (کریس رودریگز)، رماتیسم (دانکن هیت) و اما آیا این هنر است؟ (سیتیا فریلند) است. نشر نیلوفر «تئاتر کراسی در عصر مشروطه» را به تازگی منتشر کرده که خیلی زود مورد توجه تئاتری‌های کشورمان قرار گرفت. با سپهران درباره این کتاب و پژوهش‌های تئاتری گفت‌وگویی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

کامران سپهران، نویسنده «تئاتر کراسی در عصر مشروطه»:

## حقیقت، در عرصه پژوهش تعیین کننده است



نقطه آغازین پژوهش تئاتر کراسی در عصر مشروطه چه چیزی بوده است؟

فکر کنم این نقطه آغازین به مرور زمان مبهم شده، ولی شاید بشود گفت از یک طرف پای زیباشناسی به میان می‌آید. در سال‌های اخیر به ویژه با بحث‌های نظریه‌نهادی به زیباشناسی - بگیریم زیباشناسی کانتی - حملات سختی شده و در این زمینه در مقابل با بحث‌هایی مواجه شدم که به نوعی احیاء زیباشناسی را در آنها می‌دیدم. در حقیقت این احیاء زیباشناسی به نوعی با سیاست گره خورده است. از طرف دیگر چنین گمانه‌زنی کردم که این نگاه تازه به زیباشناسی که در عین حال رجعت به سرآغاز زیباشناسی است می‌تواند به عنوان چارچوب نظری مطالعه‌ای در عصر مشروطه که وضعیت اولیه تجدد ماست و پیوندی طبیعی میان هنر و سیاست در آن برقرار است، روشنی بخش باشد.

مادر باره تئاتر کشورمان کمتر از منظر جامعه‌شناسی پژوهش کرده‌ایم. چطور شد که شما به این مهم توجه کرده‌اید؟

برای من مسأله این نبوده که تئاتر کشور مثلاً احتیاج دارد که از منظر جامعه‌شناسی به آن نگاه شود، بلکه رویکرد جامعه‌شناختی که در عین حال مقام فرم‌های هنری را هم به جامی آورد، رویکردی انتقادی است که آن را کارا می‌دانم و در کتاب قبلی‌ام هم از آن استفاده کردم.

چرا ایرانیان مشروطه تا جگذاری رضا خان اهمیت پیدا کرده است؟

فکر کنم همین قدر که شروع اتفاقات تئاتری به این عصر برمی‌گردد، موجب اهمیت آن می‌شود. یعنی همین فضل تقدم باعث می‌شود که حتی اگر موضوع بررسی مان هم آن عصر نباشد باز هم برای واکاوی معضلات یا نمایان ساختن ویژگی‌های تئاترمان به آن عصر نیم‌نگاهی داشته باشیم.

آیا این پژوهش دانشگاهی است؟ اگر پاسختان مثبت است، چه نکاتی باعث شد تا این پژوهش را تبدیل به کتاب کنید؟

بله هست و از اول هم به همین شکل بود یعنی نیاز به تغییر شکل نداشت. اگر منظور انتشار است که این نوع تحقیق قرار است که اگر نهاد نشر تمایل داشته باشد به چاپ برسد و در دسترس خوانندگان بیشتری قرار بگیرد.

فصل اول کتاب به مراحل اولیه شکل‌گیری تئاتر غربی در ایران اختصاص دارد. چرا پژوهش‌تان را از این مرحله آغاز کردید؟

می‌خواستم در فصل اول یک نمای کلی از بحث خود را ارائه دهم و طبعاً صحبت از سرآغاز و سیر تقویمی از ملزومات کار بود.

در فصل دوم اقلیت‌های اجتماعی و دینی زمینه‌ساز ورود تئاتر در ایران شمرده شده است. اینان تا چه حد در زمینه مشروطه‌خواهی در ایران نقش داشته‌اند؟

این کتاب می‌کوشد این نقش را خطیر ببیند چون مفهوم طلایی جنبش مشروطه را در برابری طلبی می‌بیند و به این خاطر فصلی را به اخلاص در نظام قدیم سلسله مراتبی و جنب و جوش اقلیت‌ها برای برپا کردن صحنه خویش در این عصر اختصاص

### معرفی کتاب

رویا حضرتی

نگاهی به «تئاتر نو در فرانسه»

### هراس و نیستی

«تئاتر نو در فرانسه» یکی از کتاب‌های نظری و تخصصی تئاتر است که انتشارت قطره در سری کتاب‌های تئاتری‌اش آن را منتشر کرده است. در پیشگفتار درباره تئاتر نو آمده است: «اصطلاح تئاتر نو در سال‌های ۱۹۶۰، نسبت به نمایشنامه‌هایی که در تماشاخانه‌های آن دوره با استقبال فراوان روبه‌رو بودند، تحریک آمیز به نظر می‌رسید، اما امروز متناقض و در عین حال متعادل می‌نماید.»

این کتاب‌ها بارها بازنویسی و منتشر شده است اما، مترجم چاپ هفتم کتاب را برای انتشار در ایران برگزیده است. مهوش قومی بر آن بوده است که از ترجمه لفظ به لفظ پرهیز کند تا کتاب در حد ممکن برای خواننده ایرانی قابل فهم باشد، حتی خواننده‌ای که آشنایی اندکی با تئاتر دارد.

این کتاب به دو قسمت تقسیم شده است. قسمت اول به نمایشنامه‌نویسی نوین اختصاص دارد و در قسمت دوم به تئاتر و تماشاگران پرداخته می‌شود. در قسمت اول، ۴ فصل تحت عنوان ویژگی‌های ثابت تئاتر پوشتاز، صور گوناگون تئاتر نو-تئاتر شاعرانه، تئاتر مسخره، تئاتر واقع‌گرا و سیاسی، و در قسمت دوم ۲ فصل تحت عنوان شرایط جدید اجرای نمایش، و از صحنه تا سالن و تئاتر مردمی تعریف شده است. در آخر هم نتیجه‌گیری میشل کوروین، استاد هنرهای دراماتیک در فرانسه آمده است.

ژاک اودیبرت، میشل دوگلدرو، ژان وتیه و ژان تاردیو از جمله نمایشنامه‌نویسان نمایش بی‌کلام هستند که آثار مطرحی را در زمان خود می‌نویسند. کاتب یاسین، امه سزر، و ادوارد گلیسان هم از جمله نمایشنامه‌نویسان مطرح واقع‌گرای شاعرانه هستند. ژرژ شهاده و فرانسوا بیه دو مبدعان تئاتر توصیف‌ناپذیرند. بیه دو و شهاده شعر را به تعریف و توصیفی آشنا بازمی‌گرداندند. شعر آنها با ابهام خردگریزی پیوند می‌خورد زیرا می‌کوشند تا درهای جهانی، فطری و ذاتی را در برابر ما بگشایند که خود جهانی گنگ و نامانوس است. در واقع عشق و زندگی مفاهیمی بسیار غنی هستند که در چارچوب منطق و گفتار نمی‌گنجند. ویکتور حثیم، رولان دوبیار، کویی، ناتالی سازوت و... هم در این زمینه قلم زده‌اند و هر یک از منظر خود مسائل خاص زبانی را در آثارش مرور کرده است.

اوژن یونسکو، ساموئل بکت، ژان ژنه از مطرح‌ترین نویسندگان تئاتر تمسخر معرفی می‌شوند. به دنبال آنها، نویسندگانی مانند رومن ونگارتن، بوریس ویان، روبر بنزه، فرناندو آرابال، و گی فواسی، می‌آیند که هر یک به شیوه خود می‌نویسد، اما از مضامین و تکنیک‌های خاص بکت و یونسکو هم پیروی می‌کنند. به نوشته کوروین: یونسکو بر این باور است که در آثار تمامی آن‌ها روند نمایشی از پیوستگی تصاویر و سواص گونه، زبان، حرکات و بازی‌های آزاد صحنه‌ای پدید می‌آید؛ تصاویر از واژه‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند، در حالی که واژه فقط به تکیه‌گاه ساده‌ای برای تصاویر پویا تبدیل می‌شود. در تئاتر واقع‌گرا و سیاسی هم با نام آرتور آداموف و آرمان گانی روبه‌رو می‌شویم. کوروین تاکید می‌کند که اگر هم رای بارولان بارت، تئاتر سیاسی را تئاتر شعور و آگاهی و نه عمل و فعالیت، تئاتر پرسش و نه حل و پاسخ بدانیم و صلاحیت چنین تئاتری را از این نظر تایید کنیم، بنابراین تئاتر‌های عقیدتی و تبلیغاتی را نمی‌توان سیاسی دانست. گابریل کوزن، آندره بندتو، میشل ویناور، و... هم در تئاتر سیاسی آثار بحث‌برانگیزی را خلق می‌کنند.

با توجه به ضرورت داشتن چنین پژوهش‌هایی، همچنان درصدد تداوم این پژوهش در آثار بعدی‌تان خواهید بود؟

جداً نمی‌دانم. وسوسه پژوهش برای یک دوره خاص دیگر تئاتر ایران را حتی قبل از این کار در سر داشته‌ام، ولی در حال حاضر برنامه قطعی برای آن ندارم. سیمای پژوهشگر، بیشتر برای من شبیه سرباز است که اغلب روزهایش به بطالت می‌گذرد، اما ناگهان حمله‌ای در می‌گیرد، او به سویی فراخوانده می‌شود و در مدتی کوتاه روزهای بحرانی و پرهیجان را از سر می‌گذراند. من فعلاً در آن دوره طولانی آرامش هستم.

موانع و مشکلات عمده شما در زمینه پژوهش‌های تئاتری چیست؟

اگر اشتباه نکنم هفت هشت سال پیش هم در گفت‌وگویی با نشریه شما از بروت پژوهش صحبت کردم. منظور من این است که حداقل در حوزه‌هایی که مدنظر من است، چنان کارهای پژوهشی اندک است که پژوهشگر خیلی دستش باز است. این البته اصلاً وضعیت خوبی نیست، ولی حسن آن این است که در جواب شما بگویم به جای موانع بیشتر با فراخی عرصه پژوهش‌روبرو هستیم. در کل موانع و مشکلات خاصی نمی‌بینم. همیشه می‌توان نالید و از اهمیت پژوهش و غفلتی که از آن می‌شود داد سخن گفت. ولی واقعیت برای من این بوده که نکته غیر عادی تری نسبت به عرصه‌های دیگر در آن ندیده‌ام.

چطور شد که منابع خارجی را از ارکان اصلی پژوهش فعلی خود قرار داده‌اید؟

این طور نیست. منابع اولیه تحقیق که اسناد تاریخی خودمان است. می‌ماند چارچوب نظری کار که در اینجا دیگر آشکار است که دستمان بسته است. هر چند که به نوعی خود کتاب هم دست‌اندرکار این است که تئاتر کراسی را به مثابه نظریه نگاه کند. یعنی باز در اینجا هم اتکا به بسته پیشنهادی حاضر آماده نیست. ولی گیریم که بود در عرصه پژوهش حقیقت است که تعیین‌کننده است. یعنی مهم راهبر شدن به سوی حقیقت است و در این حالت منابع داخلی و خارجی معنا ندارد.

داده است.

در فصل سوم به نقش احزاب و انجمن‌ها پرداخته‌اید، تا گروه‌های سیاسی به اهمیت تئاتر پی ببرند و از آن برای ترویج دیدگاه‌های خود بهره‌مند شوند.

همانطور که در کتاب آمده تئاتر در کنار مدرسه و روزنامه سه ضلع مثلث ترویج اندیشه‌های ترقی‌خواهانه و برابری طلب را در این عصر تشکیل می‌دهند و بالطبع احزاب سیاسی که به تحولات اجتماعی چشم دوخته‌اند به آن روی می‌آورند. حتی به نظر می‌رسد که تئاتر حداقل در مقطعی از فرم کتاب هم دست بالاتر را پیدا می‌کند که شاید به مسأله سواد برگردد. و مهم‌ترین عامل، البته خصلت بنیان‌برافکن تئاتر در این سال‌های نخستین است که خود را به فعالیت‌های سیاسی تحمیل می‌کند؛ همچون انجمن اخوت که بیشتر محفلی درویشی است و حرکات رادیکال سیاسی از خود نشان نمی‌دهد. اما با اجرای تئاتر چنان رعبی در حکومت برانگیخته شود که حتی به تخریب آن انجمن می‌پردازد.

در فصل چهارم میرزاده عشقی مورد بررسی قرار گرفته است. چه نکاتی باعث شده تا او را به طور ویژه مورد بررسی قرار دهید.

میرزاده عشقی را من انتخاب نکردم. او خودش را تحمیل کرد و بخشی مستقل را به خود اختصاص داد. در بررسی نمایشنامه‌های این عصر عمدتاً خصلتی محافظه‌کارانه نمایان می‌شد که آثار عشقی از این خصلت مبری بود و ایده‌آل‌های این عصر را که تحقیق به دنبال آن بود، بازتاب می‌داد. مسئله مهم این است که در پژوهش‌های پیشین درباره عشقی همه به اهمیت او واقف هستند، اما در تبیین این اهمیت درمی‌مانند و ترجیح داده می‌شود که به نگاهی عاقل‌اندر سفیه بسنده شود. در حقیقت خصلت رادیکال او تاب آورده نمی‌شود. فکر کنم دیگر زمان آن رسیده است که جایگاه واقعی او را دریابیم. و این البته تقصیر کسی نیست و بیشتر خصلت متون ادبی است که با گذر زمان تبیین آنها ساده می‌شود.



یگانه وصالی

کمتر نویسنده آمریکایی این روزها به اندازه جویس کرول اوتس پر کار بوده و آثارش مورد توجه طیف گسترده‌ای قرار گرفته است. او فقط در ماه اخیر، دو رمان منتشر کرده و نوشتن یک کتاب زندگی‌نامه را هم به پایان رسانده است. او همچنین تا پاییز امسال، مجموعه‌ای دیگر از داستان‌های کوتاهش را روانه بازار خواهد کرد. جویس کرول اوتس ۷۱ ساله، در اطراف نیویورک بزرگ شده و نخستین رمانش را در سال ۱۹۶۴ منتشر کرده است. او یک بار برنده جایزه کتاب ملی و همین‌طور برای کتاب «بلوند» اش، نامزد جایزه پولیتزر شده است. اوتس نویسنده‌ای پر کار در تمام ژانرهای ادبی است، چه در نوشتن رمان، چه داستان کوتاه، و چه در شعر و نمایشنامه. دو رمان اخیر او «دوشیزه زیبا» و «پرنده کوچکی از بهشت» بهانه گفت‌وگوی الکساندرا آلترا با او بوده است که علاوه بر این دو داستان در آن، به زندگی و علایق شخصی او هم پرداخته است. این گپ و گفت در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۰ در روزنامه وال استریت ژورنال منتشر شده است. بخشی از این گفت‌وگو در پی می‌آید.

## گفت‌وگو با جویس کرول اوتس

# نوشتن رمان تخیلی با استفاده از ماجراهای واقعی

۱۹۶۱ و دومی ۱۳ مارس ۲۰۰۹ که هر دو تاریخ ازدواج‌هایم بوده‌اند.

در زندگی از چه چیز بیش از همه می‌ترسید؟  
ترسی که همه دارند، وحشت اینکه زندگی‌ام معنا و اهمیتش را از دست بدهد.

نخستین خاطره‌ای که همیشه به آن فکر می‌کنید چیست؟

تب و سرخک. من تقریباً نیمه جان روی تخت افتاده بودم و پدر و مادر جوان و مضطربم را می‌دیدم که دور من پر پر می‌زدند و نمی‌دانستند چه کار باید بکنند. آن موقع من حدوداً چهار ساله بودم.

کتاب مورد علاقه‌تان؟

گزیده شعرهای امیلی دیکنسون.

آیا تفریح خاصی هست که بعد از آن احساس گناه کنید؟

بله، از پنجره بیرون را دید زدن و وقت تلف کردن. اگر می‌توانستید گذشته‌تان را ویرایش کنید، چه چیزی را تغییر می‌دادید؟

یک نویسنده هیچ وقت نمی‌تواند قسمتی از گذشته‌اش را پاک کند یا تغییر بدهد. چون در واقع با این کار بخشی از دوران خلق آثارش را پاک کرده است. مثلاً من و همسر اولم - ریموند - ۹ ماه اول زندگی مان، جهنمی‌ترین روزهای ممکن را داشتیم. اما در طول آن دوران که به نوعی می‌شد گفت که انگار تبعید به جایی دور از هرگونه تمدن بود، من طرح اولیه نخستین رمانم را کامل کردم.

و در آخر، مهم‌ترین درسی که از زندگی گرفته‌اید چه بوده است؟

اینکه مرا طوری تربیت کرده که همیشه در برابر دیگران دلسوز باشم و همدم.



برای من به اندازه سه سال گذشت. زندگی‌نامه بیش از ۴۰۰ صفحه شد. درست‌باشرو نوشتن آن خاطرات، انگار دوباره توان نگارش را به دست آورده بودم؛ اما فقط در حد یادداشت‌ها و داستان‌های کوتاه. در همان دوره چندین داستان کوتاه در مورد از دست دادن، غم فقدان و تلاش برای زنده ماندن هم نوشتم - انگار همین دیروز بود - همان‌طور که همیشه تصور می‌کردم، این ما نیستیم که موضوع را برای نوشتن انتخاب می‌کنیم، بلکه این خود موضوع است که سراغ ما می‌آید و ما را انتخاب می‌کند.

برای شما شادترین لحظه زندگی کی بوده است؟  
در دو تاریخ، من واقعا شاد بوده‌ام. یکی ۲۳ ژانویه

شاید بتوان گفت که طرح کلی و یادداشت‌های اولیه «دوشیزه زیبا» همه در یک سال اخیر به وجود آمد. من حتی وقتی که به سفر می‌روم، همه یادداشت‌ها و ایده‌های جدید داستان‌هایم را همراهم می‌برم. وقتی داستان را شروع کردم، نوشتن طرح اولیه دو ماه بیشتر طول نکشید و بعد از آن بیشتر وقتم را به بازنویسی آن اختصاص دادم. من اغلب خیلی فشرده می‌نویسم و بعد زمان زیادی را برای بازنویسی اثر می‌گذارم. در مورد من بیشتر اوقات نوشتن یک اثر در واقع بازنویسی آن اثر است.

شما در عین حال مشغول نوشتن زندگی‌نامه‌ای از همسر اولتان و مرگ او هستید. تا کجای آن پیش رفته‌اید؟

شاید شگفت‌زده شوید، اما حدوداً ۱۰ روز پیش نوشتن آن را تمام کردم و نامش را گذاشتم «خاطرات یک بیوه». نوشتن چنین داستانی از نظر روحی و احساسی خیلی برایم دشوار بود، اما الان خیلی خوشحالم که از پس آن برآمدم.

به چه انگیزه‌ای شروع به نوشتن چنین زندگی‌نامه‌ای کردید؟

سال گذشته، بعد از مرگ همسر اولم، احساس کردم که دیگر نمی‌توانم چیزی بنویسم. اصلاً نمی‌توانستم روی چیزی تمرکز کنم. بیشتر اوقات آنقدر احساس خستگی و درماندگی می‌کردم که حتی نمی‌توانستم نوشتن مطلبی را کامل کنم. اما کمابیش و به‌طور پراکنده یادداشت‌هایی می‌نوشتم. نه برای داستان خاصی، برای روزنامه‌ای یا در دفتر خاطراتم. اصلاً فکر نمی‌کردم که بتوانم زنده از آن دوران بیرون بیایم. گردش زمان در این زندگی‌نامه هم مربوط به سه ماه از آن روزهای پرغم می‌شود؛ سه ماهی که

کارهای شما ژانرهای مختلفی دارد، از ژانر وحشت و گوتیک گرفته تا نام‌های ماورایی یا حتی داستان‌هایی برای کودکان. ایده این داستان‌ها از کجا می‌آیند؟  
خیلی سخت است که دقیقاً بگویم ایده یک داستان از کجا می‌آید. پیش از آنکه بخواهم داستانی بنویسم، گاهی باید چندین موضوع در ذهن داشته باشی تا ایده اصلی را با به هم آمیختن آنها به دست بیاوری. فقط داشتن یک ایده در ذهن، کافی نیست. مثلاً «پرنده کوچکی از بهشت» داستان دختر جوانی است که پدرش را از دست داده است که در واقع طرح اصلی‌اش را از پدر خود گرفته‌ام و همین‌طور از دست دادنش، که در نیویورک اتفاق افتاد و من هم در داستانم از آن استفاده کردم. در واقع از اتفاقی که در واقعیت رخ داده بود، داستانی خیالی ساختم. من همیشه دوست داشته‌ام که همه چیز را همان‌طور که برآیم رخ داده، بنویسم.  
در مورد «دوشیزه زیبا» چطور؟ تم اولیه این داستان از کجا آمد؟

ایده اصلی بعد از موقعی که به ساحل جرسی رفته بودم، به ذهنم خطور کرد. این داستان در واقع اثری است هم ادبی و هم سمبلیک. جایی واقعی که در عین حال، جایی است غرق در رویاهای درخشان و فریبنده. همان موقع بود که این دو، در تخیل من با شعری عاشقانه از باربارا آلن، که برآیم خیلی نوستالژیک و خاطره‌انگیز است و من اغلب خیلی ناخودآگاه آن را زیر لب زمزمه می‌کنم، همراه شدند و همه با هم موضوع این داستان را شکل دادند. این داستان در مورد دختری است ۱۶ ساله که در خانه مردی متمول کار می‌کند.

نوشتن داستان «دوشیزه زیبا» را چه وقت شروع کردید و تمام کردنش چقدر طول کشید؟

## نگاهی به آخرین رمان جویس کرول اوتس

### شکاف میان دو نسل

الینا مصدق: با شروع سال ۲۰۱۰ میلادی، جویس کرول اوتس به جز هدایای کوچک و بزرگی که برای خانواده خود خریده بود، با انتشار ناگهانی کتاب جدیدش بهترین هدیه را به خوانندگان آثارش داد.

این نویسنده ۷۱ ساله اهل ایالات متحده آمریکا ۳۰ جایزه ادبی مختلف را در کارنامه خود ثبت کرده است. وی در دهکده کوچکی در نزدیکی نیویورک متولد شد و همان‌جا دوران کودکی و نوجوانی‌اش را سپری کرد. هنگامی که تنها ۲۶ سال داشت توانست بورسیه دانشگاه سیراکوز را از آن خود کند و شاید این موفقیت سبب شد انگیزه نوشتن در جویس کرول آنقدر قوی شود که همان سال اولین رمان خود را با نام «همراه با پاییزی لرزان» (۱۹۶۴) به چاپ برساند.

اکنون جویس کرول اوتس بعد از گذشت این همه سال، همراه با کارنامه‌ای درخشان از آثاری متفاوت که در دست دارد، رمانی با نام «یک دوشیزه زیبا» را منتشر کرده است. آن هم درست در روزهای آغازین سال ۲۰۱۰ و خوانندگانی که با آثار اوتس آشنایی دارند همه مشتاقانه منتظرند که این رمان را بخوانند. رنه، دخترکی ۱۹ ساله در وبلاگ طرفداران اوتس می‌نویسد: «از خبر شنیدن انتشار این کتاب آنقدر خوشحال شدم که فریاد بلندی کشیدم. بی‌صبرانه منتظرم که این رمان را بخرم و یک روزه آن را تمام کنم.»

«یک دوشیزه زیبا»ی اوتس در ابتدا دختری ۱۶ ساله را به نام کاتیا، معرفی می‌کند. دخترکی فقیر از خانواده‌ای از هم پاشیده که به عنوان پرستار کودکان توانسته و تابستان داغ را در خانواده‌هایی ثروتمند پشت سر بگذارد. از پولی که درمی‌آورد راضی نیست اما بودن همان مقدار ناچیز بهتر از نبودنش است. یک روز دم کرده تابستان هنگامی که

داستان خواننده مدام نگران کشف رازی است که گاهی احساس می‌کند روشن شدن موضوع این راز چندان برایش خوشحال‌کننده نخواهد بود. دنیای این نویسنده از دنیای خوانندگان دور نیست. دغدغه‌های ذهنی دو نسل متفاوت را بر هم می‌پیچاند که خواننده تفاوت نسل‌ها را به راحتی هضم کرده و حتی گاه آن را زیبا می‌پندارد. دو شخصیت رمان «یک دوشیزه زیبا» گاه کاملاً نمادین ظاهر می‌شوند. آنها تنها بیانگر دو جنبه فکری متفاوتند که به دلیل مهارت نویسنده آنقدر در کنار هم درست جای گرفته‌اند که گویی جویس کرول، کانالی نامرئی به ذهن دو نسل متفاوت دارد. لابه‌لای صفحات «یک دوشیزه زیبا» گاه خواننده صدای آه و افسوس‌های او می‌شنود که حاکی از آن است که پول توانایی برگرداندن جوانی و زیبایی را ندارد. کاتیا حسرت ثروت کیدر را می‌خورد و مارکوس می‌خواهد به بهانه‌های متفاوت کاتیا را جلو چشمانش نگه دارد تا شاید کوهلت سن و پیری‌اش را در جوانی کاتیا ذوب کند. اما این که این ارتباط به کجایی کشد اثری ماهرانه دیگر از جویس اوتس است که با خواندن آن مخاطب غرق حیرت می‌شود. در بین تمام سبک‌های نوشتاری، اوتس این بار با داستان فانتزی کودکانه ارتباط بیشتری برقرار کرده و داستانش را در فضایی بزرگسالانه اما در همان بستر معنایی کودکانه پیش می‌برد.

از دیگر ویژگی‌های این رمان وجود تصور و خیال در لابه‌لای جملات داستان است. اوتس گاه چند دقیقه در داستان را آنقدر با خیالات خود درمی‌آمیزد که خواننده خود را به جای کاتیا یا مارکوس کیدر جا می‌زند و تمام لحظه‌ها را برای خود ملموس می‌کند. جویس کرول اوتس از زمانی که دست به قلم برد تا دنیای شگفت‌انگیز نویسندگی را تجربه کند تاکنون چیزی حدود ۵۰ رمان، ۳۵ مجموعه داستان، ۱۰ نمایشنامه و هفت کتاب برای کودکان و نوجوانان و تعداد زیادی مقاله‌های انتقادی و پژوهشی در راستای ادبیات و داستان‌نویسی در کارنامه خود دارد.

کالسکه کودک را در یکی از خیابان‌های شهر ساحلی جرسی به دنبال خود می‌کشد و آرام آرام راه می‌رود و درون مغازه‌ها سرک می‌کشد چشمش به پیرمردی می‌افتد با ظاهری آراسته. موهای نقره‌ای مرد مسن اولین چیزی است که چشم‌های کاتیا را به خود خیره می‌کند. پیرمرد با شخصیت و در عین حال مشکوک به نظر می‌رسد. کاتیا پیش‌تر نیز این چهره را در خیابان دیده است. با خود می‌اندیشد که حتماً شخصی ثروتمند است. از همین لحظه ارتباط توهم‌گونه این دو آغاز می‌شود. مارکوس کیدر همان پیرمرد ۶۸ ساله‌ای است که روی کاتیا قرار دارد و جوانی خودش را با نگاهی موشکافانه در سن و سال کم دخترک جست‌وجو می‌کند. کاتیا با داشتن پدری قمارباز که خانواده‌اش را سال‌ها پیش رها کرده و مادری دائم‌الخمر چیزی برای از دست دادن ندارد. اولین دعوت مارکوس را به منزلش با اشتیاق می‌پذیرد. هنگامی که ابتدایی‌ترین قدم خود را در خانه پیرمرد می‌گذارد گویی توسط جادوی کیدر طلسم می‌شود. مارکوس کیدر، پیرمردی است که با انگشتان لرزان پیاپی می‌نوازد. صدایش محکم است و در انتخاب کلماتش هیچ‌گاه اشتباه نمی‌کند. برای کودکان داستان می‌نویسد. نقاش است. در مقابل، کاتیا دخترکی است زیبا که مسخ کیدر شده. خوانندگان داستان اوتس در حین خواندن داستان بارها نگران می‌شوند که کیدر نقاب صورت خود را بردارد و چهره کریه و بدجنس خود را عیان کند. مارکوس کیدر از کاتیا می‌خواهد که اجازه بدهد از وی نقاشی بکشد. گاه با حرف‌ها و کارهایش کاتیا را مطمئن می‌کند که قصدش در نهایت سوءاستفاده است اما در همان لحظه اوتس خلاف آن را ثابت می‌کند و باز خوانندگان را در ابهامی عمیق تها می‌گذارد. زمان می‌گذرد و کاتیا برای پیرمرد تبدیل به نماد جوانی و زیبایی می‌شود و در مقابل کاتیا که هرگز پدر نداشته، علایق و خواسته‌های زندگی‌اش را در وجود مارکوس، می‌یابد. اوتس تمام سعی‌اش را به کار می‌گیرد تا بدگمانی را از ذهن خوانندگان دور کند و همزاد بودن این دو را تثبیت کند. اما آنقدر ماهرانه این کار را انجام می‌دهد که در طول





# داستان‌هایی که مدال گرفتند



فرانسه از دوره کلاسیک با داشتن نویسندگانی چون کورنی، مولیر و راسین تا عصر حاضر همواره صاحب یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های ادبی در دنیا تلقی شده است. فرانسوی‌ها با ابداع جایزه ادبی گنکور در سال ۱۹۰۳ به عنوان نخستین کشوری بودند که آثار برتر ادبی‌شان را ارج نهادند.

در فرانسه سالانه جوایز ادبی فراوانی اهدا می‌شوند؛ جوایزی نظیر گنکور، مدیسی، انترایه، فمینا، رنودو و جایزه بزرگ آکادمی زبان و ادبیات فرانسه از قدیمی‌ترین و معتبرترین هادای ادبی این کشور به شمار می‌آیند.

در این گزارش ضمن ارائه تاریخچه‌ای از جوایز معتبر ادبی فرانسه، مروری داریم بر کتاب‌های برگزیده و آثاری که به زعم شایستگی کسب جایزه از دور رقابت‌ها کنار رفتند.

سال ۲۰۰۹ در فرانسه، پر از آثار تازه در بازار ادبیات داستانی بود. جشنواره‌های برجسته ادبی در فرانسه باردیگر بر جسته‌ترین منتقدان و نویسندگان فرانسوی را برای انتخاب آثار برتر دور هم گردآوردند و در ماه اکتبر رمان‌های برتر فرانسه در سال ۲۰۰۹ را معرفی کردند. سال ادبی ۲۰۰۹ در فرانسه شاهد آثار ادبی داستانی فراوانی بود که در میان آنها رمان «لطافت» اثر دیوید فونکینوس که توسط انتشارات گالیما به چاپ رسید، از لحاظ نامزدی جوایز ادبی، رتبه نخست را کسب کرد و در هر پنج جشنواره ادبی فرانسه نامزد دریافت جایزه شد، اما در پایان با وجود فروش قابل قبول این رمان در فرانسه، در رقابت‌های مرحله دوم یا سوم از دور رقابت‌ها خارج شد و موفق به دریافت هیچ‌یک از جوایز ادبی فرانسه نشد.

رمان «لطافت» (La delicatesses) درباره زنی به نام ناتالی است که با وجود تنفر از عشق‌های یکباره، با «فرانسوا» آشنا می‌شود. ناتالی و فرانسوا عاشق هم می‌شوند، فرانسوا می‌میرد، ناتالی اندوهگین می‌شود؛ سپس مارکوس، رئیس فرانسوا به ناتالی ابراز عشق می‌کند، ولی مارکوس زشت به نظر می‌رسد و این اصلی‌ترین مشکل اوست. نام «لطافت» از برخورد ناتالی گرفته شده است.

رمان «یان کارسکی» نیز از رمان‌های دیگری است که توسط انتشارات گالیما به چاپ رسید و به ماجرای یان کارسکی، مبارز لهستانی جنگ جهانی دوم می‌پردازد. «یان کارسکی» امسال نامزد دریافت جایزه ادبی چهار جشنواره گنکور، فمینا، انترایه و مدیسی شد.

رمان «عشق»، رودخانه‌ای در سیبری است» اثر «ژان پی یر میلووانف» توسط گراسه، دیگر ناشر ادبی معروف در فرانسه به بازار آمد و در سه جشنواره ادبی رنودو، انترایه و مدیسی نامزد دریافت جایزه شد. این رمان با صدایی آغاز می‌شود که شباهت فراوانی به نویسنده خود دارد؛ «ما خیلی وقت است همدیگر را می‌شناسیم. شما معمولاً به کافه هتل بلوگ سر می‌زنید. مادرم همیشه برای شما بهترین اتاق را کنار می‌گذارد.» این صدای «سیلیویو» نگاهی یک کمپ در کنار دریای کامارگو است. سیلیویو پدر خودرمانی شناسد، اما امیدوار است او را در میلووانف پیدا کند. در اینجا داستانی درباره گذشته‌ای پراحساس آغاز می‌شود و... این رمان نیز به سرنوشت «لطافت» دچار شد و موفق به دریافت هیچ‌یک از جوایز مشهور ادبی سال ۲۰۰۹ نشد.

رمان «مردان» اثر «لوران موینی» توسط انتشارات مینوی به چاپ رسید و نامزد دریافت سه جایزه ادبی گنکور، فمینا و مدیسی شد. این رمان درباره مردانی به نام برنار، رایو و فوریه است که سال پرماجری

۱۹۶۰ در الجزایر حضور داشتند و دو سال بعد به فرانسه بازمی‌گردند و در فرانسه کشته می‌شوند. این رمان از نگاه بسیاری منتقدان ادبی در فرانسه، یکی از درخشان‌ترین آثار سال ۲۰۰۹ در فرانسه بود و با وجود راهیابی به اکثر جوایز نامرئحه پایانی، سرانجام هیچ‌یک از جوایز قدیمی ادبی فرانسه را کسب نکرد.

## گنکور

جایزه ادبی «گنکور» فرانسه هر سال توسط آکادمی گنکور به بهترین اثر تخیلی منثور اهدا می‌شود. آدمون دو گنکور، نویسنده، منتقد، شاعر و پایه‌گذار آکادمی گنکور در سال ۱۹۰۳ بود. پس از راهیابی ۱۴ اثر برگزیده سال ۲۰۰۹ به آکادمی گنکور پس از دو مرحله، سرانجام چهار رمان «مردان» اثر لورن موینی، «سه زن توانا» اثر ماری ان - دیایه، «واقعیته درباره ماری» اثر ژان فیلیپ توسن و «ساعت‌های زیرزمینی» اثر دلفین دو ویگان به رقابت نهایی راه یافتند، اما دوشنبه دوم نوامبر ۲۰۰۹ (۱۱ آبان) ساعت ۱۲ و ۴۵ دقیقه به وقت پاریس، اعضای آکادمی گنکور در رستوران دروان (Drouant) پاریس گردهم آمدند و «سه زن توانا» با کسب پنج رأی در دور نخست به عنوان اثر برتر گنکور در سال ۲۰۰۹ معرفی شد.

ماری ان - دیایه، نویسنده اثر، پس از دریافت جایزه به خبرنگاران گفت: «من هم برای کتاب و هم برای ناشر آن بسیار خوشحالم، پس از فروش موفق کتاب در بازار، اکنون یک جور معجزه نیز ضمیمه آن شده است. این جایزه برایم غیرمنتظره بود. من این جایزه را هدیه‌ای برای ۲۵ سال تلاش خود در راه نوشتن ارزیابی می‌کنم.»

ماری ان - دیایه درباره «سه زن توانا» که رمانی سه بخشی درباره سه زن آفریقایی است، اظهار امیدواری کرد که اهدای جایزه گنکور به «سه زن توانا» راه خوبی برای درک بهتر قصه زندگی زنان آفریقایی باشد. او گفت: «قصه زندگی مهاجران، داستانی است که تاکنون خیلی زیاد درباره آن سخن گفته شده است، اما اگر این دسته از انسان‌ها در قصه‌ای دیگر، بهتر و دقیق‌تر شناسایی شوند، بسیار خوشحال‌تر می‌شوم.»

## فمینا

جایزه ادبی فمینا، دومین جایزه ادبی قدیمی فرانسه محسوب می‌شود که ابتدا توسط ۲۲ تن از نویسندگان فرانسوی که با مجله زندگی خوش (La vie heureuse) همکاری می‌کردند و بعدها به نام Femina تغییر نام داد، از سال ۱۹۰۴ تاکنون هر سال اهدا می‌شود. ویژگی هیات داوران این جشن ادبی، آن است که از بدو

تاسیس تاکنون، همواره خانم بوده‌اند، با این وجود، نویسنده اثر برتر سال بدون تبعیض از میان نویسندگان خانم یا آقا انتخاب می‌شود. جایزه فمینا سال ۲۰۰۹ به رمان «شخص» (هیچ کس) اثر گونل اوبری رسید. در رقابت پایانی، این رمان با کسب هفت رأی از هیات داوران، رمان «یان کارسکی» اثر یانیک هائل و «سال غریب» اثر بریژیت ژیرو را پشت سر گذاشت و به عنوان اثر برگزیده فمینا در سال ۲۰۰۹ انتخاب شد.

جایزه رمان غیر فرانسوی فمینا نیز به نویسنده آلمانی زبان سویسی، ماتیاس شوکه با اثر «مورس سوار بر مرغ» و جایزه کتاب غیر داستانی به «تاریخ مجالس» اثر میشل پرو رسید.

«شخص» هم رمان و هم یک قصه خانوادگی درباره پدر نویسنده است که از عدم تعادل روانی رنج می‌برد. این «شخص» مردی است که هیچ‌گاه با خودش کنار نمی‌آید. گونل اوبری، پس از فوت پدرش دست‌نوشته‌ها و خاطرات او را در بسته‌های فراوانی پیدا کرد. پدرش وکیل بود و طی تمام این سالیان شرح‌مبارزات خود با بیماری‌اش را به صورت یادداشت‌های روزانه می‌نوشت. گونل اوبری با بهره‌گیری از این مواد خام رمان ارزشمند «شخص» را با ساختاری الفبایی از Z تا A نوشته است.

## رنودو

جایزه ادبی رنودو، به‌طور افتخاری به نام تئو فراس ت رنودو، Theophraste Renaudot، بنیانگذار نخستین روزنامه سال ۱۶۳۱ در فرانسه نامگذاری شده است و نخستین بار از سال ۱۹۲۶ توسط ۱۰ منتقد ادبی در فرانسه به وجود آمد. این در حالی است که هیات داوران رنودو تحت تاثیر نظرات هیات داوران جایزه ادبی گنکورند و هر سال نیز این جایزه در محل اهدای جایزه گنکور در رستوران دروان (Drouant) اهدا می‌شود و به نوعی مکمل جایزه ادبی گنکور به شمار می‌آید. جایزه رنودو ۲۰۰۹ به نویسنده مشهور و خبرساز به نام فردریک بایگبدر و اثر او به نام «رمانی فرانسوی» رسید.

بایگبدر پس از دریافت جایزه در حالی که اشک شوق می‌ریخت گفت: «رنودو برای من جایزه بسیار مهمی است. این جایزه را آثار بزرگ و خیره‌کننده‌ای نظیر «سفر به انتهای شب» اثر لوئی فردینان سلین و «چیرها» اثر ژرژ پرک کسب کرده‌اند و وقتی می‌بینم من در همان فهرستی قرار دارم که چنین نام‌هایی در آن دیده می‌شود به گریه می‌افتم.» فردریک در خانواده‌ای بزرگ و ثروتمند در جنوب

غرب فرانسه به دنیا می‌آید و در رمان اخیر خود به دوران کودکی‌اش بازمی‌گردد و داستان زندگی‌اش را با برادرش شارل و جدایی خود از خانواده‌اش را روایت می‌کند.

## انترایه

قصه شکل‌گیری جایزه ادبی انترایه در فرانسه بسیار جالب است. سوم دسامبر سال ۱۹۳۰ حدود ۳۰ روزنامه‌نگار حلقه متفقین انترایه را به وجود آوردند. آنها منتظر اعلام نتیجه بهترین اثر ادبی فمینا بودند، اما پس از آن خودشان تصمیم به اهدای جایزه جدیدی به نام جایزه ادبی انترایه گرفتند. اکنون جایزه ادبی انترایه هر سال اوایل ماه نوامبر در رستوران لازر پاریس توسط ۱۰ منتقد روزنامه‌نگار و برنده جایزه ادبی انترایه سال قبل به بهترین رمانی که توسط یک خبرنگار نوشته شده است، اهدا می‌شود.

جایزه انترایه سال ۲۰۰۹ به رمان «یان کارسکی» اثر یانیک هائل رسید. این رمان در فهرست اکثر جوایز معتبر ادبی سال قرار داشت و تا مراحل پایانی نیز در دور رقابت قرار داشت. کتاب درباره زندگی واقعی «یان کارسکی» مبارز لهستانی جنگ جهانی دوم در برابر هجوم نازی‌ها به خاک لهستان است. به گفته یانیک هائل در ورشو، یان کارسکی از شخصیت‌های مهم قرن بیستم و یکی از چهره‌های ناشناس و رازآمیز است. در این رمان، یان کارسکی سعی دارد نیروهای متفقین را از هجوم قریب‌الوقوع آلمان نازی مطلع و از کشتار لهستانی‌ها جلوگیری کند.

## مدیسی

جایزه مدیسی با وجود آن که جوان‌تر از سایر جوایز ادبی فرانسه است، اما امسال پنجاه و یکمین سال خود را سپری می‌کند. نخستین بار جایزه مدیسی سال ۱۹۵۸ توسط گالا باربیسان و ژان - پی یر ژیرودو (منتقدان ادبی) اهدا شد و بنا شد به نویسنده‌ای تعلق بگیرد که استعداد ادبی‌اش بیش از شهرتش باشد. رمان «معمای بازگشت» اثر دنی لافریر، نویسنده کانادایی با اصالت هائیتی، برنده جایزه مدیسی در سال ۲۰۰۹ شد. این رمان روایت تبعید پدر «دنی لافریر» به دست «پاپا داک» پدر «ژان - کلود دوآلیه» دیکتاتور هائیتی است. لافریر، نویسنده رمان که خود نیز قربانی نسل بعد دیکتاتوری در هائیتی بود و مجبور به ترک هائیتی به سوی کبک کانادا شد، درباره حکومت هائیتی می‌گوید: «تنها الطافی که از سوی این دو دوآلیه، پدر و پسر نصیب ما نویسندگان هائیتی شد، زندانی نکردن ما در هائیتی بود.»

## جایزه بزرگ آکادمی زبان فرانسه

بدون تردید جایزه آکادمی فرانسه و گنکور، از ارزشمندترین جوایز ادبی فرانسه محسوب می‌شوند. رمان «یازده تا» از پی یر میسون در سال ۲۰۰۹ جایزه بزرگ آکادمی زبان و ادبیات فرانسه را از آن خود کرد. در این داستان خلاقانه و زیبا «پی یر میسون» خالق اثر، انقلاب ۱۷۹۳ پس از انقلاب کبیر فرانسه را در سال ۱۷۸۹ از نگاه یک نقاش روایت می‌کند.

رمان «یازده تا» داستانی چند صد صفحه‌ای درباره یک اثر نقاشی در لوور است که در آن کمیته امنیت عمومی در جریان انقلاب کبیر فرانسه به نمایش درآمده است. در این تابلو شخصیت‌های مهمی نظیر روبسپیر، کارنو و سن ژوس به تصویر درآمده‌اند. میسون در این داستان با بیان خالص و ارزشمند ادبی خود داستان این تابلو را دنبال کرده است.

او درباره روابط چهره‌های سیاسی آن دوران می‌گوید: «اینها شخصیت‌هایی بودند که یکدیگر را بسیار دوست داشتند، اما به دست همدیگر کشته شدند. آنان آخرین دوستان زندگی هم بودند و یکدیگر را زیر تیغه‌های گیوتین روانه کردند. روبسپیر و دانتون و دمولن در یک سطح بودند. روبسپیر شاهد ازدواج دمولن بود. آنها مانند برادر بودند، اما تصمیم آنها به قتل همدیگر مانند برادری‌شان سفت و سخت شد.

تصمیم آنها به کشتن هم خارج از حد و مرز بود. خلسه آنها از زبان و کلام سیاسی جدید منجر به تصمیم آنها به حذف همدیگر شد. مرگ دیگر یک اتفاق نبود. من آنها را درک کردم، آنها را تیره و تحسین می‌کنم.»



# شرح بلاغت قرآن و نگاه دیوید هیوم به دین

روس ها مشارکت داشت. پس از جامع جعفری (تاریخ خوانین یزد) کتاب دیگری سراغ نداریم که سلسله حوادث تاریخی یزد را به این صورت جامع روایت کند.

«فن رمان نویسی» اثر داین دات فایر با ترجمه محمدجواد فیروزی از سوی موسسه انتشارات نگاه چاپ و منتشر شده است. نویسنده که خود حدود ۲۵ سال تکنیک های رمان نویسی را با آزمون و خطا تجربه کرده و آموخته است، کتاب راهنمایی برای نوآموزان رمان نویسی نوشته است. این کتاب به شکلی ساده با ریزه کاری های این فن سروکار دارد و برای کسانی که اولین داستان خود را می نویسند، در نظر گرفته شده است.

«جوان خام» یکی از معروف ترین رمان های فنودور داستایفسکی است که چند ترجمه از آن در سال های مختلف منتشر شده است. عبدالحسین شریفیان جدیدترین ترجمه این اثر را توسط موسسه انتشارات نگاه به بازار عرضه کرده است. پیشگفتار این کتاب به زندگی و آثار داستایفسکی اختصاص دارد که ارنست سیمونز استاد ادبیات روسی در دانشگاه کلمبیا آن را نوشته است.

«من زنی انگلیسی بوده ام» مجموعه هشت داستان کوتاه به قلم فریبا صدیقیم است که انتشارات قفتوس منتشر کرده است. صدیقیم که پیش از این شاعری پست مدرن بوده و مجموعه اشعارش را منتشر کرده بود، به تجربه تازه ای در عرصه داستان نویسی روی آورده است.

درباره معنویت و تاثیرات دین بر انسان سخن می گوید. وی در این اثر به عظمت کائنات و ناچیز بودن انسان و در عین حال به ماموریت الهی او می پردازد و نیاز انسان به خدا را به صورت ضروری ترین نیاز توصیف می کند. او که تحت تاثیر ادیان شرقی و دین اسلام قرار دارد، شرط رستگاری هر انسان را تسلیم اراده حق بودن ذکر می کند.

«آغاز روشنایی آینه» ترکیب بندی عاشورایی در پانزده بند سروده سید علی موسوی گرماردی است که از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است. در این کتاب، علاوه بر این شعر عاشورایی، در بخش مستقلی، تمام نقد و نظریه هایی که درباره این شعر مطرح شده، آمده است. نقد و نظریه هایی به قلم خرمشاهی، یزدان پرست، امیری اسفندقه، حمیدرضا شکارسری و شهیدی.

«فروغ انجمن» شامل سخنرانی های اعضای انجمن دانش پژوهان ایران کتابی است که عبدالرفیع حقیقت فراهم آورده و انتشارات کوشش آن را چاپ و منتشر کرده است.

«خاطرات و کیل التولیه» (میرزا محمدنواب رضوی) کتابی دو جلدی است که به کوشش علی اکبر تشکری بافقی، همراه با مقدمه ایرج افشار از سوی انتشارات سخن منتشر شده است. نواب و کیل یزدی که دارای لقب و کیل التولیه از آستان قدس بود در روزگار خود (۱۲۷۹. ۱۳۵۷ق) از سرشناسان یزد بود و در دوره سوم مجلس شورای ملی به وکالت رسیده و در مبارزه ملی و سیاسی بر ضد تسلط طلبی های

ویرایش و اصلاح این اثر سال ۱۷۷۶ صورت گرفت؛ زمانی که مهلت چندانی برای زندگی نداشت. بنابراین همه دستنوشته هایش را به آدام اسمیت سپرد و طی نامه ای از او خواست آثارش را چاپ و منتشر کند که این امر تحقق نیافت. سرانجام برادرزاده اش سال ۱۷۷۹ این کتاب را به دست چاپ سپرد.

«جامعه شناسی مصرف» با موضوع گردشگری و خرید، کتابی تألیف دالان تیموتی با ترجمه علی اصغر سعیدی و مهدی حسین آبادی است که از سوی انتشارات جامعه شناسان منتشر شده است. این کتاب به بررسی یکی از مهم ترین ویژگی های جامعه مدرن می پردازد. اگر بپذیریم که جامعه کنونی، جامعه مصرفی است، با نگاهی جامعه شناختی به آن، ابعاد گوناگون آن آشکار خواهد شد. دو بعد مهم این جامعه را می توان در متون جامعه شناسی مصرف، گردشگری و خرید مطالعه کرد.

«ایران و سیاست جهانی در آغاز قرن بیستم» عنوان کتابی است که از سوی موسسه خانه کتاب منتشر شده است. به مناسبت یکصدمین سال قرارداد ۱۹۰۷ همایشی تحت نام «ایران و سیاست جهانی در آغاز قرن بیستم» برگزار شد که این کتاب مجموعه مقالات ارائه شده در آن همایش است که زیر نظر داریوش رحمانیان انتخاب شده اند. کتاب مذکور به اهتمام منیر قادری تدوین و چاپ شده است.

«زمینی نو» اثر «اکهارت تول» با ترجمه میترا معتضد است که نشر البرز آن را منتشر کرده است. اکهارت تول، فیلسوف معروف انگلیسی در این اثر

«ویژگی های بلاغی بیان قرآنی» عنوان کتابی به قلم دکتر عبدالعظیم ابراهیم محمد المطعنی، با ترجمه دکتر سید حسین سیدی است که هفته گذشته از سوی انتشارات سخن چاپ و منتشر شد. پژوهش حاضر در پنج بخش و ۱۵ فصل تألیف و تدوین شده است. بخش اول با عنوان درآمد به کارکرد و تحول بیان زبانی در قرآن می پردازد و پس از توضیح معنا، خواننده با انواع و کارکرد سبک با دیدگاه های عبدالقاهر جرجانی و ابن خلدون آشنا می شود. به دنبال آن، سبک علمی و سبک ادبی، رابطه ذهن و بیان و رابطه بیان باهوش و کارکرد زبان می آید.

در بخش دوم این کتاب، ویژگی های بیان در قرآن کریم همراه با اعجاز علمی و تشریحی مورد توجه قرار می گیرد، بخش سوم شکوه معنا در قرآن نام دارد که مفصل ترین بخش کتاب مذکور است. در بخش چهارم جادوی بیان در قرآن کریم و در بخش پنجم بدیع در قرآن کریم مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

«گفت و گوها در باب دین طبیعی» نوشته دیوید هیوم، عنوان کتابی است که حمید اسکندری آن را به فارسی ترجمه کرده و نشر علم منتشرش کرده است. دیوید هیوم این کتاب را در سال ۱۷۵۱ میلادی به رشته تحریر درآورد و دستنوشته نخست خود را در دهه پنجاه به شماری از دوستان برگزیده اش سپرد و نظر ایشان را جویا شد. سپس این دستنوشته را در حوالی سال ۱۷۶۱ بازمینی و اصلاح کرد. آخرین

## گزارش آماری هفته

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات امیرعلی با شانزده عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ حسین منوچهر پارسا با شانزده عنوان پرکارترین مولف؛ و سپیده خلیلی با پنج عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

### شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
ارزاترین کتاب	۲۰۰۰ ریال	آموزه های حکیمانه؛ سیدجعفر پورموسی؛ ناشر: چلچراغ؛ چاپ ۱: ۱۱۲ صفحه؛ ۱۰۰۰۰ نسخه؛ ۵۰۰۰ ریال
گرانترین کتاب	۲۵۰۰۰۰ ریال	فارسی عمومی ویژه دانشجویران و دانشجویان دانشگاه پیام نور؛ ناشر: قلم داور؛ چاپ ۱: ۴۴۶ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۷۰ مرتبه	دا: خاطرات سیده زهرا حسینی؛ ناشر: سوره مهر؛ ۸۱۴ صفحه؛ ۲۵۰۰ نسخه؛ ۱۲۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	آموزش نماز (به زبان ترکی آذری)؛ ناشر: سادات رضوی؛ چاپ ۱: ۳۲ صفحه
کمترین شمارگان	۵۰ نسخه	تربیت بدنی (سال سوم دوره راهنمایی تحصیلی)؛ سیدرضا سجادی؛ ناشر: مکتومقلی فراغی؛ چاپ ۱: ۴۲ صفحه؛ ۵۰ نسخه؛ ۱۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۲۸۸ صفحه	کلیات مفاتیح الجنان؛ عباس قمی؛ ناشر: اکرام؛ چاپ ۵: ۵۰۰۰ نسخه؛ ۷۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۸ صفحه	شوه های تقویت هوش نوزاد ۶ - ۳ ماهه؛ روش استفاده از کتابهای این مجموعه؛ بناتریس میلتز؛ طاهره طالع ماسوله؛ ناشر: با فرزندان؛ چاپ ۱: ۱۶؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۷۵۰۰ ریال

### شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
ارزاترین کتاب	۸۰۰۰ ریال	حسابان؛ حسین علمدار؛ ناشر: قلم علم؛ چاپ ۱: ۶۴ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۴۰۰۰۰ ریال	مجموعه سوالهای دکتری تخصصی؛ مهندسی کشاورزی اصلاح نباتات دانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۰؛ سهیل زرنیدی؛ ناشر: بین الحرمین؛ چاپ ۱: ۴۸۰ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۴۷ مرتبه	دفتر برنامه ریزی به روش قلم چی؛ کاظم قلم چی؛ ناشر: کانون فرهنگی آموزش؛ ۱۸۴ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۳۹۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰ نسخه	راهنمای گام به گام عربی (۲) (به استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی)؛ محمدحسین داوودی؛ ناشر: منتشران؛ چاپ ۱۳: ۱۷۶ صفحه؛ ۱۴۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰ نسخه	عربی کامل؛ علی یازرلو؛ ناشر: مکتومقلی فراغی؛ چاپ ۱: ۱۲۸ صفحه؛ ۳۵۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان			تعداد کتاب های افست
	مؤلف*	مترجم	بدون قیمت	
۵۲۲	۲۰۶	۹۴۹	۶۲	۱۸
* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و ...) به جز مترجم				

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۱۹/۱۰/۸۸ تا چهارشنبه ۲۳/۱۰/۸۸، ۱۶۲۹ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع آموزشی و کمک درسی و سپس علوم عملی و کودک و نوجوان بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات دین، ادبیات، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

### گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تألیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط صفحه
۱	کلیات	۳۴	۲۷	۷	۱۸	۱۶	۳۲	۲	۱۸۶۲
۲	فلسفه و روانشناسی	۶۹	۳۵	۳۴	۳۶	۶۱	۸۱	۷	۲۷۲۹
۳	دین	۱۵۳	۱۲۷	۲۶	۹۴	۵۹	۸۲	۸	۳۰۶۳
۴	علوم اجتماعی	۱۰۸	۸۶	۲۲	۶۹	۳۹	۹۰	۱۸	۲۱۲۲
۵	زبان	۴۵	۴۰	۵	۳۱	۱۴	۳۵	۱۰	۲۶۲۷
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۵۶	۵۳	۳	۴۲	۱۴	۴۳	۱۳	۲۱۸۷
۷	علوم عملی	۱۸۷	۱۲۵	۶۲	۱۲۸	۵۹	۱۴۷	۴۰	۱۷۳۵
۸	هنر	۳۶	۲۹	۷	۲۱	۱۵	۳۳	۳	۲۰۶۹
۹	ادبیات	۱۴۲	۱۲۳	۱۹	۸۵	۵۷	۱۰۹	۳۳	۲۱۸۰
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۶۶	۵۹	۷	۳۱	۳۵	۵۵	۱۱	۲۲۷۱
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۵۴۶	۵۴۴	۲	۶۰	۴۸۶	۵۳۰	۱۶	۳۳۴۴
۱۲	کودک و نوجوان	۱۸۷	۱۴۱	۴۶	۶۵	۱۲۲	۱۶۰	۲۷	۴۳۸۱
	جمع بندی	۱۶۲۹	۱۳۸۹	۲۴۰	۶۸۰	۹۴۹	۱۰۳۷۷	۲۵۲	۲۵۴۷

\* تألیف: به تمامی آثاری اطلاق می شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.  
\*\* منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتابهایی است که به نحوی در مواد درسی و برنامه های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

### شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گرانترین کتاب	۲۰۰۰۰۰ ریال	دایره المعارف چراهای شگفت انگیز: پاسخ به سوال های کودکان و نوجوانان؛ رویا خونی، شهرام رجبزاده؛ ناشر: محراب قلم، کتابهای مهتاب؛ چاپ ۴: ۴۰۰ صفحه؛ ۲۲۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۱۵ مرتبه	چراهای شگفت انگیز: علم و تجربه: پاسخ به سوال های کودکان و نوجوانان؛ باربارا تیلور؛ رویا خونی؛ ناشر: محراب قلم، کتابهای مهتاب؛ چاپ ۳۲: ۳۳۰ صفحه؛ ۱۸۰۰۰ نسخه؛ ۱۸۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	یک مسابقه یک درس؛ آذر رحمتی زاده؛ ناشر: مینو؛ چاپ ۲: ۱۲ صفحه؛ ۲۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	داستانهای شیرین دوست داشتنی (شیرین ناغیلا)؛ حمید کامران؛ ناشر: هاشمی سودمند؛ چاپ ۱: ۴۲ صفحه؛ ۱۶۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۵۰۶ صفحه	دکتر دولیتل و دریارچه ی سری؛ هوج لوفیتنک؛ محمد قصاق؛ ناشر: محراب قلم؛ چاپ ۱: ۲۲۰۰ نسخه؛ ۶۰۰۰۰ ریال



نگاهی به کتاب «ناکجاآباد و خشونت» پوپر

# فلسوفی که خودش را رد کرد



چون شما هر لحظه ممکن است حرف های قبلی را نقض کنی و حرف های تازه ای بزنی که با حرف قبلی ات ناسازگار باشد، وقتی هم کسی از اعتراض درآید، احتمالا مثل پوپر می گویی: «من که گفته بودم همه نظرات ابطال پذیرند.»

پوپر مرتبا به کانت، سقراط و هگل استناد می کند و طرفه آن که از اندیشه های این فیلسوفان آنچه را دریافت می کند که خود می خواهد. او با این همه، مجموعه تاریخ علمی بشری را زیر سوال می برد و گاه هرچه را که خواسته، از میان حرف های فیلسوفان بزرگ درمی آورد و طرفه آن که، از آنها آن تعبیری دارد که خود می خواهد. اگر به باور پوپر جهان نگاه کنیم، هر انسان، انسان نخستین است و باید از اول شروع کند، چراکه نمی تواند به هیچ باوری اطمینان داشته باشد و همه چیز را می توان ابطال کرد.

پوپر در گفت و گویی که در کتاب با عنوان «بدون آزادی، نه به عدالت می رسمیم و نه به امنیت» در کتاب منتشر شده، خردی را که بر پایه ایدئولوژی شکل می گیرد نقد می کند و معتقد است که این نوع خرد، زاینده خشونت است. او از انقلاب فرانسه می گوید و روسپی که به نام اندیشه و ایدئولوژی، دستگاه گبوتین خود را به کار انداخت. احتمالا دستگاه حکومت شوروی سابق می گفت که به نام پرولتاریا و سوسیالیسم، حمام خون راه انداخت. احتمالا از سوسیالیسم ناسیونالیسم آلمان (نازی ها) خواهد نوشت که عملکردشان بر همه روشن است. اما پوپر فراموش کرده است که اگر به نام این ایدئولوژی های قلابی، مردمانی به پای حلقه دار رفتند، در بسیاری از مسائل، بی خردی مردمان را له کرد. نمونه اش در تاریخ بسیار است، اما نمونه متقدم آن مردمان آمریکای جنوبی اند. مثال بارزش، پینوشه است. مثال بارزش دیکتاتور اسپانیاست؛ فرانکو.

پوپر را باید فیلسوفی التفاطی دانست، کسی که در تلاش است همه مسائل را به هم بیامیزد تا حرف دهان پرکن و زیبا بزند. او سابقه ای ۹ ماهه در حزب سوسیالیسم دارد و سال ها در مکتب لیبرال ها قدم زده است. آنچه این مسائل را جمع کرده است، فیلسوفی هرهری مذهب است که حتی خودش را قبول ندارد و می خواهد حرف های زیبا و روزنامه پرکن بزند. با این همه باید کتاب های او را به دقت خواند، چراکه پای جوین استدلال بسیاری بر اساس همین حرف هاست.

نقد کرد؟ وقتی ما به نقد اندیشه ای می پردازیم، مبنایی را اساس کار خود قرار می دهیم. به عنوان مثال، اندیشه «پدیدارشناسانه» را مبنای کار خود قرار می دهیم و بر اساس آن حرف می زنیم، اما وقتی مبنایی نداشته باشیم، نقد ما (حتی نقدی که پوپر آن را «خرد انتقادی» می دانست)، به هرح و مرجع نخواهد رسید؛ بسیار زیباست که بگویم نمی خواهیم به هیچ یک از مکاتب علمی انسانی با قطعیت نگاه کنیم و به ابطال پذیری آنها ایمان داریم، اگر این همه تلاش بشری را نمی کنیم، با چه دستاویزی به تحلیل بپردازیم؟

پوپر می نویسد: «پاسخ درست به پرسش من، یعنی چه می توانیم بکنیم تا خطاهایمان را بیابیم و آنها را رفع کنیم؟ به نظرم چنین است: از راه نقد نظریه ها و حدس های دیگران. و اگر بتوانیم خود را تربیت کنیم. از راه نقد نظریه های خودمان و تلاش های نظرورزانانه برای حل مسائل.»

این حرف پوپر نیز بسیار زیباست، اما تنها در حد یک شعار پوپولیستی باقی می ماند. او می گوید ما باید از نقد خودمان شروع کنیم، اما مبنای این نقد کجاست؟ اگر این نقد مبنایی نداشته باشد و هر لحظه بتوان آن را ابطال کرد، سنگ روی سنگ بند نمی شود،

## کتابی جمع و جور برای شناخت پوپر

یکی از ویژگی های بسیار مثبت کتاب «ناکجاآباد و خشونت»، که عنوان یکی از سخنرانی های پوپر است، آن است که می توان چکیده نظرات این فیلسوف اتریشی را در آن دید. پیش از این تنها کتابی از برایان مگی، پوپر را در این اندازه معرفی کرده بود، اما این بار، در کتابی بسیار کوچک و کم حجم (۲۰۰ صفحه)، خواننده با مطالب بسیار جالبی روبه رو می شود. کسانی که فرصت خواندن آثار این فیلسوف را ندارند (که البته بسیار راحت می توان آنها را خواند)، می توانند با خواندن این کتاب که مجموعه سخنرانی و گفت و گوهای اوست، تا اندازه زیادی با وی آشنا شوند.

پس از پیشگفتاری که مترجمان کتاب، خسرو ناقد و رحمان افشاری، بر کتاب نوشته اند مقدمه ای توسط ناقد نوشته شده است که می توان آن را معرفی اجمالی پوپر دانست و حتی خواندن این متن، می تواند این فیلسوف اتریشی را به خواننده ای که با او آشنایی ندارد، معرفی کند.

پس از این، سه سخنرانی از پوپر آمده است که به موضوعاتی همچون «درباره دانایی و نادانی» (کتابی هم از او با عنوان «سرچشمه های دانایی و نادانی» با ترجمه عباس باقری ترجمه شده است)، «ناکجاآباد و خشونت» و «درباره به اصطلاح منابع شناخت» در آنها محور اصلی است.

سه گفت و گویی که پس از این آمده، بسیار خوب و هوشمندانه انتخاب شده است و «سرچشمه های شناخت گوناگونند»، «بدون آزادی، نه به عدالت می رسمیم و نه امنیت»، «عقل گرای انتقادی» عنوان این گفت و ها هستند.

پرسشی از اصل و منشا است؛ بدین معنا که از منشا شناخت مان می پرسد، با این باور که ممکن است شناخت با کمک تبارنامه اش بتواند برای خویش مشروعیتی دست و پا کند.»

نخستین نکته ای که بعد از خواندن این سطور پوپر به ذهن خطور می کند این است که می توان بدون داشتن هیچ مرجعی، به درستی مطلب پی برد؟ وقتی شما مرجعی برای گفت و گو ندارید، با چه معیاری به نقد و بررسی آن خواهید پرداخت؟ اشکال دیگری که می توان به پوپر وارد کرد، خوانش سفسطایی او از سقراط است، همان خوانشی که سقراط را مجبور کرد تا شواکران را سر بکشد. اشکالی که به کار سقراط گرفته می شد این بود که او هر چیزی را بدون توجه به ملاک های عقلی، نقد می کرد. حال آن که پیر اندیشه، چنین نبود. او تنها می خواست سست بودن استدلال برخی را زیر سوال ببرد که گمان می کردند تنها خود بر راستی اند.

حالا پوپر نیز قرائتی این گونه از سقراط دارد. از همین رو است که مدام جمله «در میان آدمیان آن کس از همه داناتر است که چون سقراط دریابد که به راستی هیچ نمی داند» را تکرار می کرد. اگر سقراط چنین می گفت، از آن جهت بود که دایره دانایی را گسترش دهد، نه آن که آن را به تمامی فرو ریزد. او معتقد بود که چنان دانشی در جهان وجود دارد که نمی توان به آن دست یافت، در نتیجه هرچه به دانشی گسترده تر دست یابیم درخواستی یافت که دانش ما بسیار اندک است. مصداق همان ضرب المثل فارسی که می گوید: «درخت هر چه سنگین تر، سربه زیر تر.» اما پوپر این جمله را با تعبیری سفسطایی به کار می برد و معتقد است همه دانش بشری، جز حدس و گمان نیست.

پوپر همچنین می نویسد: «طرح پرسش دیگر سان من، یعنی: چه می توانیم بکنیم تا خطاهایمان را بیابیم؟» زاده این باور است که چنین منابع اصیل، پاک و خطاناپذیری وجود ندارد و پرسش از اصل و منشا و خلوص و پاکی را نباید با پرسش راجع به اعتبار و حقیقت اشتباه کرد.»

در اینجا نیز، با همه ظاهر زیبایی که حرف های پوپر دارد، او دچار تناقض شده است. سوال ما از این فیلسوف لیبرال اتریشی این است که چگونه می توان بدون هیچ گونه پایه، اساس و مبنایی، اندیشه ای را

یکی از ویژگی های آثار و اندیشه های کارل ریموند پوپر سادگی آنهاست، یک نوع سادگی که می تواند بدل به پاشنه آشیل افکار او شود. همه اندیشه های پوپر را می توان در یک جمله خلاصه کرد. او همواره می خواهد همه مسائل را در شک باوری ببیند، چنان که حتی اندیشه های خود را نیز به دیده شک می نگرد. او از مخاطب خود می خواهد «لطف کند» و اندیشه هایش را نقد کند تا بارورتر شوند. یعنی می خواهد همه چیز را از دیدگاه «عقل انتقادی» ببیند. این حرف ها در ظاهر ماجرا بسیار زیباست، اما وقتی به عمق آن بروید، درخواهید یافت که شاید چندان پایه و مایه علمی نداشته باشند.

نخستین اشکالی که می توان به اندیشه های پوپر گرفت، مساله ای است تحت عنوان «حدس ها و ابطال ها». «اتفاق» عنوان کتابی از اوست که با ترجمه احمد آرام به فارسی ترجمه شده است. کسانی که این کتاب را خوانده اند، اگر مقدمه کتاب «ناکجاآباد و خشونت» را بخوانند که توسط خسرو ناقد نوشته شده، به ایده اصلی کتاب خواهند رسید. همه حرف پوپر این است که دانش بشری بر اساس حدس ها و گمان ها شکل گرفته اند و به راحتی ابطال می پذیرند. ناقد می نویسد: «نخستین پرسشی که ذهن جست و جوگر او را به خود مشغول می دارد، این است که اصولا چه زمان نظریه ای را می توان علمی خواند؟ آیا این گفته انیشتین که اگر آزمایش صحت و درستی نظریه را با موارد تایید قرائن داده بودند، وی قادر نبود از آن دفاع کند، دلیل «علمی» بودن نظریه است؟ ... اصولا مبنای «علمی» و «شبه علمی» بودن نظریه ها چیست؟»

به این ترتیب پوپر همه نظرات علمی و شبه علمی را به یک چوب می زند و اساس همه چیز را زیر سوال می برد. اما چرا نمی توان راحت حرف های او را پذیرفت؟ او به ظاهر بسیار انتقادپذیر است و به این نکته قائل است که می تواند با نگاه عقلانی، به نقد همه چیز پرداخت. اما چرا این حرف ها را دهان پرکن، پوپولیستی و شعاری می دانیم؟

مهم ترین اشکالی که در اندیشه های پوپر وجود دارد، تضادی است که در آنها موج می زند. نخستین تضاد آنجاست که او با بیان تئوری هایش حرف های خودش را نقد می کند و چنانچه از استقرای منطقی آموخته ایم، تنها بیان یک تناقض در هر دستگاه فکری، همه آن را نقض می کند. چنانچه ناقد در بخش «جهان اندیشگی کارل ریموند پوپر» آورده، پوپر معتقد است که همه نظریه ها را می توان رد کرد و اصولا باید با دیدی انتقادی به مسائل مختلف نظر کرد. از همین رو باید به اندیشه های او نیز با نگاهی انتقادی نگاه کرد.

آیا می توان به نظریه ای که از همان ابتدا آن را بر پایه حدس ها و گمان ها بنا نهاده اند اعتماد کرد؟ حرف های پوپر در اینجا دقیقا از مدل «پارادوکس دروغگو» پیروی می کند. مثلا اگر کسی بگوید که همه مردمان شهر دروغگویند، آیا فردی راستگوست؟ آیا خود او ساکن این شهر نیست؟ اگر هست، پس حتما دروغ می گوید.

پوپر در سخنرانی «ناکجاآباد و خشونت»، که یکی از فصل های کتاب است و عنوان کتاب نیز از آن گرفته شده، نوشته است: «پیشنهاد من این است که پرسش راجع به منابع شناخت مان را با پرسشی اساسا متفاوت تغییر دهیم و ببرسیم: آیا راهی وجود دارد که خطایمان را کشف کنیم؟ پرسش مربوط به منابع شناخت همانند بسیاری از پرسش های اقتدارطلبانه،





## روایت اول شخص

### انتقاد و ارتباطات

■ دکتر سید محمد دادگران، مدرس دانشگاه



کتابی بنام «مطالعات انتقادی در ارتباطات» را به دست ناشر سپرده‌ام. این کتاب که حاصل تحقیق و پژوهشی چندساله است به عنوان کتاب درسی در حوزه ارتباطات، توسط انتشارات خجسته منتشر خواهد شد. در ترجمه متون منبع و تالیف این کتاب، غلامرضا آذری نیز با من همراهی کرده است.

«مطالعات انتقادی در ارتباطات» در فصل‌های جداگانه تنظیم شده و می‌تواند مورد رجوع دانشجویان دوره دکتری و کارشناسی ارشد رشته ارتباطات قرار گیرد. برای تسهیل خوانش آن نیز در ابتدای هر فصل از کتاب، سوالاتی افزوده شده که دانشجو بتواند با مطالعه آن فصل پاسخ‌ها را بیابد و درک کند که در این فصل از کتاب باید دنبال چه باشد. از سوی دیگر این اولین منبع به زبان فارسی برای درس «مطالعات انتقادی در ارتباطات» است و از این رو چاپ و انتشار آن واجب بود. با این حال اعتقاد دارم این کتاب می‌تواند خواننده عام نیز داشته باشد و نه فقط برای دانشجویان ارتباطات، بلکه برای همه علاقه‌مندان به این حوزه و دانشجویان سایر رشته‌ها و پژوهشگران دیگر نیز مفید واقع شود.

مطالعات انتقادی اساس و پایه اصلی رشته ارتباطات است. این رشته از دیدگاه‌های مختلفی به واکاوی نقش رسانه‌ها و بررسی تأثیرات اجتماعی پیام‌های رسانه‌ای می‌پردازد از این رو، کتاب حاضر در دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، بحث‌های مفصلی مطرح می‌کند.

ترجمه من از دو کتاب دیگر با نام‌های «تحلیل گفتمان» و «جهانی شدن خیر» از سوی انتشارات دانشکده صداوسیما نیز در حال چاپ است. این دو اثر برای دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به رشته ارتباطات و روزنامه‌نگاری، به عنوان منابع درسی و همچنین به عنوان کتاب‌هایی برای مطالعه بیشتر دانشجویان علاقه‌مند منتشر خواهد شد.

اکنون کتاب «افکار عمومی و معیارهای سنجش آن» به قلم من از سوی انتشارات مروارید به چاپ سیزدهم رسیده است. از طرفی نسخه‌های چاپ پنجم کتاب «مبانی ارتباطات جمعی» به پایان رسیده و انتشارات فیروزه به زودی چاپ ششم آن را روانه بازار نشر خواهد کرد.

### کفش‌هایی با طعم آب نبات

■ طاهره صدیقیان، مترجم

به تازگی ترجمه من از کتاب «لیدی الیزابت» نوشته آلیسون ویر، نویسنده بریتانیایی، توسط انتشارات کتابسرای تندیس راهی بازار نشر شد. پیش‌تر از همین نویسنده کتاب «حائش بی‌گناه» که نخستین کتاب او نیز به شمار می‌رود را ترجمه و منتشر کرده‌ام. ویر، نویسنده و تاریخ‌شناس ۵۸ ساله تاکنون ۱۲ کتاب تاریخی و دو رمان نوشته است. «حائش بی‌گناه» نخستین کتاب از آثار اوست که فضایی تاریخی دارد. این کتاب ماجرای تاریخی از حکومت ۹ روزه «جین‌گری» ملکه بریتانیا را نقل می‌کند. این اثر توجه و علاقه مرا به خود جلب کرد و تصمیم گرفتم آثار دیگری را از همین نویسنده ترجمه و منتشر کنم و پس از آن کتاب «لیدی الیزابت» رمانی تاریخی

درباره زندگی پانزدهمین و آخرین ملکه بریتانیا در سلسله «تودور» را ترجمه کردم.

زندگی الیزابت اول در اواسط قرن ۱۶ میلادی، بسیار پرماجرا و شنیدنی بوده، به شکلی که تاکنون بارها دست‌مایه فیلم‌های سینمایی پارمان‌های تاریخی قرار گرفته است.

همچنین ترجمه من از کتاب «بانوان معماری میسالونگی» اثر کالین مک‌کالو، نویسنده استرالیایی رمان «مرغان خارزار» توسط انتشارات روشنگران منتشر شده است. این کتاب را سال‌ها پیش ترجمه کرده بودم و حجمی در حدود ۲۰۰ صفحه دارد. به اصرار مدیر مسؤول انتشارات روشنگران این کتاب را به دست چاپ سپردم.

اما ترجمه کتاب «کفش‌های آب‌نباتی» ادامه رمان «شکلات» نوشته ژوان هریس به پایان رسیده و مراحل اداری انتشار راطی می‌کند. چاپ چهارم ترجمه‌ام از رمان «شکلات» هریس توسط انتشارات کتابسرای تندیس نیز به زودی منتشر می‌شود. این روزها سرگرم بازخوانی ترجمه «کفش‌های آب‌نباتی» هستم تا پس از طی مراحل اداری آن به سرعت منتشر شود.

### در جست و جوی چرایی زندگی

■ معصومه عایفی، شاعر

«خارپشت» نخستین مجموعه شعر من است که آن‌را نخستین سنگ چین‌ترین این چندساله می‌دانم. «خارپشت» نمادی از انسان مدرن و آرزومندی است که در عمق یأس به دنبال پاسخی برای چرایی زندگی و عشق می‌گردد. اما یأس او بر پاسخ‌جویی اش غلبه دارد. خار، نمادی از رنج‌های انسان مدرن است که همواره بر دوش می‌کشد و از آن‌ها بی‌نیاز ندارد.

این مجموعه شعر که سروده‌های سال‌های ۸۲ تا ۸۵ من را دربرمی‌گیرد و شامل ۱۰۰ قطعه شعر سپید است به تازگی توسط انتشارات نقش بیان منتشر و راهی بازار نشر شد.

از ۹ سالگی نیاز ناآگاهانه سرودن شعر در من قد کشید و تکرار این نیاز تبدیل به سرایشی آگاهانه شد. شعر من، مانند شعر هر شاعر دیگری، نمادی از جست‌وجوهای درونی‌ام است.

همچنین به زودی یک مجموعه داستان با عنوان «شاتوت» و با موضوع اجتماعی توسط همین انتشارات به چاپ می‌رسد. پیش‌تر عنوان «پرغونه» که نام یکی از داستان‌های مجموعه بود را برای آن برگزیده بودم. اما این روزها آماده‌سازی سه مجموعه شعر نیز برای گروه سنی یازده سال را در دست دارم.

### از حافظ تا بهمنی

■ بهروز ثروتیان، پژوهشگر ادبی



کتاب «بهت زدگی در شعر بهمنی» بررسی غزل‌های محمدعلی بهمنی را توسط نشر شانی در دست انتشار دارم. صالحی مدیرمسئول این انتشارات قول داده تا بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، آن‌را منتشر کند. غزل بهمنی، غزلی دلنشین است و هیچ‌تصنعی در آن دیده نمی‌شود؛ چرا که با زبان مردم سخن می‌گوید. به تازگی نیز کتاب «خردنامه ایران باستان» (ترجمه‌ای ساده و روان از متن عربی «الحکمه خالده») من در جایزه کتاب فصل به عنوان کتاب برگزیده انتخاب شد. همچنین اخیراً «بشنو از من» تفسیر شش دفتر مثنوی معنوی برای مخاطبان به زبان ساده توسط انتشارات مهتاب منتشر شد.

اما این روزها چندین کتاب را در دست انتشار دارم. از جمله این کتاب‌ها می‌توانم تفسیر منظوم «صفی‌علیشاه» توسط انتشارات خانه کتاب، تصحیح نهایی از «دیوان حافظ» توسط انتشارات بین‌الملل و نقد و شرح «فیه مافیة» را نام ببرم.

همچنین کتابی به قلم من در ارتباط با زنان در افسانه‌های نظامی گنجوی، سیمای تاریخی، مقام

معنوی و قدرت و هنر آنها توسط انتشارات آیدین تبریز در دست انتشار است. «زن، مبارک درخت برآور» عنوانی است که برای این کتاب در نظر گرفته‌ام. در این کتاب با ذکر ۲۶ افسانه از نظامی و آوردن شاهد‌های تاریخی از چنگیز مغول و همسر ابوسعید بهادر، شاه ایلخانی، زن را به عنوان مظهر توانایی و هنر و دانایی بررسی کرده‌ام. انتشارات نگاه نیز چاپ کتاب «فال در آینه غزل حافظ» را از من در دست انتشار دارد.

### داستان‌های اجتماعی نوجوانان

■ مصطفی خرامان، نویسنده کودک و نوجوان



به تازگی رمان «شبگرد ناشی» که برای نوجوانان نوشته‌ام توسط موسسه نشر شهر منتشر شد. این کتاب یک داستان بلند است که در آن دو داستان به شکل موازی پیش می‌روند که یکی از آنها در زمان اکنون و دیگری در حدود چهار سال پیش اتفاق افتاده است. وقایع اصلی هر دو داستان در شهر تهران اتفاق می‌افتد و فقط زمان وقوع این حوادث از نظر تاریخی متفاوت است. موضوع اصلی این داستان اجتماعی است و فضایی کاملاً رئال دارد.

اما این روزها سرگرم نوشتن رمان دیگری برای نوجوانان با عنوان «بد، متوسط، خوب» هستم. این داستان نیز موضوعی اجتماعی دارد و با نقل ماجرا و داستان سه نوجوان در یک ساختمان و حوادثی که آنها شکل دهنده آن به شمار می‌آیند، پیش می‌رود. البته هنوز ناشری برای این کتاب در نظر نگرفته‌ام.

از سوی دیگر با همکاری مرکز فرهنگی - هنری صبا حدود ۲۶ فیلمنامه را آماده کرده‌ام. براساس این فیلمنامه‌ها توسط موسسه صبا انیمیشن‌هایی نیز ساخته می‌شود. این فیلم‌نامه‌ها براساس داستان زندگی شهیدان جنگ تحمیلی نوشته شده‌اند و شهیدانی را انتخاب کرده‌ام که رگه‌های داستانی زندگی آنها بیشتر بوده است. در حقیقت این مجموعه داستان‌های رئال اجتماعی و با هدف انسان‌دوستانه را شامل می‌شود که برای کودکان و نوجوانان نوشته شده است.

زندگی بسیاری از شهدا و رزمندگان جنگ تحمیلی دارای نکات ظریفی است من نیز با همین انگیزه شروع به تحقیق در زندگی تعداد زیادی از شهدای دوران دفاع مقدس کردم. در آینده نیز این فیلمنامه‌های داستانی را در قالب کتاب برای این گروه سنی منتشر می‌کنم. البته کار نگارش این زندگی‌نامه‌های داستانی همچنان ادامه دارد و قصد دارم تعداد آنها را به ۵۲ فیلمنامه برسانم.

### داستان به روایت طنز

■ داود امیریان، نویسنده

آخرین کارم مجموعه طنز «ترکش ولگرد» نام دارد که در پنج جلد توسط نشر شاهد راهی بازار نشر شد. این کتاب داستانی در قالب طنز دارد و برای گروه سنی نوجوان نوشته شده است. نمونه این کتاب در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب ارائه شد و در همان زمان حدود ۲۰۰ جلد آن به فروش رفت. حالا آن‌طور که ناشر می‌گوید چاپ نخست آن تمام شده و در حال حاضر برای چاپ دوم در دست چاپ است. همچنین نگارش کتاب دیگری با عنوان «بهشت منتظر می‌ماند» روایت‌کننده زندگی یکی از یاران امام موسی کاظم (ع) را برای گروه سنی کودک و نوجوان به اتمام رسانده‌ام. «بهشت منتظر می‌ماند» داستانی کوتاه دارد و تصویرگری آن به پایان رسیده است. این کتاب توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر خواهد شد و در نمایشگاه کتاب سال آینده توزیع می‌شود.

از سوی دیگر نگارش کتابی با عنوان «ایران خرشاه» را در دست دارم. این اثر نوشته‌ای طنزگونه محسوب می‌شود که تا آخر بهمن ماه کتاب را برای چاپ به انتشارات سوره مهر تحویل می‌دهم.

### یادداشت

حسین اسرافیلی  
شاعر



### یادی از «جذبه»

### حلقه اتصال

### با اندیشه‌های بزرگ



انس و الفت با ادب گران سنگ پارسی و پیوند با آثار فاخر و ارجمند بزرگان این عرصه، پیوند قطره است بادریا و جوانه است باجنگل، که روح را بزرگی می‌آموزد و جان را جلای دهد تا آینه‌ای باشد زلال و انعکاس دهنده تجلی انوار حق.

این که بزرگان نشر و ادب، در این سرزمین کهن، حکیم نامیده شده‌اند و علماء خطباء در پایان درس و بحث خود، به ابیاتی از آنان توسل می‌جویند تا موضوع مورد بحث را ساده و روان چون شهد بر حلق جان مخاطب بریزند و این که مردم ما در آغاز هر کاری به دیوان‌خواجه بزرگ شیراز مراجعه می‌کنند و تغال می‌زند تا برای انجام کار از انفاص قدسی او مدد گیرند و این که حتی ضرب‌المثل‌های این ملت شریف نظم است و بیت‌ها و مصراع‌هایی از شعر شاعران، بیانگر روابط اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و تربیتی مردم است، گویای همان حکمتی است که در آثار شاعران حکیم جلوه‌گر است.

همنشینی با شاعران پیشکسوت و بهره‌مندی از گفتار و منش آنان، خود کلاسی است ارزشمند و آموزنده که برای طالبان زلالی و تعالی روح، دریچه‌هایی روشن و پنجره‌هایی تازه می‌گشاید و اندیشه و جهان‌بینی آنان را عمق و وسعت بیشتر می‌بخشد و زبان و بیان‌شان را شیرین و شیوا می‌کند.

این همان چیزی است که متأسفانه برخی از شاعران جوان، از آن گریزانند. با ادب گذشته ارتباط ندارند با پیشکسوت‌ها مرتبط نیستند و تنها منبع و مأخذشان و تنها منظرشان آثار ترجمه شده از شاعران عمدتاً غربی است که نه در نگاه و نه روحیات با ملت، اشتراک باور و بینش دارند. دعوت به اصلاح و جوانمردی و نکوهش رفتارهای سبک‌سرنه و غیر اخلاقی و ارج نهادن بر کرامت انسانی و ایجاد ارتباط روح‌جامعه با ماوراءالطبیعه و مبدأ وحی نخستین آموزه‌های شعر فارسی و فرهنگ کهن این مرز و بوم است.

پرداختن به «عشق» و سخن از عشق گفتن، در تمام دیوان‌های شاعران بزرگ فارسی جلوه‌گر است؛ عشقی پاک و مقدس که ریشه در معنویت و باورهای متعالی دارد و انسان را از خاک برمی‌گیرد و به افلاک می‌برد.

استاد فرهیخته روزگار ما، روانشاد محمود شاهرخی «جذبه»، حلقه اتصال با اندیشه‌های بزرگ شاعران گذشته بود، انسان شریفی که بخش‌های عظیمی از مثنوی مولانا و شاهنامه و تقریباً همه دیوان حافظ را از بر بود و با شعر کهن چنان ارتباط داشت که در هر بحثی ابیات فراوان از بزرگان و ادب و فرهنگ را شاهد مثال می‌آورد و چنان شیفته و عاشقانه از بزرگان یاد می‌کرد که مخاطب نیز شیفته آنان می‌شد.

سخن از استاد شاهرخی، در این مقال کوتاه نمی‌گنجد و فرصت بیشتری می‌طلبد تا از منش، اخلاق، شیفتگی، کرامات نفسانی، شعر و اندیشه او گفته شود.

اما مطالعه مثنوی «خلوت‌نگاه عشق» که آن را با اشاره به رمزی در تجلی و ظهور آن گنج‌مستور، از نهانخانه غیب ذات و جلوه‌گری او در آینه اسماء و صفات و پدید آمدن عشق هستی‌سوز و آتش در خرمن عشاق زدن، می‌آغازد، راهگشایی برای درک بهتر و جوه شخصیتی این شاعر است.